



شعله جاوید

جریده شعله جاوید ارگان مرکزی حزب کمونیست (مائونیست) افغانستان
است که عمدتاً در خدمت تدارک، برپائی و پیشبرد جنگ مقاومت
ملی مردمی و انقلابی (شکل مشخص کنونی جنگ خلق) قرار دارد.
(اسانامه حزب)

ارگان مرکزی حزب کمونیست (مائونیست) افغانستان

شماره (۲۶)

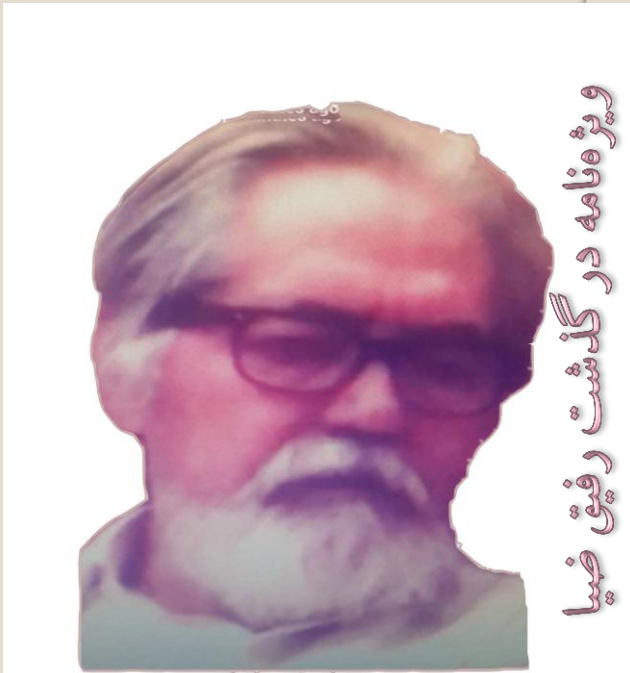
دور چهارم

دلو ۱۳۹۹

رفیق ضیا و جنبش نوین

کمونیستی

افغانستان



مطالب ویژه نامه درگذشت رفیق ضیا:

- ۶ درمورد درگذشت رفیق ضیا
- ۷ تقدیم به رفیق ضیا
- ۱۱ زندگی نامه مختصر رفیق تسلیت نامه ها:
- ۱۸ حزب کمونیست ایتالیا
- ۱۹ حزب کمونیست فرانسه
- ۲۰ گروه مائونیستی راه سرخ ایران
- ۲۱ حزب کمونیست تونس
- ۲۳ حزب کونیست انقلابی کانادا
- ۲۳ مجمع کمونیست ناروی
- ۲۴ حزب کمونیست برزیل
- ۲۸ حزب کمونیست نیپال
- ۳۸ اشعار رفیق ضیا

رفیق ضیا خدمات مهم تئوریک در عرصه مبارزات کمونیستی افغانستان و جهان انجام داده است. او علاوه بر اینکه در مبارزات عملی و تشکیلاتی درگیر بود، در عرصه پاسخگویی به ضرورت های تئوریک مبارزات انقلابی و کمونیستی نیز تلاش پیگیر انجام داد. یکی از مهم ترین خدمات رفیق ضیا، ارائه جمع بندی و تحلیل تاریخی از تجارب مثبت و منفی جنبش کمونیستی و دموکراتیک نوین کشور است. او همچنین خدمات مهم در جذب تجارب اصولی مبارزات بین المللی کمونیستی برای تدوین برنامه و تعیین استراتژی انقلاب پرولتری در افغانستان انجام داده است.

بعد از فروپاشی «سازمان جوانان مترقی» و جریان شعله جاوید، جنبش چپ افغانستان دچار انحرافات و سردرگمی های متعدد ایدئولوژیک-سیاسی گردید.

رفیق ضیاء و جنبش نوین ...

این انحرافات و سردرگمی‌های ایدئولوژیک-سیاسی همزمان با شرایط نامساعد داخلی و بین‌المللی جنبش کمونیستی را در افغانستان با خطر نابودی مواجه نموده بود. اما جنبش کمونیستی افغانستان تحت رهبری رفیق ضیاء توانست با تأثیرپذیری از مبارزات جنبش بین‌المللی کمونیستی و جذب آموزه‌های اصولی انقلاب کبیر فرهنگی پرولتاریایی چین و همچنان با مبارزات قاطع و اصولی بر ضد رویزیونیست سه‌جهانی و خوجه‌یی، خط ایدئولوژیک-سیاسی اصولی مارکسیستی-لنینیستی-مائوئیستی را بنیاد گذاشت و طبقه گارگر و جنبش کمونیستی کشور از حزب پیشاهنگ پرولتری، برنامه و استراتژی مدون کمونیستی برخوردار شود.

مبارزات کمونیستی در افغانستان در مقایسه با کشورهای دیگر جهان دیرتر آغاز گردید. احزاب کمونیستی در هند، ایران، چین و سایر کشورهای منطقه در نیمه اول قرن بیستم آغاز به فعالیت کردند، اما در افغانستان سازمان‌دهی کمونیستی با تشکیل سازمان جوانان مترقی در اواسط دهه شصت میلادی آغاز شد. این سازمان بر اساس خط سیاسی مارکسیستی-لنینیستی-مائوتسه‌دون اندیشه با تأثیرپذیری از مبارزات ضد رویزیونیستی حزب کمونیست چین تحت رهبری مائو تشکیل گردید و با برافراشتن درفش مستقل کمونیستی در حقیقت خط فاصل میان کمونیزم و رویزیونیزم در افغانستان ترسیم نمود.

سازمان جوانان مترقی جریده شعله جاوید و جریان دموکراتیک نوین را راه‌اندازی نمود و به شکل گسترده و وسیع توده‌ها را درگیر مبارزات سیاسی کرد. سیاست را از دربار و مراکز قدرت به کوچه و خیابان، کارخانه و دانشگاه کشاند و بزرگترین حرکت مبارزاتی توده‌یی را جرقه زد و آن را رهبری نمود. به همین دلیل، شعله جاوید به یکی از بزرگترین تهدیدات برای دولت ارتجاعی وقت تبدیل گردید. رژیم ارتجاعی ظاهرخانی با درک نفوذ جریان شعله جاوید در میان توده‌ها پس از نشر یازده شماره آن را توقیف نمود. اما، همین یازده شماره نیز در بیداری و به حرکت درآوردن یک جنبش نیرومند توده‌یی و بی‌پیشینه در تاریخ مبارزات کشور نقش بسیار مهم از خود به جای گذاشت. «شعله جاوید» از آن زمان تا کنون

معرف هویت جنبش دموکراتیک نوین و هویت جنبش کمونیستی (مائوئیستی) در افغانستان بوده است.

اما از آنجا که سازمان جوانان مترقی به‌عنوان نخستین سازمان کمونیستی در افغانستان از تجربه مبارزاتی کمی برخوردار بود، با مشکلات و کمبودات ایدئولوژیک-سیاسی و تشکیلاتی زیادی روبه‌رو شد. برعلاوه جوان و نوپا بودن، بروز انحرافات اکونومیستی و سترستی و افت مبارزات انقلاب جهانی به‌فروپاشی سازمان جوانان مترقی بی‌تأثیر نبود.

پس از کودتای رویزیونیستی در هفتم ثور ۱۳۵۷ ه.ش به‌رهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان که زمینه اشغال کشور توسط سوسیال امپریالیزم شوروی را فراهم نمود، این رژیم به کشتار و دستگیری هزاران تن از اعضای سازمان جوانان مترقی، فعالین و هواداران شعله جاوید دست زد. رژیم کودتا زمینه‌ساز دوره‌ای تاریک و طولانی از خشونت، تجاوز و اشغال توسط نیروهای سوسیال امپریالیزم شوروی در کشور گردید که تأثیرات آن تا کنون بر زندگی خلق‌های ستم‌دیده و رنج‌دیده‌ی کشور سایه انداخته است. پس از فروپاشی سازمان جوانان مترقی، سازمان‌های متعدد با گرایش‌های انحرافی از دل آن بیرون شدند که با خط اصولی سازمان جوانان مترقی کاملاً فاصله داشتند.

متأسفانه ارتداد و انحرافات جدی ایدئولوژیک-سیاسی از جمله دنباله‌روی از نیروهای ارتجاعی اسلامی جنبه برجسته فعالیت‌های سیاسی بسیاری از این سازمان‌ها بود. عده‌ای از این سازمان‌ها ماهیت «اسلامی» مقاومت ضد سوسیال‌امپریالیزم را پذیرفته و در برنامه‌های سازمانی‌شان «انقلاب اسلامی» را به‌عنوان مرحله‌ای از انقلاب افغانستان رسمیت دادند. تزئین نشرات و اعلامیه‌ی سازمان‌های مدعی چپ با شعارهای مذهبی به یک امر معمولی تبدیل شد. به این ترتیب، بسیاری از انقلابیونی که خود را وابسته به جنبش چپ می‌دانستند، در مبارزه علیه اشغال سوسیال امپریالیستی زیر درفش احزاب اسلامی جنگیدند و تلفات دادند. در طول دهه‌ی پنجاه و اوایل دهه‌ی شصت خورشیدی، خطوط انحرافی و رویزیونیست سه‌جهانی و خوجه‌یی بر چپ افغانستان غالب بود. رفیق ضیاء یکی از مهم‌ترین دلایل تثوریک این انحرافات را «دست کم گرفتن و نادیده‌انگاشتن اهمیت بررسی تاریخی و سیاسی سازمان جوانان مترقی و درک اهمیت خط اصولی حاکم بر آن»^۱ عنوان کرد. او

معتقد بود که اکثر رهبران سازمان‌های چپ در افغانستان به دلیل «خصوصیت با خط و رهبریت بنیان‌گزار سازمان جوانان مترقی»^۲ نتوانستند به تحلیل تاریخی، علمی و اصولی از این تجارب دست یابند، در نتیجه به مسیر انحرافی و تسلیم‌طلبی طبقاتی و ملی افتادند. رفیق ضیاء در چنین شرایط دشوار و نامساعد نه تنها خط اصولی سازمان جوانان مترقی را جذب و احیاء نمود، بلکه با تأثیرپذیری از انقلاب کبیر فرهنگی پرولتاریایی چین و جنبش انقلابی انترناسیونالیستی در شکل‌گیری جنبش نوین کمونیستی در افغانستان نقش اساسی بازی نمود.

به همین منظور، او نخست به جمع‌بندی و تحلیل تاریخی از تجارب مثبت و منفی سازمان جوانان مترقی دست زد. او معتقد بود که بدون شناسایی و درس‌گیری از انحرافات و کمبودات ایدئولوژیک سیاسی گذشته‌ی جنبش، تدوین و تطبیق خط درست و اصولی ممکن نیست. رفیق ضیاء با جمع‌بندی تئوریک از کمبودات و انحرافات ایدئولوژیک-سیاسی و تشکیلاتی جنبش چپ کشور، به

گسست تاریخی از انواع واقسام خطوط انحرافی دست زد. به همین دلیل، شکل‌گیری جنبش نوین کمونیستی کشور مبتنی بر خط اصولی مارکسیستی-لنینیستی-مائوئیستی با نام رفیق ضیاء گره خورده است.

رفیق ضیاء بر روی جنبه‌های اصولی و درست خط سازمان جوانان مترقی پافشاری نمود، اما از کمبودات و اشتباهات آن چشم‌پوشی نمود. او اشتباه سازمان جوانان مترقی را «عدم توجه به ضرورت و نیاز فوری برای تشکیل حزب کمونیست در افغانستان»^۳ ارزیابی کرد.

این سازمان درک درستی از ضرورت تشکیل حزب کمونیست در افغانستان نداشت، زیرا به اهمیت تئوری حزب پیشاهنگ طبقه کارگر به عنوان مهم‌ترین سلاح انقلاب پرولتری پی نبرده بود. تعدادی از گروه‌های چپ در افغانستان تا کنون بر این باور اند که شرایط مادی برای تشکیل حزب کمونیست در افغانستان فراهم نیست. عدم درک اهمیت حزب پیشاهنگ پرولتری در افغانستان به معنی نفی ضرورت مبارزه‌ی کمونیستی و ضرورت انقلاب پرولتری در کشور است و زمینه‌ساز تسلیم‌طلبی طبقاتی و انحلال‌طلبی

ایدئولوژیک-سیاسی می‌گردد. با شناسایی و انتقاد از این درک ناقص، رفیق ضیاء خدمات ارزنده‌ی تئوریک در دفاع از تئوری لنینی حزبیت انجام داد. او زمانی که رهبری هسته کمونیست‌های انقلابی افغانستان را به عهده داشت، بر ضرورت تشکیل حزب به عنوان مهم‌ترین سلاح انقلاب در کنار ارتش خلق و جبهه‌ی متحد ملی تأکید کرد. تشکیل حزب کمونیست (مائوئیستی) افغانستان در کنگره وحدت جنبش کمونیستی (مارکسیستی-لنینیستی-مائوئیستی) در سال ۲۰۰۴ تا حدودی زیاد ثمره مبارزات تئوریک و انتقادات رفیق ضیاء از تجربه و درک جنبش چپ کشور از این موضوع بود.

یکی دیگر از کمبودهای سازمان جوانان مترقی ناکامی آن در راه‌اندازی جریده کمونیستی به عنوان مبلغ و مروج اندیشه و ایدئولوژی کمونیستی بود. با شناسایی این نارسایی، رفیق ضیاء و سازمان زیر رهبری‌اش در جهت اصلاح آن قدم برداشتند. «هسته کمونیست‌های انقلابی افغانستان» نشریه ندای انقلاب و بعداً در زمان

«حزب کمونیست افغانستان»، شعله جاوید را به

عنوان نشرات کمونیستی برای ترویج و تبلیغ تئوری و ایدئولوژی کمونیستی به راه انداخت.

به این ترتیب، جنبش کمونیستی افغانستان از جریده‌های کمونیستی با نام‌ونشان و مواضع

اصولی کمونیستی (مارکسیستی-لنینیستی-مائوئیستی) برخوردار شد. این چنین بود که

شعار معروف «مانیفست کمونیست» جنبه عملی گرفت: «کمونیست‌ها عار دارند که

مقاصد و نظریات خویش را پنهان سازند».^۴ رفیق ضیاء همچنین منتقد «عدم صراحت

کمونیستی در ادبیات، نام و برنامه» سازمان جوانان مترقی بود. سازمان جوانان مترقی با دوری‌جستن از نام «کمونیسم» زمینه‌ساز

فرهنگ سیاسی‌ای شد که در آن سازمان‌های مدعی چپ فعالیت‌های کمونیستی‌شان را زیر نام‌های ملی دموکراتیک پنهان

کرده و می‌کنند. رفیق ضیاء با درک این مسئله، اولین تشکل کمونیستی (مارکسیستی-لنینیستی-مائوئیستی) را در افغانستان به نام

و هیت آشکار کمونیستی ایجاد و رهبری نمود.

اما کمونیسم شعله‌یی‌ها نه تنها وجود دارد، بلکه زمینه‌های مبارزاتی زیادی نیز در اختیار داشته و خواهد داشت [...] این کمونیسم در مبارزه علیه کمونیسم دروغین و رویزنونیم خلقی‌ها و پرچی‌ها و وطن‌فروشی‌های آنها، قربانی‌های بی‌همتای را متحمل شده و حلقه غلامی هیچ قدرت امپریالیستی و ارتجاعی را به‌گردن نینداخته است.

بنیاد تئوریک جنبش نوین کمونیستی افغانستان از یک طرف بر تحلیل‌های تاریخی رفیق ضیاء از تجارب مثبت و منفی سازمان جوانان مترقی و شرکت سازمان‌های چپ کشور در جنگ مقاومت ضد سوسیال امپریالیزم و از طرف دیگر بر «تأثیرپذیری و الهام از مواضع جنبش کمونیستی بین‌المللی» به‌طور مشخص از تجارب انقلاب کبیر فرهنگی پرولتاریایی چین و مبارزات جنبش انقلابی انترناسیونالیستی استوار است.

رفیق ضیاء یک انترناسیونالیست پی‌گیر و جدی پرولتری بود و در کلیه محاسباتش به مسایل انترناسیونالیزم پرولتری اهمیت ویژه می‌داد. او سازمان جوانان مترقی و حزب کمونیست چین تحت

رهبری مائوتسه دون را به‌خاطر عدم توجه به اهمیت انترناسیونالیزم پرولتری مورد انتقاد قرار داد. هسته انقلابی کمونیست‌های افغانستان در اعلامیه مؤسس خود اعلام داشت: «هسته انقلابی کمونیست‌های افغانستان بر اساس انترناسیونالیزم پرولتری، تأمین ارتباط با جنبش کمونیستی بین‌المللی را از وظایف اساسی خود می‌داند و معتقد است که جنبش کمونیستی افغانستان بدون داشتن روابط با جنبش کمونیستی بین‌المللی نه تنها قادر به رفع کامل مسئولیت‌های بین‌المللی خود نمی‌باشد، بلکه همچنان از عهده مسئولیت‌های ملی خود نیز به‌صورت کامل برآمده نمی‌تواند.»^۵

تحت رهبری رفیق ضیاء سازمان انقلابی کمونیست‌های افغانستان عضو جنبش انقلابی انترناسیونالیستی شد و به این ترتیب بر اساس اصول انترناسیونالیزم پرولتری پیوند ارگانیک بین جنبش کمونیستی افغانستان و جنبش کمونیستی بین‌المللی ایجاد گردید. علاوه بر آن، سازمان انقلابی کمونیست‌های افغانستان سومین تشکل مائوئیستی در جهان بود که مائوئیزم را به‌عنوان سومین مرحله تکامل علم و ایدئولوژی انقلاب پرولتری پذیرفت و به‌اهمیت و کاربرد جهانی آن تأکید نمود. تشکیلات تحت رهبری رفیق ضیاء (سازمان انقلابی کمونیست‌های افغانستان، حزب کمونیست افغانستان و حزب

کمونیست (مائوئیست) افغانستان) در مباحث و مبارزات دو خط جنبش بین‌المللی مائوئیستی فعالانه شرکت نمود. زمانی که رویزیونیزم پاراچاندا-باتارای در حزب کمونیست نیپال و رویزیونیزم آواکیانی در حزب کمونیست انقلابی امریکا تبارز نمود و باعث فروپاشی جنبش انقلابی انترناسیونالیستی گردید، رفیق ضیاء پیشگام مبارزه علیه این دو نوع رویزیونیزم در جنبش کمونیستی افغانستان و جنبش کمونیستی بین‌المللی گردید. او با دفاع از اصول و اساسات مارکسیزم-لنینیزم-مائوئیزم در مقابل رویزیونیزم پاراچاندا-باتارای و رویزیونیزم آواکیانی به جنبش کمونیستی بین‌المللی خدمات ارزنده انجام داد.

رفیق ضیاء احیای دوباره جنبش کمونیستی افغانستان را زمانی رهبری کرد که بی‌باوری وسیع و انحلال‌طلبی ایدئولوژیک در بین صفوف چپ افغانستان و در سطح بین‌المللی سایه انداخته بود، زمانی که مرتجعین پس از سقوط سوسیال‌امپریالیزم شوروی در سطح بین‌المللی «مرگ کمونیزم» را جار می‌زدند و متفکرین طبقات حاکمه امپریالیستی پیروزی ابدی لیبرال دموکراسی و «پایان تاریخ» را تیوریزه و تبلیغ می‌کردند. در زمانی که نیروهای ارتجاعی اسلامی در افغانستان به قدرت رسیدند و سقوط رژیم وابسته به سوسیال امپریالیزم را به‌عنوان «مرگ کمونیزم»

تجلیل می‌کردند، رفیق ضیاء و رفقای هم‌رزمش حزب کمونیست افغانستان را تشکیل دادند. نخستین شماره‌ی دور دوم شعله‌جاوید به عنوان ارگان حزب کمونیست افغانستان اعلام کرد: «در شرایطی که سوسیال امپریالیست‌ها، امپریالیست‌ها، رویزیونیست‌ها و مرتجعین رنگارنگ حملات کینه‌توزانه و گسترده‌ای را علیه کمونیزم و پرولتاریای جهانی در سطح وسیع بین‌المللی و منطقه (منجمله در افغانستان) سازمان داده و به‌پیش می‌برند، تدوین این مرامنامه و تأسیس حزب کمونیست افغانستان در کنگره مؤسس آن، یک ضد حمله کمونیستی اصولی، شجاعانه و مناسب به‌شمار

رفیق ضیاء یک انترناسیونالیست پی‌گیر و

جدی بود و در کلیه محاسباتش به مسایل

انترناسیونالیزم پرولتری اهمیت ویژه می‌داد.

او سازمان جوانان مترقی و حزب کمونیست

چین تحت رهبری مائوتسه دون را به‌خاطر

عدم توجه به اهمیت انترناسیونالیزم پرولتری

مورد انتقاد قرار داد.

می‌رود.^۶ همچنان شماره چهارم، دور دوم شعله جاوید، در مقاله‌ای تحت عنوان «کمونیسم زنده است» اعلام نمود:

کمونیسم خلقی‌ها و پرچمی‌ها، یک کمونیسم دروغین و روپوشی برای جنایات، وحشی‌گری‌ها و ماهیت استثمارگرانه و ارتجاعی آنها بود، دیگر نه تنها از بین رفته است، بلکه در آینده هیچ‌گونه زمینه مبارزاتی نمی‌تواند به دست آورد. اما کمونیسم شعله‌پی‌ها نه تنها وجود دارد، بلکه زمینه‌های مبارزاتی زیادی نیز در اختیار داشته و خواهد داشت [...] این کمونیسم در مبارزه علیه کمونیسم دروغین و رویزونیسم خلقی‌ها و پرچمی‌ها و وطن‌فروشی‌های آنها، قربانی‌های بی‌همتای را متحمل شده و حلقه غلامی هیچ قدرت امپریالیستی و ارتجاعی را به‌گردن نینداخته است. این کمونیسم نه تنها وجود دارد، بلکه کیفیتاً قوی‌تر از سابق نیز هست. این کمونیسم دارای ایدئولوژی علمی-انقلابی (مارکسیسم-لنینیسم-مائوئیسم) برنامه اصولی صریح انقلاب دموکراتیک نوین و استراتژی مبارزاتی روشن جنگ خلق است... و از اساسی‌ترین سلاح مبارزاتی یعنی حزب کمونیست را در اختیار دارد.^۷

بعد از تجاوز ائتلاف امپریالیستی به رهبری آمریکا به افغانستان، تسلیم‌طلبی وسیع ملی در بین چپ لیبرال و خرده بورژوازی کشور حاکم شد. این تسلیم‌طلبی دامن بسیاری از نیروهای مدعی چپ باقی‌مانده از جریان شعله جاوید را نیز گرفت. بعضی از این نیروها در کنفرانس بن و در جرگه‌های خائنین ملی و رژیم دست‌نشانده شرکت کردند و احزاب راجستر شده تشکیل دادند. آنان تسلیم‌طلبی ملی‌شان را زیر نام «تضاد مدرنیته و سنت» و «تضاد دموکراسی و فیودالیسم» توجیه تئوریک کردند. حزب ما تحت رهبری رفیق ضیاء، نه تنها علیه این تسلیم‌طلبی طبقاتی و ملی مبارزه نمود، بلکه پوچ بودن پایه‌های تئوریک آن را نیز افشا کرد. حزب ما مبارزه علیه اشغالگران امپریالیست و رژیم دست‌نشانده را به عنوان هدف عمده تعیین نموده، به مبارزه علیه تسلیم‌طلبی و مبارزه علیه رژیم دست‌نشانده و اشغالگران امپریالیستی تاکید کرد. در

نتیجه این مبارزات، بعضی از گروه‌های مدعی چپ در افغانستان تا حدودی از مواضع تسلیم‌طلبانه‌شان فاصله گرفتند.

در زمانی که جنگ و اشغالگری امپریالیستی و جرم‌وجنایت مزدورانش زندگی خلق‌های کشور را به‌دوخت تبدیل کرده است، ما باید از کارنامه رفیق ضیاء بیاموزیم و به مبارزه علیه اشغالگران امپریالیست و مزدوران دست‌نشانده‌اش ادامه دهیم. در زمانی که سرمایه‌داری امپریالیستی باعث جنگ‌های تجاوزکارانه، نابرابری روزافزون طبقاتی و اجتماعی، تقویت و گسترش فاشیسم، افزایش خشونت و تخریب بی‌پیشینه محیط زیست می‌شود، ما باید از رفیق ضیاء، از تعهد او به مبارزه کمونیستی، ایمان و خوش‌بینی او به‌دنیای بهتر بیاموزیم و درفش حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان را به عنوان گردان از جنبش کمونیستی بین‌المللی برافراشته نگه داریم. رفیق ضیاء به‌عنوان یک انقلابی و تئوریسن برجسته کمونیسم در تاریخ کشور ما و تاریخ جنبش کمونیستی بین‌المللی همیشه جاویدان باقی خواهد ماند. امروز ما به پاس خدمات و زحمات رفیق ضیاء، برنامه مدون و استراتژی روشن برای انقلاب و مهم‌ترین ابزار آن یعنی حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان را در اختیار داریم. ما تعهد می‌سپاریم که برای ادامه راه رفیق ضیاء و برای آرمان والای کمونیسم، این مهم‌ترین سلاح انقلاب را صیقل دهیم و برای استحکام و گسترش آن تلاش نماییم. ما برای تجلیل از یاد و خاطره رفیق ضیاء تعهد می‌سپاریم که برای انقلاب افغانستان به‌عنوان بخشی از انقلاب پرولتری جهانی در مسیر تدارک و آغاز جنگ مقاومت ملی-مردمی و انقلابی استوارانه گام برداریم و از هیچ‌گونه قربانی و فداکاری دریغ نماییم.

۱. «بیست‌وهشتمین سالگرد بنیان‌گذاری جنبش کمونیستی-افغانستان» شعله جاوید، شماره ۷، دور دوم، سال ۱۹۹۲.
۲. «جنبش کمونیستی افغانستان» شعله جاوید، شماره ۴، دور چهارم، ۲۰۱۵، صفحه ۸.
۳. شعله جاوید، شماره ۷، دور دوم، سال ۱۹۹۲، صفحه ۵.
۴. کارل مارکس و فریدریک انگلس، «مانیفیست حزب کمونیست»،
۵. قطعنامه جلسه مؤسس هسته انقلابی کمونیست‌های افغانستان، صفحه دوم ۱۳۶۵ سال.
۶. «مرامنامه حزب کمونیست افغانستان» شعله جاوید، شماره ۱، دور دوم، سال ۱۹۹۱، صفحه ۹.
۷. «کمونیسم زنده است» شعله جاوید، شماره ۴، دور دوم، سال ۱۹۹۲، صفحه ۳.

در مورد درگذشت رفیق ضیا

جاشوا موفودپال

ترجمه: شعله جاوید

همان گونه که بسیاری از خوانندگان ما آگاه‌اند، رفیق ضیا از حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان به تازگی درگذشته است. رفیق ضیا نه تنها صدر کمیته مرکزی حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان بود، بلکه در بازسازی و ایجاد جنبش نوین مائوئیستی در افغانستان نیز نقش ارزنده و اساسی داشته، همچنان در شکل‌دهی

جنبش بین‌المللی مائوئیستی نقش برجسته ایفا نموده است. ضیا نه تنها در ایجاد جنبش انقلابی انترناسیونالیستی - که اکنون دیگر وجود ندارد - نقش فعال و پررنگ داشت، بلکه حزب خود را در هماهنگی و تباری با سایر احزاب عضو سابق جنبش انقلابی انترناسیونالیستی، در مبارزه خطی علیه رویزیونیزم حزب کمونیست انقلابی امریکا که منجر به انحلال جنبش انقلابی انترناسیونالیستی گردید، بسیج و رهنمای نمود. در واقع یکی از دو پاسخ عمده علیه «سنتر نوین» حزب کمونیست انقلابی امریکا، توسط رفیق ضیا و دیگری به وسیله «اجیت»^۱ نگاشته شده است. از آن زمان، تلاش‌های حزب کمونیست (مائوئیست)

افغانستان در جهت بازسازی یک تشکیلات بین‌المللی مائوئیستی جدید، قابل ستایش و مثال‌زدنی است، این مسأله از پیام‌های تسلیت احزاب مائوئیست جهان، حتا از پیام‌های احزاب که حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان با آن‌ها مبارزه خطی و ایدئولوژیک داشتند، آشکارا معلوم می‌شود.

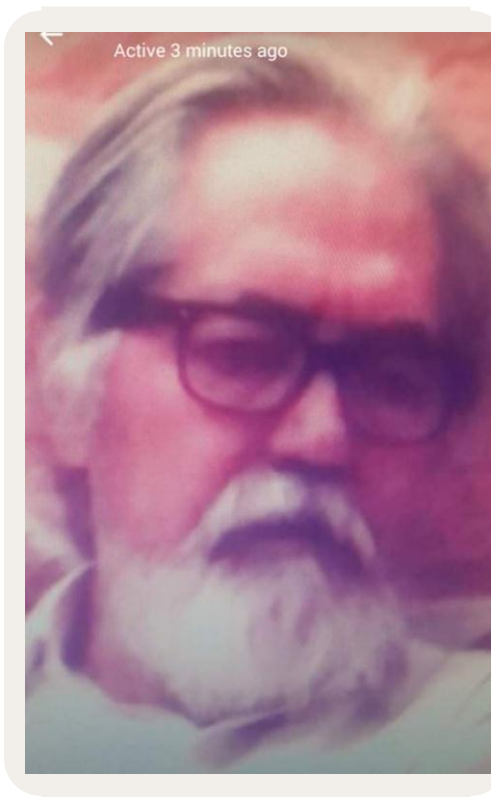
روشن است که من از رفیق ضیا شناخت شخصی نداشتم، چون هرگز به افغانستان سفر نکرده‌ام و به عنوان حامی جنبش مائوئیستی، هیچ دلیلی برای ملاقات با رهبر یک حزب مخفی انقلابی در کشور

اشغال شده‌ی مثل افغانستان نداشتم. اما از حامیان و روابط جنبش کمونیستی بین‌المللی، و دوستان که از افغانستان بازدید نموده‌اند، در مورد حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان می‌دانستم و میزبان برخی مصاحبه‌ها و برنامه‌هاشان بودم. من در مورد شکوفایی جنبش کمونیستی در افغانستان، و افرادی که به آن‌جا سفر نموده‌اند، آموخته‌ام. من توانستم برخی از کارهای نخستین خود را از طریق روابط ما به رفقای آن‌جا بفرستم. کتاب من «تداوم و گسست»^۱ عنوان خود را از نقد حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان بر ستز نوین حزب کمونیست انقلابی

آمریکا گرفته است. در ضمن یکی از نقل و قول‌های مهم نوشته رفیق ضیا به عنوان سرلوحه کتابم آورده‌ام. در حقیقت نوشته ضیا، روی کرد دیالکتیکی چگونگی تکامل در علم مارکسیزم - لنینیزم - مائوئیزم به وضاحت بیان کرده است.

با این حال، ماه‌ها قبل از مرگ رفیق ضیا، برای نوشتن «تقریظ» بر کتاب کوچک من «نقد منطق مائوئیستی»^۲ با «ناشر زبان‌های خارجی [FLP]» مشورت نمودم. از طریق ارتباطات ما که با حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان داشتم،

در تماس شدم. بسیار منطقی است که یک سازمان انقلابی، این گونه کتاب‌ها را بخواند و در مورد آن نقد و بررسی بنویسد؛ فکر نمی‌کردم، پاسخی دریافت نمایم. از آنجایی که هم خودم و هم «ناشر زبان‌های خارجی FLP» قبل از آخرین مهلت - نخستین چاپ کتاب - پاسخی از حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان دریافت نکرده بودیم، کتاب بدون تقریظ چاپ شد. درست پس از چاپ کتاب، شرح مختصر از حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان در مورد کتابم به قلم رفیق ضیا دریافت نمودم. این



تقدیم به رفیق ضیا

حسین دهقان پور

رفیق ضیا در سال ۱۳۳۱ خورشیدی در یک خانواده‌ی کشاورز خرده‌مالک دیده به دنیا گشود. در روستایی که به دنیا آمده بود، سواد آموخت. در مکتب ابتدائیه اول نمره صنفش بود. استعداد درخشانش در دوره متوسطه و لیسه همان‌گونه زبانزد دوستان و آشنایانش باقی ماند. دوران دموکراسی تاجدار او را مانند هزاران جوان دیگر به عرصه مبارزه با نظام فرتوت مالکان و سرمایه‌داری کمپرادور کشانید.

او سیاست را با افکار «سوسیالیزم اسلامی» آغاز کرد، اما به زودی متوجه شد که سوسیالیزم اسلامی برای نابودی ستم و استثمار راه‌حل بنیادی و اصولی ندارد. عمده‌ترین ضریب اقتصادی نابودی تفاوت‌ها و امتیازات میان دارا و نادار مصرف ذکات به وجه درست آن است. یعنی اگر سیاست حاکم یک‌دهم اموال ثروتمندان را در میان فقرا و مستمندان به‌صورت عادلانه تقسیم کند، دنیا گل و گلزار می‌شود. ذهن کنجکاو رفیق ضیا دریافته بود که این تئوری در اصل، به این پرسش پاسخ نمی‌دهد که چرا دارا و نادار در جامعه اصلا وجود داشته باشد که دارا ده درصد دارایی‌اش را به‌عنوان ذکات بدهد؟ اگر چند افرادی چون محمد حنیف نژاد و رضا نیک‌بین و دیگران این مطلب را در لابلای سخنانی که خواننده و شنونده را در خم‌وپیچ منطق صوری سرگردان می‌سازد، فورموله می‌کردند. اما رفیق ضیا برای درک میان‌تهی بودن آن سرگردان نشد. او از خود پرسید: آیا اسلام و ادیان دیگر در جهان مخالف برده‌گی و ستم‌گری بوده و هستند؟ پاسخی را که بدست آورد «نه» بود. هیچ دینی مخالف ستم و استثمار نبوده و نیست و هر دینی در خدمت استثمار و ستمگری بخشی از جامعه از بخشی دیگر بوده و هست. رفیق ضیا، این دسته را رها کرد و به‌صفت ملی‌گرای انقلابی پیوست. اما در آن‌جا نیز چیزی نبود که ذهن پویا و تلاش‌گر او را

نخستین بار بود که به نام رفیق «ضیا» آشنا می‌شدم، شرح مختصر در مورد کتاب من توسط او نگاشته شده بود. آن زمان من نمی‌دانستم او کیست، جز این‌که او یکی از اعضای حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان است. تنها پس از خبر مرگ وی دریافتم که آن شرح مختصر، چقدر معنادار و با مفهوم می‌باشد. چون یکی از رهبران برجسته‌ی جنبش مائوئیستی افغانستان، زمان لازم را برای خواندن آن اختصاص داده، یک شرحی مختصر بر آن نگاشته است. با آن‌که آن نوشته پس از چاپ کتاب بدست ما رسید، اما ناشر موافقت نمود که آن را در وب سایت قرار دهد و در چاپ بعدی آن را اضافه نماید. چاپ دوم کتاب، با مرگ رفیق ضیا همزمان شد و این اهمیت شرح نوشته شده توسط وی را برجسته می‌سازد. من افتخار می‌کنم که او از کار من نقد و ارزیابی داشته است و همچنان برای من شگفت‌آمیز و تحسین‌انگیز بوده است که او در آخرین روزهای زندگی خویش زحمت خواندن کتاب مرا متحمل شده بود، با وجودی که از من شناخت کافی نداشت.

من مفتخرم، که یکی از آخرین سخنان و نوشته‌های رفیق ضیا، به عنوان «تقریظ» در پشت کتاب من آمده است. امیدوارم که از او الگو بگیرم و مانند او زندگی کنم. آرزو داشتم در موقعیتی می‌بودم که با وی تماس مستقیم می‌داشتم. مهمتر از همه، بر مبنای شواهد مختلف، و آنچه من از نقش پررنگ او در جنبش بین‌المللی مائوئیستی اکنون خوانده‌ام و می‌دانم، زندگی وی برایم الهام‌بخش می‌باشد و امیدوارم دیگران نیز از آن الهام بگیرند.

۱۲ جولای ۲۰۲۰

۱. اجیت از رهبران حزب کمونیست (مائوئیست) هند ناگزلباری است.

۲. J. Moufawad-Paul, Continuity and Rupture, Washington, Zero books, ۲۰۱۶.

۳. J. Moufawad-Paul, Critique of Maoist Reason, Paris, FLP, ۲۰۲۰

متقاعد سازد. چرا ستم‌گری ملی اصلا وجود دارد؟ هیچ ناسیونالیستی نمی‌تواند به این سوال پاسخ درست بدهد. آن‌ها در عموم واقعات گذشته را بر می‌شمارند و پرده‌های از استبداد و اجحاف ملیت ستم‌گر را به‌نمایش می‌گذارند. چطور می‌توان ستم‌گری ملی را از بین برد؟ ناسیونالیست‌ها می‌گویند که «حق ما را بدهند!» بسیار خوب حق شما چه هست؟ ملاءهای هزاره می‌گفتند، برابری شیعه و سنی، قضاوت بر مبنای «فقه جعفری» در مناطق اهل تشیع. سید اسمعیل بلخی، اسمعیل مبلغ و ... درفش‌افراز این بخش هزاره‌گرایی بودند. بخش دیگر مدعی پس‌گیری سرزمین‌های غصب شده هزاره‌ها در ارزگان بودند. بخشی هم خواستار آبادی و اعمار هزاره‌جات بودند. اگر به این صورت، تمام خواست‌های ناسیونالیست‌های هزاره را در ردیف هم قرار می‌دادند، به وضاحت معلوم می‌شد که همه آن‌ها در یک رژیم دموکراتیک مردمی حل می‌شود. به این طریق ناسیونالیسم ملیت هزاره پیش‌تر از دموکراسی و برابری همه‌جانبه ملیت‌ها چیزی بیش‌تر نداشت و به تفاوت و امتیازات طبقاتی نمی‌رسید و آن را اصلا فراموش می‌کرد. این ناسیونالیسم در واقع طبقات استثمارگر هزاره را غرض نمی‌گرفت، خان‌ها و فتودال‌های ستم‌گر هزاره را از دیده فرو می‌گذاشت و فقط شلاق خان‌ها و فتودال‌های ملیت پشتون را می‌دید و برابری مرد و زن و رفع ستم مردسالاری را نمی‌شناخت. رفیق ضیا خیلی زود این صف را پشت‌پا زد و به سراغ تئوری علمی‌ای که به سوالاتش پاسخ درست بدهد برآمد.

در سال ۱۳۵۸ از جمله اولین کسانی بود که دست به سلاح برد و علیه «رژیم کودتا» دست به‌جنگ زد. بعد از تسلیم شدن «ساما» به دولت در هرات، پروان و کاپیسا، رفیق ضیا جبهه مبارزه مسلحانه را منحل و با کادرهای سیاسی - نظامی‌اش به پاکستان عقب‌نشینی کرد. «قیوم رهبر» با درک سطح دانش، جدیت و صداقت رفیق ضیا، او را به اروپا فرستاد، زیرا در موجودیت او «ساما» در افغانستان مرکزی به هیچ صورتی نمی‌توانست جای‌پایی داشته باشد. بهتر

آن‌است که او را به اروپا بفرستد و از فرصت استفاده کرده عناصر بی‌صلاحیت و بی‌دانش «غرجستان» را به کمیته مرکزی راه داده، بقای ساما را در غرجستان تضمین کند. از جانب دیگر، منتقد بزرگ تسلیم‌طلبی ساما را به «دنبال نخود سیاه» دور از کشور بفرستد.

در همین راستا قبلا قیوم رهبر، در راس هیأت که شامل زنده یاد محمد هاشم زمانی، دکتور محمدرسول رحیم و عده زیادی از رهبران ساما بودند، به کشورهای فرانسه، آلمان، هلند و سویدن رفته بود. این سفر زمانی بود که ساما با کا.جی. بی. معاهده امضا نکرده بودند و در زنجیرهای پسته‌های دولتی در امتداد شاهراه‌ها از خیرخانه تا کاپیسا پهره (نگهبانی) نمی‌دادند. او اکنون رفیق ضیا را می‌فرستاد «تا آبروی از دست رفته» را مجددا بدست آورد. از طرف دیگر با فرستادن رفیق ضیا به اروپا احتمال داشت، او دوباره به سرزمین خون و آتش برنگردد و یخن تسلیم شده‌های سامایی مانند حکیم پیکار، سخی، سردار، ذکریا و ... سرانجام خود قیوم رهبر از دست او رها شود.

رفیق ضیا به اروپا رفت و به‌حیث یک انقلابی‌جسور با رهبران جنبش انقلابی و کمونیستی اروپایی که مخالف تجاوز شوروی در افغانستان بودند، ملاقات نمود. از طرف دیگر ضیا با کمونیست‌های امریکای لاتین، ترکیه و ایران نیز آشنا گردید و به بحث و گفتگو پرداخت. بحث و گفتگوهای او با کمونیست‌های این کشورها ذهن او را بطور بنیادی در مورد ساما، گروه انقلابی و کل جنبش چپ افغانستان تغییر داد. حال او به درستی می‌دید که جنبش کمونیستی افغانستان و «سازمان جوانان مترقی» تحت رهبری رفیق «اکرم یاری» در گذشته کجا بوده است و حالا چگونه و در چه چاله‌های از انحرافات بورژوازی سقوط نموده است.

رفیق ضیا که در طول زندگی‌اش با شجاعت و درایت اعتقاداتش را به مبارزه و پرسش فراخوانده و نقص کمی و کیفی آن‌ها را غربال کرده بود، اکنون مشاهده می‌کرد که تسلیم‌طلبی ساما برخلاف ادعای

قیوم رهبر یک «امراجتتاب ناپذیر طبیعی» نیست، بلکه در ایدئولوژی حاکم بر آن، ریشه دارد. تسلیم شده گان را بدلیل خیانت به وطن و هم کاری با اشغال گران و اهانت به آزادی خواهی و آرمان شهدای ساما مجازات باید کرد، ولی بقیه را نجات باید داد. با همین افکار به افغانستان برگشت. برخی از رهبران ساما که از غرjestان می آمدند و زمستان گذشته به حیث عضو کمیته مرکزی ساما انتخاب شده بودند با تمسخر زمزمه می کردند: «عجب آدمی است ضیا، اروپا رفته و چهار ماه در آن جا زندگی کرده و داوطلبانه برگشته!» رفیق ضیا در برگشتش از اروپا، آتش مبارزه علیه تسلیم طلبی را که به واسطه کمیته مرکزی جدید ساما خاموش شده بود، مجددا روشن ساخت. رهبر، مدعی بود که «دشمن برای همیشه برتری هوایی اش را حفظ می کند»، لذا با مبارزه مسلحانه نمی توان افغانستان را آزاد ساخت. او هم چنان ادعا می کرد که «در جنگ نابرابر تسلیم شدن و بار دیگر به مبارزه دست زدن امر طبیعی است.» «حفظ برتری هوایی» به معنی برتری دادن اسلحه بر انسان بود که از بطن و متن ماتریالیزم میکانیکی منشا می گرفت و نشان از ضعف و عدم درک درست از مارکسیزم-لنینیسم-مائوئیسم است. تز دیگر رهبر به این معنی بود که «وقتی زور آمد آدم تسلیم می شود و زور که برطرف شد دوباره مبارزه می کند»، بیش تر قانون بازی کودکان بود نه منطقی دیالکتیک. دیالکتیک بر این قانون استوار است که «فانح» بعد از آن که طرف مقابل را به زانو در آورد حداقل کاری را که می کند این است که به او اجازه دوباره برخاستن و مبارزه کردن را نمی دهد. این فهم قیوم رهبر از دیالکتیک بود؛ نقص این فهم از دیالکتیک زمانی اشکار می گردد که روال بازی کودکان به جای قانون «مبارزه اضداد» بنشیند.

هنوز آوازه تسلیم شدن ساما به سوسیال امپریالیزم شوروی در فضا بود که رهبر یک دسته دیگر از رهبران ساما را به «پکینگ» نزد خاقان های جدید چینی فرستاد. اکنون معلوم می شد که رهبر به طریقی می تواند مقامات آی. اس. آی. پاکستان را راضی سازد تا

به یک جمع چند نفری پناهنده «ویزای سیاسی» و سفر به چین یا هر جای دیگری را که خواسته باشد، بدهد. برای پناهنده ای که در پاکستان به مشکل می توانست یک کارت شناسایی بدست آورد، تهیه پاسپورت، گرفتن ویزای چین و سپس ویزای دخولی به پاکستان و سرانجام در پاکستان زندگی کردن کار آسانی نبود. اگر چند آی. اس. آی. نیز تضادهایی را در درونش حمل می کرد. در این زمان تضاد حاکم جناح جنرال حمیدگل بود که حتی با «تاجک ها» مخالف بود چه رسد به این که تاجک اخوانی هم نباشد. رفیق ضیا با تجاربی که داشت می دانست که این کار بی نهایت پیچیده و بغرنج باید به دستور وزارت خارجه چین و تأیید وزارت خارجه پاکستان و مرور کامل افراد انجام شده باشد. در اواخر تابستان سال ۱۳۶۴ رفیق ضیا با درک این که امکان نجات دادن اعضای سالم و میهن پرست ساما، از منجلاب تسلیم طلبی، دیگر خیلی ضعیف می باشد؛ مبارزه ایدئولوژیک در داخل ساما را کاملاً قطع کرد.

در ماه حمل سال ۱۳۶۵ رفیق ضیا «هسته انقلابی کمونیست های افغانستان» را تاسیس کرد. بعد از فروپاشی «سازمان جوانان مترقی» و شدت گرفتن مرضی رفیق اکرم یاری، برای اولین بار پرولتاریا یک «گردان کوچک پیشآهنگش» را در افغانستان بدست می آورد. این بزرگ ترین افتخار مبارزات خلق افغانستان به حساب می رفت. آتشی که سال ها در زیر خاکستر ناسیونالیزم، سنتریسم و رویزیونیسم فرورفته بود اکنون ققنوس وار از تنور سوزان مبارزه شعله ور می گشت. در اعلامیه هسته چنین می خوانیم: «تسلط رویزیونیسم بر «ساما» گاهی این سازمان را به دامن سوسیال امپریالیزم شوروی انداخت و زمانی به رویزیونیست های چینی تسلیمش کرد. مبارزات ایدئولوژیک سیاسی و تشکیلاتی عناصر و گروپ های کمونیست در «ساما» از آن رو نتوانست از بروز این فاجعه ها جلوگیری نماید که این مبارزات دارای عمق کافی و قاطعیت لازم کمونیستی نبوده است.» بعد از فروپاشی سازمان جوانان مترقی، برای اولین بار بود

که بر مبارزه قاطع کمونیستی علیه انحرافات بورژوازی تاکید می‌شد و نبود آن را در تاریخ مبارزات پرولتری در این سرزمین به نقد می‌گرفت. اکنون روزنه امید برای تمام کمونیست‌های پراکنده و افراد میهن‌پرست، دموکرات و مترقی باز شده بود. به‌همین لحاظ «هسته» به سرعت رشد می‌کرد. جنبش انقلابی بین‌المللی که در سال ۱۳۶۳ تاسیس شده بود اکنون تنها «هسته» را به عنوان یگانه تشکل قابل قبول برای عضویت در این جنبش می‌شناخت. ارتباط هسته با جنبش بین‌المللی، کیفیت‌اش را به سرعت ارتقا داده و تا حد یک حزب پرولتری بالا برد.

تحت رهبری رفیق ضیا در سال ۱۳۷۱ «حزب کمونیست افغانستان» تاسیس گردید. حزب کمونیست افغانستان به سرعت انکشاف یافت و برای اولین بار در تاریخ کمونیستی کشور، زنان و به‌ویژه دختران جوان به تعداد زیادی در جنبش، برای رهایی زنان از ستم مردسالاری متشکل گردیده و تحت قیمومیت این حزب به فعالیت دست زدند. شوروشوق انقلابی بخشی عظیمی از جوانان را در بر گرفت. خروش امواج جنبش انقلابی و به‌خصوص در افغانستان مرکزی عده‌ای از اعضای حزب را که از این منطقه می‌آمدند به هیجان درآورد. آن‌ها که هیچ زمانی یک چنین شور و شوق را در جوانان این منطقه ندیده بودند، در سال ۱۳۷۸ به رفیق ضیا مراجعه نموده، از او خواستند که جنگ خلق را آغاز کند. چنین درخواستی نه مسئولانه بود و نه می‌توانست بر شالوده منطقی علمی استوار باشد. روشن بود که رفیق ضیا می‌دانست جنگ چیست و مقتضی چه ضرورت‌های عاجل است و استراتژی جنگی مستلزم چه نیازهای تدارکاتی، لوجستیکی و سرانجام استراتژیک می‌باشد، به آن‌ها پاسخ نه و مطلقاً نه داد. رفیق ضیا می‌دانست که جوانان احساساتی می‌خواهند از احساسات ضد طالبان توده‌ها سود ببرند و نمی‌دانند که جنگ خلق محصول رشد تضادهای خلق و ضدخلق و تابع شرایط عینی و ذهنی می‌باشد. بگذار هزاران هزار نفر ضد طالب باشند، اما ما آن ضد طالب بودن را می‌خواهیم که از منافع کشور

به‌دفاع برخیزد و اولین شرط آن ضد امپریالیزم و ضد ارتجاع بودن است. این دسته از حزب جدا و بعد از اشغال افغانستان به واسطه امپریالیست‌ها به سرکردگی امپریالیزم امریکا، به دولت پوشالی تسلیم شدند و برخی به وزارت و ریاست رسیدند و برخی دیگر به اروپا و امریکا پناه بردند. جدا شدن این دسته نشان داد که جنبش کمونیستی افغانستان دیگر مرحله طفولیتش را پشت سر گذرانیده و به سوی پختگی در حرکت است. از جانب دیگر عده‌ای از این افراد با اخلاق ضد انقلابی‌شان، مانع ورود عده زیادی از جوانان علاقه‌مند به حزب بودند. با رفتن آن‌ها از حزب کمونیست افغانستان، همه آن‌هایی که تا آن‌روز از حزب دور نگهداشته شده بودند، به جمع هواداران حزب پیوستند.

بعد از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ و تجاوز امپریالیست‌های امریکایی و انگلیسی بر افغانستان، حزب کمونیست افغانستان، تحت رهبری رفیق ضیا در صدد متحد ساختن تمام نیروهای قابل اتحاد در تمام سطوح برآمد. برخی از نیروهای انقلابی به این فراخوان پاسخ مثبت دادند که در نتیجه بعد از کنگره وحدت، حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان به وجود آمد.

رفیق ضیا بزرگترین مارکسیست-لنینیست-مائوئیست افغانستان است که از مارکسیزم-لنینیسم-مائوئیسم در مقابل حملات اپورتونیست‌ها، رویونیست‌ها، انارشویست‌ها، شبه‌تروتسکیست‌ها و سنتریست‌ها قاطعانه دفاع کرده است. او یکی از مهمترین تئورسین‌های معاصر سوسیالیزم علمی به شمار می‌رود. او بود که در مبارزه با سنتزهای رویونیستی باب آواکیان قانون «گسست و تداوم» را در ماتریالیزم دیالکتیک شرح داد و مدلل ساخت که باب آواکیان در انحراف قرار دارد. (ما در یک سند تئوریک به صورت علیحده این موضوع را به تفصیل بحث می‌کنیم). رفیق ضیا در عرصه جهانی نیز با جدیت و به صورت خستگی‌ناپذیر علیه انحرافات ایدئولوژیک و سیاسی، انواع اپورتونیسم، رویونیسم و شبه‌تروتسکیزم مبارزه کرده است. در سال‌های اخیر، موضع‌گیری

زندگی نامه مختصر**رفیق ضیا****بنیان گذار و صدر حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان****بخش اول**

شجاع

مقدمه

گفته‌ی معروف مارکس است که همه‌ی ادوار جامعه طبقاتی، یک حقیقت را با هم مشترک دارند و آن بهره‌کشی بخشی از جامعه از بخشی دیگر آن است. افرادی که این حقیقت را درک می‌کنند کم‌اند و آنان که رویای محو بهره‌کشی برخی از جامعه را از برخی دیگر جامعه در سر می‌پروراند کمتر از آنند. اما افرادی که برای محو استثمار و ستم کمره‌مت می‌بندند و مبارزه می‌کنند بسیار اندک‌اند؛ زیرا چنین کاری در گام نخست، شجاعت در تغییر خود و جرئت در تغییر جهان را مطالبه می‌کند. رفیق ضیا رهبر این دسته اخیر بود.

در این زندگی‌نامه، شما با انسانی آشنا می‌شوید که با عشق تمام شب‌وروز، نه فقط علیه استثمار و ستم امپریالیستی و ارتجاعی مبارزه می‌کرد، بلکه همانند هر اندیشمند شجاع، همیشه در تلاش بود، اندیشه‌هایش را با معیارهای علمی سازگاری دهد. در این جا شما متفکر پویا و کاوش‌گری را می‌بینید که از متن و بطن مذهب و ایدئولوژی تاریک ارتجاع بیرون می‌آید. شما در این زندگی‌نامه حرکت پویا و بالنده و مسیر تکامل‌اش را مشاهده می‌کنید. و می‌بینید که چگونه ذهن یک انسان در حالی که از نظر فیزیکی انکشاف می‌یابد از نظر عقلانی و شناخت از دانی به عالی تکامل می‌یابد.

رفیق ضیا، عشق به رهایی انسان و کینه و نفرت عمیق از نظام طبقاتی را به دل داشت. او از فراز و فرودهای متعدد فکری گذشت تا به مارکسیزم-لنینیسم-مائوئیسم رسید. او خط رفیق «اکرم یاری» را احیا نمود، تکامل داد و تا ساختن حزب پیشاهنگ پرولتاریا ارتقاء بخشید. او در این راه اتهامات بی‌اساس، حملات دروغین و شایعات بی‌بنیاد اپورتونیست‌ها را به جان خرید.

رفیق ضیا با مبارزه علیه انواع اپورتونیسم، تسلیم‌طلبی در افغانستان، سرانجام خط روشن انقلابی را ترسیم نمود. او هم زمان با مبارزه علیه اپورتونیسم و تسلیم‌طلبی در داخل کشور صحنه بین‌المللی

او موضع‌گیری جنبش کمونیستی جهانی بود. او بود که برای اولین بار علیه رویونیسم باب آواکیان موضع گرفت. او بود که موضع‌گیری علیه باب آواکیان را مساوی به موضع‌گیری علیه تینگ سیائوپینگ، خروش و امثالهم دانسته و آن را بخش انصراف ناپذیر اساس‌نامه حزب ساخت.

حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان که امروز نماینده طبقه کارگر در افغانستان می‌باشد، محصول کار و پیکار طولانی، صادقانه، جدی و پویا گرایانه رفیق ضیا می‌باشد. بعد از رفیق اکرم یاری هیچ‌کسی در تاریخ مبارزات پرولتاریا در این سرزمین برابر رفیق ضیا در راه رهایی توده‌های تحت ستم کشور و اعتلای درفش سرخ پرولتاریایی زحمت نکشیده است. با آن که از سال‌های ۱۳۸۵ به بعد بینایی یک چشم‌اش را از دست داده بود و در اوایل سال ۲۰۰۰ به دلیل مرض *Sickness of Beast* فقط ۳۰٪ بینایی داشت، بیش‌تر از ساعت روز را مصروف کار بود. او درشتی الفبای کمپیوتر را چند برابر می‌ساخت و دو عینک بالای هم به چشم می‌زد تا بتواند بخواند و بنویسد. او با آن هم می‌نوشت، تحقیق می‌کرد و رفقا را در فراگرفتن مارکسیزم-لنینیسم-مائوئیسم کمک می‌نمود.

رفیق ضیا با آن که امروز در بین ما نیست ولی در دل تاریخ مبارزات طبقاتی پرولتاریا زنده و جاوید می‌باشد. بدون شک رفیق ضیا قله بلندی است، بر وادی مبارزات پهناور خلق. برماست که میراث گران‌بهای ایدئولوژیک-سیاسی رهبران مان را انکشاف بدهیم و در راهی که آن‌ها رفتند، با جرئت گام برداریم. ما به رهبران بزرگ جنبش کمونیستی افغانستان، رفیق اکرم یاری و رفیق ضیا که کشتی انقلاب پرولتاریایی را بربال امواج تاریخ این سرزمین قرار دادند، افتخار می‌کنیم.

۲ جنوری ۲۰۲۱

مبارزه را نیز نادیده نگرفت. او انحرافات تیوریک « سنتز نوین» باب آواکیان را افشاء نمود.

دوران کودکی و گام‌های نخست مبارزه

«ضیا» نام مستعاری بنیان‌گذار و رهبر فقید حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان است. رفقای حزبی او را «رفیق ضیا» خطاب می‌کردند. او در سال ۱۳۳۱ ه.ش. در یک خانواده‌ی دهقان میانه‌حال دیده به جهان گشود. پدرش با کار روی زمین خود و به اجاره گرفتن زمین دیگران روزگارش را می‌گذراند. در ولسوالی‌ای که

رفیق ضیا دوران طفولیتش را می‌گذرانید، در سال ۱۳۳۴ مکتب ابتدائیه تاسیس شد. در شروع هر سال سر معلم مکتب همراه با چند معلم و پولیس قریه به قریه می‌گشتند و اطفالی را که واجد شرایط مکتب بودند، نام نویسی می‌کردند. این کار، بر علاوه برای آن‌ها عاید و سودی نیز به همراه داشت. دهقانان به پسران‌شان نیاز داشتند و از آن‌ها در کار بر مزرعه، نگهداری حیوانات و انتقال علوفه و... کار می‌گرفتند. از طرف دیگر زمینداران و روحانیون در هر روستا از باسواد شدن اطفال

هراس داشتند. آن‌ها شایعه و تبلیغات می‌کردند که «مکتب سرکاری بچه‌ها را کافر می‌سازد». معذالک، فرستادن یک طفل هفت-هشت ساله به مکتب نه تنها به معنی محروم شدن از «دو دست اضافی» نیروی کار در مزرعه و خانواده بود، بلکه احتمال کافر شدن او نیز وجود داشت. ملاها می‌گفتند: «هفت نسل پسری که کافر شود در آتش جهنم می‌سوزد». اگر دهقانی هم می‌توانست که از کار و کمک پسرش صرف‌نظر کند، اما به هیچ‌صورتی تحمل شکنجه روانی سوختن هفت نسل اجدادش را در آتش جهنم نداشت. به این ترتیب آن‌ها هر قدر از پول نقد، کمپل، شال‌برک،

روغن زرد و هر چیز دیگری که سر معلم و پولیس خوش‌شان می‌آمد، به آن‌ها می‌دادند تا از ورود پسران‌شان به مکتب ممانعت کنند. سال ۱۳۳۸، پدر رفیق ضیا او را داوطلبانه به مکتب شامل می‌کند. ضیا، باشوق به مکتب می‌رود و استعداد خوب در یادگیری درس‌های مکتب از خود نشان می‌داد. بر علاوه نزد آخند مسجد دستور زبان عربی را فرا می‌گیرد. ملای که در مسجد قریه، به ضیا آموزش می‌داد، ملایان دیگر، روش کار و طرز فکرش را «ضاله» می‌خواندند و از او خوش‌شان نمی‌آمد. او علاوه بر دستور زبان فارسی و عربی، قواعد اربعه، حساب و هندسه را نیز به شاگردانش آموزش می‌داد.

در سال ۱۳۴۳ خورشیدی، ضیا صنف ششم را با موفقیت به پایان می‌رساند. در آن زمان متعلمین که به درجه اول، دوم و سوم از مکتب فارغ می‌شدند، فرصت و حق شمولیت در مکاتب پایتخت (کابل) را به دست می‌آوردند. ادامه درس، از صنف شش به بعد اجباری نبود و هزینه درس خواندن در کابل به عهده خانواده‌های متعلمین بود. به این دلیل اکثر فارغان صنف ششم قادر نبودند درس‌های شان را ادامه دهند. پدر رفیق ضیا اما، برای ادامه تحصیل پسرش

« ما آغازگر جنگ نیستیم ولی اگر ارتجاع اسلامی جنگ را بر ما تحمیل کنند، ما حق داریم از خود دفاع کنیم. هدف ما جنگیدن علیه قوای اشغال‌گر است زیرا قوای اشغالگر دشمن عمده ماست، اما باندهای ارتجاعی و ملاکین مانع جنگیدن ما با آن‌ها می‌شوند. رفقا! از این که درگیر جنگ با ارتجاع شده‌ایم نباید ناراحت باشیم و خود را ملامت کنیم. بدون برخورد و مقابله با ارتجاع آزادی میسر نخواهد شد. ما با آن که می‌دانیم باید با دشمن عمده جنگید و از جنگ با دشمن غیر عمده خودداری کرد ولی باندهای ارتجاعی و ملاکین نمی‌توانند وجود ما را تحمل کنند. آن‌ها ناچار ما را به جنگی کشانیده‌اند که در حال کنونی خواهان آن نیستیم.»

زمینش را به گرو می‌گذارد. در سفر کابل، ضیا و پدرش را ملای مسجد نیز همراهی می‌کند. ملا به کابل می‌رود تا شاگرد محبوب‌اش را با دوستان خود معرفی کند. ضیا وارد صنف هفتم لیسه ... می‌شود. او ضمن درس‌های مکتب، کتاب‌های فلسفی و منطق را نیز فرا می‌گیرد. او بعدها با یک تعداد از جوانان «حلقه مطالعاتی» ایجاد می‌نمایند و آثار دکتور علی شریعتی، مرتضی مطهری و سید عالم کابلی را مطالعه می‌نمایند. ضیا در سال‌های اول دهه چهل زمانی که نیروها و جریانات سیاسی با گرایش مختلف (جریان دموکراتیک نوین، حزب دموکراتیک خلق و اخوان

المسلمین) در صحنه سیاسی کشور فعالیت داشتند، گرایش و خوش بینی نسبت به جریان دموکراتیک نوین (شعله جاوید) و بعضی از شخصیت‌های این جریان پیدا نموده، در تظاهرات و راه‌پیمایی‌های جریان شعله جاوید شرکت می‌کند. اما در جریان یکی از تظاهرات در «پل باغ عمومی» در اثر برخورد نادرست یک شعله‌ی، از این جریان فاصله می‌گیرد. در اوایل دهه پنجاه او و زنده یاد «قاضی ضیا» با تعداد از جوانانی که از افکار علی شریعتی متأثر بودند، محفلی را تشکیل می‌دهند. این محفل بعد از مطالعات و گفتگوها به این نتیجه می‌رسند که دوآلیم (سوسیالیسم اسلامی) بسوی انقلاب و تغییر بنیادی جامعه نمی‌رود. گفته می‌شد اسلام مخالف نظام طبقاتی است، اگر زکات و وجوهات شرعی به صورت درست پرداخته شود تفاوت و امتیازات طبقاتی مرفوع می‌گردد؛ یعنی نقص و مشکل در دیدگاه فلسفه و اصول اسلام نیست، بلکه در عمل مسلمانان است. اما واقعیت این است که اسلام یک ایدئولوژی نظام فئودالی- قبیله‌ای است. از طرف دیگر اسلام توجیه کننده برده‌داری نیز در تاریخ بشر بوده است.

رفیق ضیا و یارانش مانند قاضی ضیا، این بحث‌ها را مطرح کردند و تحقیقات بیشتر نمودند: زکات دادن، خود تایید کننده نظام طبقاتی است. اگر تمام شرکت‌های بزرگ جهانی زکات مالیاتی خود را تصفیه نمایند و آن را به اصطلاح به مستمندان و فقرا بدهند باز هم توده‌ها زیر یوغ سرمایه باقی خواهد ماند و کماکان استثمار خواهند شد. آن‌ها به این نتیجه می‌رسند که باید سیستم و مناسبات اجتماعی‌ای را جستجو کرد که در آن توده‌ها تحت ستم و استثمار نباشند. به همین لحاظ راه و افکار مختلفی را مطالعه کردند و بعد از مطالعه آثار مارکس و انگلس به مارکسیسم گرویدند. با رو آوردن ضیا و قاضی ضیا و تعداد از دوستان دیگرشان به مارکسیسم، محفل دچار انشعاب می‌گردد. آن‌ها محفل جدید را تشکیل دادند. اما این محفل جدید نیز دچار مشکلات بود، محفل از بینش تنگ‌نظرانه ناسیونالیستی رنج می‌برد. به همین دلیل این محفل نه تنها گسترش نیافت، بلکه یک تعداد از این جمع خود را کنار کشیدند. عدم گسترش این جمع رفیق ضیا و قاضی ضیا را مجبور به بازنگری در طرز دیدگاه‌شان نمودند و بالاخره این بازنگری زمینه خروج آن‌ها را از لاک تنگ ناسیونالیسم فراهم نمود.

در اواخر سال ۱۳۵۵ خورشیدی ضیا تحت تعقیب استخبارات داودخان قرار می‌گیرد و مدتی را به شکل مخفی در کابل زندگی می‌کند. بالاخره به اساس مشوره و فیصله رفقاییش کشور را ترک می‌کند، اما در مرز توسط پولیس دستگیر می‌شود. شش ماه هیچ اطلاعی از او در دست نبود تا این که سرانجام خانواده‌اش توسط یک زندانی هم‌بند او که از زندان رها می‌گردد از وضعیت ضیا اطلاع حاصل می‌کند. قاضی ضیا، اطمینان می‌دهد که از نگاه قانونی برای خانواده‌اش مشکلی پیش نخواهد آمد. بعد از سپری شدن شش ماه، پدرش در زندان از او احوال می‌گیرد. در این مدت هیچ کسی از او احوال نگرفته بود و هیچ کمک مالی بیرون از زندان برایش نرسیده بود. اما ضیا در میان زندانیان از محبوبیت خاص برخوردار بود. او به زندانیان خواندن و نوشتن یاد می‌داد و برای آن‌ها عریضه می‌نوشت، مشوره می‌داد و به مشکلات آن‌ها رسیدگی می‌کرد. در مقابل زندانیان رفیق ضیا را کمک مالی می‌نمودند. زمانی که او در زندان بود، قاضی ضیا با زنده یاد «داود سرمد» آشنا می‌شود و از طریق او این محفل با محفل زنده یاد مجید کلکانی پیوند می‌یابد و در تشکیل و تأسیس «ساما» سهم می‌گیرند.

در ماه میزان سال ۱۳۵۷ عبدالمجید کلکانی در امتداد خط کودتا- قیام با میاگل جان تگابی تماس می‌گیرد. میاگل یک روحانی با نفوذ اما فرد بدون تشکیلات و به همان اندازه فاقد انضباط و روحیه پنهان کاری بود. مجید کلکانی بعد از کودتای «هفت ثور» با حفیظ الله امین و دستگیر پنجشیری تماس می‌گیرد، اما بعدها دوباره مخفی می‌شود. از جانب دیگر از ماه سرطان سال ۱۳۵۷ تضاد بین «خلق» و «پرچم» اوج می‌گیرد. در ماه سنبله ۱۳۵۷ «رژیم کودتا» نمایشی را ترتیب دادند که ادعا می‌شد پرچمی‌ها قصد کودتا داشتند. سه نفر (جنرال عبدالقادر کودتاچی معروف، شاپور و میرعلی اکبر) و همراه با آن‌ها صدها تن دیگر را به جرم برنامه‌ریزی کودتا دستگیر و زندانی ساختند. تماس مجید کلکانی با عناصر اخوانی مانند میاگل تگابی برای رژیم این توهم را تقویت کرد که شعله‌ای‌ها و اخوانی‌ها در همکاری با پرچمی‌ها در صدد برانداختن دولت هستند. رژیم مزدور «خلق» دست به تهاجم گسترده زدند و در ماه جدی سال ۱۳۵۷ با ارسال نیروی زرهی «اکرم یاری» همراه با معلم محمدعلی و معلم علی دریاب از ولسوالی جاغوری به کابل

انتقال داده، در همانجا بدون محاکمه به قتل می‌رسانند. هم‌زمان دکتر صادق یاری استاد سابق فیزیولوژی دانشکده طب کابل را که در ولایت هلمند زندگی می‌کرد، از خانه‌اش ربوده با هلیکوپتر به کابل انتقال می‌دهند. رژیم کودتا کارزار وحشیانه «پیدا و نابودکن» را به راه می‌اندازد. کمونیست‌ها و عناصر دموکرات-انقلابی به جرم داشتن اعتقاد سیاسی‌شان از خانه‌های‌شان ربوده می‌شدند و در پولیگون‌ها قتل عام می‌گردید. رفیق ضیا از این طوفان ویرانگر و کشنده زنده بیرون شد.

ضیا، بعد از دو سال و چند ماه از زندان رها شد، و در اخیر سال ۱۳۵۷ به عنوان یک سامایی به قصد برپایی قیام مسلحانه به زادگاهش برمی‌گردد. در ماه دلو ۱۳۵۷ مردم دره‌صوف دست به شورش زدند که به زودی سرکوب گردید. عده‌ای از آن‌ها فرار نموده، به ایران پناه بردند. «جمهوری اسلامی» که با موج سواری از قیام‌های توده‌ای و با استفاده از نبود خط واحد و اصولی کمونیستی و عدم وحدت انقلابیون در ایران بر سر قدرت آمده بود، یک ضربه بزرگ به انقلاب و «پشت جبهه‌ی» برای ارتجاع مذهبی در افغانستان و منطقه ایجاد نمود. در اوایل ماه حوت سال ۱۳۵۷ شورش در هزاره‌جات آغاز شد. ولسوالی‌های هزاره‌جات از شمال تا جنوب در مدت کوتاهی بدست مردم افتادند. مثل معروفی است که می‌گویند «گرگ از خدا چه می‌خواهد؟ برف و باران». این اوضاع شرایط مساعد برای شورش و جنگ مسلحانه بود. رفیق ضیا اکنون در راه استحکام جبهات مقاومت شب و روز تلاش می‌کرد. یکی از انقلابیون که در جبهات جنگ همراه با او بود، در یادداشت‌هایش می‌نویسد: «در مدت چند روز نیروهای رژیم کودتا توسط نیروهای مردمی، در چهار دیواری ولسوالی محصور گردیده، کنترل منطقه تحت اداره نیروهای مردمی درآمده بود. ملاها و متنفذین فراری به منطقه باز می‌گردند. به خاطر اداره و تنظیم منطقه کمیته‌ای را تشکیل می‌دهند. یکی از ملاهای با نفوذ در راس این کمیته تعیین می‌شود. بعد از چندی قوای بزرگی از رژیم کودتا به شمول پیاده نظام، قوای زرهی و قوای هوایی بالای منطقه حمله می‌نمایند. بعد از درگیری مختصر، اعضای کمیته خود را از صحنه جنگ بیرون می‌کنند. قریه در تصرف قوای رژیم درمی‌آید، مهر و مکتوب‌های کمیته به دست نیروهای رژیم می‌افتد. بعد از تلاشی خانه رفیق ضیا برنامه ساما، اعلام مواضع و

اعلامیه جبهه متحد ملی را پیدا می‌کنند. قومندان نیروی رژیم دست‌نشانده یک تعداد از اهالی قریه را جمع نموده، اسناد ساما را به مردم نشان می‌دهد و می‌گوید که این‌های را که شما به نام مجاهدین و جهاد حمایت و پشتیبانی می‌کنید، مائوئیست‌ها هستند. آن‌ها تمام اموال خانه را تاراج می‌کنند و خانه‌ها را منفجر می‌نمایند.»

ضیا و چریک‌های تحت رهبری‌اش سلاح و مهمات خیلی محدود در اختیار داشتند. آن‌ها با سازمان‌دهی حملات شبانه بر پوسته‌های دشمن و مرکز ولسوالی زندگی را بر خلقی‌ها و پرچمی‌ها تنگ کرده بودند.

در بهار سال ۱۳۵۸ غند «حسین کوت» در شمالی بدست ساما و متحدانش می‌افتد. رفیق ضیا مخفیانه عازم کابل می‌شود و از آن‌جا به شمالی می‌رود تا سلاح و مهمات مورد نیاز را تهیه کند. جریان این سفر را یکی از رفقای که در آن سفر در کنار رفیق ضیا بود، چنین شرح می‌دهد: «ما از مسیری که اسلحه و تجهیزات نظامی را از کوه‌دامن به هزاره‌جات انتقال می‌دادیم در دام «حزب اسلامی» گلبندین حکمتیار افتادیم و اسیر شدیم. بعلاوه اسلحه و تجهیزات نظامی که بدست حزب اسلامی افتاد، یکی از رفقا آثار منتخب «مائوتسه دون» و «لنین» را نیز به همراه داشت. این کتاب‌ها سند بر کمونیست بودن ما بود که به دست یک حزب اسلام‌گرا اسیر شده بودیم. رفیق که این کتاب‌ها را با خود داشت گفت، مسئولیت کتاب‌ها را من به عهده می‌گیرم و دیگران باید اظهار بی‌اطلاعی کنند. ولی رفیق ضیا گفت: من مسئول گروپ هستم، این مسئولیت را خودم می‌گیرم. فیصله بر این شد مسئولیت کتاب‌ها را رفیق ضیا بر عهده گیرد. در جریان پرس‌وجوی ما از وجود کتاب‌ها اظهار بی‌اطلاعی کردیم و رفیق ضیا مسئولیت این کتاب‌ها به عهده گرفت. آن‌ها کتاب‌ها را به دست ضیا داد و چندین قطعه عکس گرفتند و در ضمن بالای عکس‌ها امضای رفیق ضیا را نیز گرفتند و ضمیمه اوراق پرس‌وجو نمودند. نیمه‌های شب دست‌های ما را از پشت بستند و داخل اطاق جمع کردند و وحشیانه، ما را لت‌وکوب نمودند. می‌گفتند این کمونیست‌های کافر را بزنید. رفیق ضیا گفت این کتاب‌ها از من است به دیگران کار نداشته باشید. چند نفرشان به طرف او دویدند و به شکل بی‌رحمانه می‌زدند. یک از آن‌ها

می گفت به دهنش بزیند! بسیار دلیل میگوید. در اثر این لت و کوب دندان رفیق شکست.

همه فکر می کردیم که ما را خواهند کشت. دو سه نفر از رفقا دست‌هایشان را باز کرده بودند، قصد داشتند بالای آن‌ها حمله کنند. اما رفیق ضیا به اشاره فهماند که چنین کار نکنید. بعد از این که از لت و کوب ما خسته شدند، بیرون رفتند. در برگشت با خود زنجیر و زولانه آوردند و دست و پای ما را در زولانه بستند. همان شب ما را به قصد کشتن برده بودند. حزب اسلامی می خواست در کشتن ما تمام اهالی منطقه را دخیل کنند. ولی مردم منطقه با کشتن ما مخالفت کرده بودند. به این دلیل که راه رفت و آمدشان به کابل از کوهدامن ساحه تحت تسلط ساما می گذشت. فردای همان شب رفقای کوهدامن را آزاد کردند، ولی رفقای بخش غرجهستان ساما که عمدتاً از مناطق مرکزی کشور بودند کماکان در بند حزب اسلامی باقی ماندند. اهالی منطقه با کشتن بخش غرجهستان ساما و هزاره جات نیز مخالفت کرده بودند. آن‌ها نمی خواستند تضاد منطوقی ایجاد شود و از طرف دیگر راه رفت و آمدشان به طرف پاکستان از هزاره جات به خصوص از «بهسود» می گذشت. من و زنده یاد رفیق عطیت از بهسود بودیم. اهالی قریه دلیل آورده بودند که اگر ما این افراد را بکشیم مردم بهسود منطقه را چور خواهد کرد. بعد از چند ماه در اثر پادرمیانی «حاجی نادرعلی ترکمن» ما را آزاد کردند. در این مدت که در اسارت حزب اسلامی بودیم به پایداری، شجاعت و دانش رفیق ضیا پی بردیم. فکر می کردیم همه ما و به خصوص ضیا را خواهند کشت. اما رفیق ما را تسلی و روحیه می داد. در این مدت چیزهای زیادی از او آموختیم.

در اثر ضربات شدید که بر پشت و کمر رفیق ضیا وارد شده بود تا واپسین دم حیات از آن رنج می برد، سال‌های بعد از آن که رفیق زندگی مخفی داشت و مصروف کارهای تیوریک بود، درد کمر و مشکلات نخاع شوکی اش به حدی بالا گرفت که ترس از آن میرفت کاملاً فلج گردد.

ورود باندهای ارتجاعی از ایران

در این مدتی که رفیق ضیا و رفقایش در اسارت حزب اسلامی به سر می برد، تغییرات زیادی در منطقه به وقوع پیوسته بود. چندین

گروه از جمله: «حرکت اسلامی» به رهبری شیخ آصف محسنی، «سازمان نصر»، «سپاه پاسداران انقلاب اسلامی» و... با سلاح و امکانات مالی فراوانی وارد منطقه شده بودند. حرکت اسلامی و سپاه پاسداران با همدستی ملاحا بر منطقه کنترل و حاکمیت داشتند. فردی که در این مدت به جای رفیق ضیا قومندان نظامی در منطقه تعیین شده بود- با آمدن باندهای ارتجاعی و آخندها به منطقه- به ایران فرار می کند و مدت‌ها در سنگ‌بری‌های اصفهان کار می کرد. او در آن‌جا به شکلی مرموزی درگذشت. سه نفر از قومندانان و مسئولان نظامی بخش «غرجهستان ساما» از مسئولیت‌هایشان کناره‌گیری نمودند. ملاحا با همدستی حرکت اسلامی و سپاه پاسداران به سرکوب مخالفینشان شدت بخشیده بود و فضای رعب و وحشت حاکم شده بود.

دوران تسلط ارتجاع و باندهای اسلامی در منطقه را رفیقی که در این مدت همراه با ضیا بود چنین شرح می دهد: «با آمدن رفیق ضیا به منطقه، باندهای ارتجاعی، ملاحا و متنفذین منطقه بعد از آن که متوجه فعالیت‌های «سامایی»‌هایی تحت رهبری ضیا می شوند، در صدد دست‌گیری آن‌ها برمی آیند. یک روز خبر رسید که «حرکتی‌ها» بر خانه کاکای ضیا حمله کرده‌اند، زن کاکای ضیا و پسر کوچکش را همراه با یک رفیق دیگر بطور وحشیانه لت و کوب نموده، بالای‌شان پترول ریخته و تهدید نمودند که اگر محل مهمات را نشان ندهند، آن‌ها را آتش خواهند زد.

بعد از این خبر، ضیا فوراً همه را جمع می کنند و تعهد می نمایند که تسلیم نمی شویم. جنگ اجتناب‌ناپذیر شده بود، همه آماده جنگ می شدیم. یک ساعت بعد، جنگ آغاز شد، با آن که تعدادی از رفقای ما تجربه جنگی نداشتند، ده ساعت با آن‌ها جنگیدیم. از آنجایی که تعداد آن‌ها چندین برابر از ما بیشتر بود و سلاح و مهمات‌شان بیشتر و پیشرفته تر بود، ما مجبور به عقب‌نشینی شدیم. با تاریک شدن هوا رفیق ضیا دستور عقب‌نشینی داد. آن‌ها سه نفر زخمی داشتند و از جانب ما یک رفیق ناپدید شد. بعداً معلوم شد که به خانه برگشته است و روز بعد توسط نیروهای اسلامی دستگیر می شود.

مدت دو ماه در حال جنگ و گریز بودیم و چندین بار با آن‌ها درگیر شدیم. در آن‌زمان یک پایه ماشین تحریر کوچک داشتیم که به واسطه آن می توانستیم، اعلامیه بنویسیم و جنایت‌های باندهای

از لحاظ امنیتی مشکل داشتند، نیروهای ارتجاعی در آنجا مسلط بودند و رفتن ما در آنجا مشکلات آن‌ها را دو برابر می‌کرد و از طرفی آن‌ها دچار مشکلات مالی نیز بودند. با تمام این‌ها روحیه‌ی رفاقت انقلابی بی‌نظیری از خود نشان دادند. در عین حالی که به خاطر ما، خطر را پذیرفته بودند، تکه‌نانشان را نیز با ما قسمت می‌کردند. رفیق مسئول منطقه فقط «دوازده سیرآرد» در خانه داشت. چهار نفر در خانه او افزوده شده بودیم، ولی او بسیار راحت بود. می‌گفت حداقل برای بیست روز نان داریم. چند سیر توت نیز هست.

ماه حمل دوباره به منطقه برگشتیم. قبل از این که با متحدین ما ارتباط برقرار کنیم توسط نیروهای سپاه پاسداران و حرکت اسلامی شیخ آصف محسنی محاصره شدیم. سه شبانه روز با آن‌ها جنگیدیم. روز سوم یک نفر کشته و دو نفر از رفقا زخمی شدند و باقی نیروهای ما محاصره شدند. بعد از تاریک شدن هوا عقب‌نشینی نموده، به سه گروه تقسیم شدیم: گروه اول مؤلف گردید محاصره دشمن را شکستاده و تپه مجاور را تصرف کند. وقتی آنجا را تصرف کردند با فیر رسام علامت دهند تا گروه دیگر رفیق پر دل را که زخمی شده بود به آنجا انتقال دهند. ما هیچ وسیله‌ای برای انتقال «پر دل» نداشتیم. مجبور شدیم دومیل تفنگ را با پتوهای طور پیچانیدیم که بشود او را انتقال داد. پر دل، جوان تنومند بود. وقتی او را حرکت دادیم، به زمین افتاد. از شدت درد فریاد زد مرا کشتید! چرا یک چهارپایی نمی‌آورید. برایش توضیح دادیم که محاصره شده‌ایم و باید عقب‌نشینی کنیم و شما را به جای امن انتقال دهیم. رفیق پر دل گفت: نباید به خاطر من همه نیروهای ما تلف شوند مرا بگذارید و بروید. به رفیق ضیا خبر دادیم. همه حیران بودیم چه کار کنیم. نمی‌توانستیم رفیق را به حالت زخمی رها کنیم و از میدان بدر برویم. از طرف دیگر هیچ وسیله‌ای برای انتقال او نداشتیم. اگر هم می‌توانستیم او را با خود ببریم، هیچ جایی امن نداشتیم. بسیاری از رفقا به این نظر بودند که انتقال رفیق ممکن نیست. آن‌ها فکر می‌کردند، شاید اسیر-آن هم زخمی- را نکشند. ولی رفیق ضیا به این باور بود که رفیق ما را خواهند کشت، اما هیچ چاره‌ای برای نجات او نداشتیم. فرصت اندک بود، چند رفیق پوشش دادند، تا متباقی خود را از محاصره بیرون بکشند. وقتی از یک حلقه محاصره بیرون می‌شدیم، با حلقه محاصره دومی

ارتجاعی را افشا سازیم و برنامه‌های مان را به مردم معرفی کنیم. در شرایط جنگی تهیه «کاغذ کاربن» مشکل بود، به زحمت می‌شد آن را پیدا نمود. رفیق ضیا متن اعلامیه‌ها را می‌نوشت و سایر رفقا شبانه قریه به قریه می‌رفتند و آن‌ها را بر دروازه‌های مسجد و خانه‌های روستائیان می‌چسپانند. این اعلامیه‌ها- بعدها در نشریه «رهایی» که بواسطه هواداران ساما (هجاما) در آلمان نشر می‌شد- به چاپ رسید. در آن زمان ما رفیق ضیا را به عنوان یک فرمانده می‌شناختیم، ولی معلوم شد که او بر علاوه یک فرمانده هوشمند، یک نویسنده توانا نیز هست. با سرد شدن هوا مجبور شدیم، عقب‌نشینی کنیم. اسلحه و مهمات اضافی را مخفی نموده، به ولسوالی همجوار عقب‌نشینی کردیم. وقتی به انتهای قله کوهی مشرف بر ولسوالی رسیدیم، رفیق ضیا دستور توقف داد و مختصر صحبت کرد: «رفقا ما به خاطر این که کشته نشویم عقب‌نشینی نکرده‌ایم، بلکه عقب‌نشینی ما به خاطر این است که ما وظایفی داریم که هنوز انجام نداده‌ایم. جنگ یعنی حفظ نیروهای خودی و از بین بردن نیروهای دشمن. جنگ ما بسیار طولانی است ما نباید مایوس شویم. فعلاً در حالت دفاع قرار داریم چون ضعیف هستیم. ما به مرور زمان قوی می‌شویم. از نیروی کوچک به نیروی بزرگ از نیروی ضعیف به نیروی قوی مبدل می‌شویم.» ناراحتی رفقا از بابت جنگ داخلی بود و می‌گفتند که چرا درگیر جنگ‌های داخلی شده‌ایم؟ رفیق ضیا توضیح داد: «ما آغازگر جنگ نیستیم ولی اگر ارتجاع اسلامی جنگ را بر ما تحمیل کنند، ما حق داریم از خود دفاع کنیم. هدف ما جنگیدن علیه قوای اشغال‌گر است زیرا قوای اشغالگر دشمن عمده ماست، اما باندهای ارتجاعی و ملاکین مانع جنگیدن ما با آن‌ها می‌شوند. رفقا! از این که درگیر جنگ با ارتجاع شده‌ایم نباید ناراحت باشیم و خود را ملامت کنیم. بدون برخورد و مقابله با ارتجاع آزادی میسر نخواهد شد. ما با آن که می‌دانیم باید با دشمن عمده جنگید و از جنگ با دشمن غیر عمده خودداری کرد ولی باندهای ارتجاعی و ملاکین نمی‌توانند وجود ما را تحمل کنند. آن‌ها ناچار ما را به جنگی کشانیده‌اند که در حال کنونی خواهان آن نیستیم.»

بعد از پانزده ساعت پیاده‌روی به ولسوالی همجوار که نیروهای متحدین ما در آنجا بودند، رسیدیم. چند روز را در آنجا گذراندیم، ولی از این که تعداد ما زیاد بود، یک گروه از رفقای ما به ولسوالی همجوار غربی رفتند. رفقا با وجودی که خودشان هم

برخوردیم. نزدیکی‌های صبح تمامی رفقا به استثنای رفیق زنده یاد پردل از حلقه محاصره خارج شدیم. سه شبانه روز رفقا نه خوابیده بودند و نه شکم سیر غذا خورده بودند. چند روز بعد اطلاع یافتیم که آن‌ها رفیق پردل را اسیر کرده، سپس به قتل رسانده است. چندین ماه سپری شد. هوا کم‌کم گرم می‌شد. امکان سپری کردن در کوه‌ها و دره‌ها فراهم آمده بود. یک منطقه کوهستانی را به حیث پایگاه انتخاب کردیم. از آن‌جا شبانه با متحدین مان تماس

می‌گرفتیم. همه منتظر فرصت و دستورات بعدی بودیم. بالاخره بعد از روزها دستور حمله و نقشه حمله طرح شد و زمان عملیات فرا رسید و ما دست به حمله زدیم. در جریان این حمله ۵۴ تن از نیروهای «سپاه پاسداران» را دست‌گیر کردیم و ۴۶ میل تفنگ «یازده تیره» و چهار میل کلاشکوف را با یک میل سلاح ضد تانک (آر.پ.جی.۷) و مقدار زیادی مهمات به غنیمت گرفتیم. در این عملیات سه نفر زخمی داشتیم. دو رفیق زخم سطحی برداشته بودند، اما جراحت رفیق ج بسیار جدی بود. سه مرمی به پای راستش اصابت کرده بود و استخوان ساق پایش شکسته بود. هیچ نوع امکانات پزشکی و ارتوپدیک در اختیار نداشتیم و به ناگزیر او را به پاکستان انتقال دادیم.

بعد از عملیات پیروزمندانه وضعیت تغییر کرد و مردم بسوی ما می‌آمدند و با ما می‌پیوستند. مناطق زیادی را تصرف

کردیم. اما باندهای ارتجاعی هم بیکار ننشسته، دست به کار بودند. سپاه پاسداران، حرکت اسلامی، سازمان نصر، نهضت اسلامی و حزب اسلامی همه با ما مخالف بودند و علیه ما می‌جنگیدند. با وجودی که نسبت به گذشته خیلی نیرومند بودیم، اما مسئولین به خصوص رفیق ضیا و رفیق ع روحیه‌شان خراب شده بود. آن‌ها می‌گفتند، باید عقب‌نشینی کنیم. این عقب‌نشینی تا ولسوالی‌های

همجوار نبود، بلکه تا پاکستان بود. نزدیک به یک سال می‌شد اکثریت رفقا از خانواده‌های‌شان به دور بود. در این میان روابط و افراد توده‌ای بیشتر نگران خانواده‌ها و اهل و عیال‌شان بودند. از طرف دیگر هوا سردتر می‌شد. اواخر خزان بود که رفیق ضیا- جلسه‌ای از تمامی افراد نظامی دایر نمود و مسئله عقب‌نشینی را به پاکستان طرح کرد. بعد از بحث و گفتگوها فیصله شد هرکسی که امکان ماندن‌شان در منطقه ممکن نیست، می‌توانند به پاکستان بروند.

روابط توده‌ای خواستند که تفنگ‌های خود را نگه دارند که با این خواست‌شان موافقت شد. رفقای «سازمانی» در مجموع با چند تن محدود از روابط توده‌ای به پاکستان رفتند بعد از سپری شدن زمستان بحث بر سر این بود که چه وقت بر می‌گردیم. اما از برگشتن به افغانستان حرف در میان نبود. دلیل عقب‌نشینی به پاکستان و دوباره برگشتن به افغانستان برای ما معلوم نبود؛ تا این که سرانجام از تسلیم شدن نیروهای ساما در پروان، کاپیسا و هرات و همچنین از موج فزاینده تسلیم‌طلبی در سطح رهبری ساما، اطلاع یافتیم. آن‌گاه دلیل خرابی روحیه رفیق ضیا و ع و دلیل عقب‌نشینی و برگشتن دوباره به افغانستان را فهمیدیم.

به این ترتیب می‌بینیم که ایدئولوژی و خط حرکی یک سازمان تعیین کننده است. در کاپیسا، پروان، هرات و نقاط دیگر افغانستان ساما تسلیم شده بودند.

با این که در هزاره‌جات نیروی ساما انکشاف می‌یافت و جبهات نبرد آن قوی می‌شد، بخش غرجهستان ساما در میان مردم ریشه می‌دوانید؛ اما «مرکزیت ساما» در خط تسلیم‌طلبی افتاده بود. دیگر به نظر می‌رسید، ادامه کار در دورن ساما ممکن نیست.

ادامه دارد

رفقا ما به خاطر این که کشته نشویم

عقب‌نشینی نکرده‌ایم، بلکه عقب‌نشینی

ما به خاطر این است که ما وظایفی داریم

که هنوز انجام نداده‌ایم. جنگ یعنی

حفظ نیروهای خودی و از بین بردن

نیروهای دشمن. جنگ ما بسیار طولانی

است ما نباید مأیوس شویم. فعلاً در

حالت دفاع قرار داریم چون ضعیف

هستیم. ما به مرور زمان قوی می‌شویم.

از نیروی کوچک به نیروی بزرگ از

نیروی ضعیف به نیروی قوی مبدل

می‌شویم.

پیام تسلیت حزب کمونیست ترکیه - مارکسیست - لنینیست [TKP-ML]

به کمیته مرکزی حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان!
رفقای عزیز!

خبر مرگ نابهنگام رفیق ضیاء، صدر حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان و یکی از بنیانگذاران آن حزب که به اثر سخته قلبی به عمر ۶۸ سالگی درگذشت، را دریافت کردیم. از دست دادن غم انگیز چنین رفیقی که نقش برجسته و پیشرو در رهبری و تکامل حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان داشته را درک می کنیم. وما همچنان از تلاش های حزب شما و نقش رهبری کننده رفیق ضیاء در پیشبرد روابط بین المللی بین احزاب انقلابی و کمونیستی و به پیش راندن انترناسیونالیزم پرولتری قدردانی می کنیم. رفقا، ما در شرایط چالش برانگیزترین دوران تاریخ جنبش بین المللی کمونیستی و مبارزات طبقاتی در هر کشور قرار داریم. وظیفه فوری ما، دست یابی به وحدت اصولی میان نیروها و سازمان های پرولتری در سطح بین المللی می باشد. این امر تنها با غلبه بر رویزونیسم و اپورتونیسم ممکن می باشد، که بدون آن، سرانجام، در مبارزه مشترک ما دست یافتن به شکست و تارومار کردن امپریالیسم ناممکن است. جنبش بین المللی کمونیستی و پرولتاریای سراسر جهان، برای به انجام رسانیدن چنین وظایفی در کنار خود به رفقائی همچون رفیق ضیاء نیاز دارند. به هر حال، با وجود از دست دادن غم انگیز وی، ما اطمینان کامل داریم که رفقای دیگر نقش وی را برعهده گرفته و به حمایت از میراث انقلابی رفیق ضیاء ادامه خواهند داد. به نیابت از کمیته مرکزی حزب کمونیست ترکیه - مارکسیست - لنینیست، تمام حزب و پرولتاریای کشورمان، مراتب غم و اندوه قلبی خویش را بمناسبت درگذشت رفیق ضیاء ابراز می داریم. ما به همبستگی بیشتر خود با حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان، پرولتاریا و خلق های ستم کش افغانستان ادامه می دهیم. یادگار و میراث رفقای جان باخته ما برای ابد در مبارزات مشترک ما علیه امپریالیسم و تمام مرتجعین زنده خواهد ماند. خاطره رفیق ضیاء در مبارزات ما زنده خواهد ماند!

افتخار به رفیق ضیاء!

رفقا!

حزب مائوئیست کمونیست ایتالیا برای تجلیل، تکریم و ترسیم درس هایی از کار و زندگی رفیق ضیاء به رفقای حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان می پیوندد.

ساختن یک حزب مارکسیستی - لنینیستی - مائوئیستی در یکی از مراکز تاریخی و درگیری فعلی میان امپریالیسم و خلق های تحت ستم یک اقدام خارق العاده برای جنبش کمونیستی است که مبارزه برای وحدت بین المللی پرولتاریا، خلق های تحت ستم کشورهای امپریالیستی و ضرورت موج جدیدی از انقلاب پرولتری جهان را بیشتر و بیشتر تغذیه می کند. از اطلاعیه مطبوعاتی کمیته مرکزی حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان به مناسبت درگذشت رفیق ضیاء، ما تمامی اهمیت و ارزش رفیق ضیاء را می بینیم.

تاسیس حزبی که سی امین سالگرد آن امسال پشت سر گذاشته می شود، یکی از مهم ترین میراث وی است. حفظ مسیر مائوئیستی سهمی است که جنبش ما در مشکل ترین زمان از آن عبور میکند. آموزش های خطی، پراتیکی، و توانائی های رهبری، تجدید حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان امروز میراثی برای کمونیست های جهان است. نقش ضیاء در زمان جنبش انقلابی انترناسیونالیستی (جاا) و نقش حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان در زمان حاضر، جهت بازسازی جنبش بین المللی کمونیستی (م ل م) از اهمیت به سزائی برخوردار است.

حزب ما حمایت همه جانبه خود را از جنگ انقلابی خلق و مقاومت ملی علیه اشغالگران امپریالیستی، رژیم دست نشانده و اشغالگران مرتجع داعشی، ابراز میدارد.

به نام ضیا، ما پیشگامان پرولتری در کشورمان را فرا می خوانیم تا همبستگی بین المللی را با مبارزات مردمان افغانستان تشدید کنند.

افتخار به رفیق ضیاء!

زنده باد حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان

زنده باد انترناسیونالیزم پرولتری

حزب مائوئیست کمونیست ایتالیا

جون ۲۰۲۰

رفیق ضیاء جاودانه است!

پیام تسلیت به مناسبت درگذشت رفیق ضیاء

به رفقای ما در افغانستان:

با تأسف فراوان، اطلاع یافتیم که رفیق ضیاء، صدر حزب کمونیست (م) افغانستان از اثر سکت قلبی به سن ۶۸ سالگی، درگذشت.

رفیق ضیاء، رهبر دیرینه جنبش کمونیستی در افغانستان بود، او انقلابی‌ای از زمانه‌های سلطنت در افغانستان بود. حزب کمونیست

مائوئیست [فرانسه] و سازمان‌های ما مراتب عمیق تسلیت خود را به حزب، رفیق ضیاء، رفقایش، به توده‌های افغانستان و نزدیکان وی ابراز میدارند. ما به خاطر داریم که رفقای ما، وظایفی همچون رفیق پی‌یر، بنیانگذار حزب ما انجام داده اند که درین مسیر درگذشت.

ما درینجا نقش رفیق ضیاء را در چندین نکته در ستایش مراسم خاکسپاری وی که توسط کمیته مرکزی حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان منتشر شده است، را برجسته می‌کنیم:

نقش وی در اتحاد کمونیست‌های افغانستان، یعنی مارکسیست - لنینیست - مائوئیست‌ها، تحت رهبری یک حزب واحد، حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان، از زمان تاسیس "هسته کمونیست‌های انقلابی افغانستان" که در سال ۱۹۸۷ تاسیس و رهبری کرده و به کنگره دوم حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان در سال ۲۰۱۴ کماکان بر جایگاه صدر باقی مانده است، می‌بینیم که زندگی وی به مبارزه بی‌امان برای وحدت کمونیست‌ها اختصاص داده شده بود.

شعار انقلاب از طریق جنگ خلق وی برای مقاومت ملی علیه امپریالیست‌ها، سرمایه‌داری بروکراتیک و فتودال‌ها در افغانستان.

سهم وی در ادامه و تکامل خط سیاسی اکرم یاری، رهبر بزرگ کمونیست افغان که در سال ۱۹۷۹ به دست دولت مرتجع و وحشی وقت افتاد و جانباخت، برانزده می‌باشد. رفقای عزیز حزب کمونیست

(مائوئیست) افغانستان، ما خود را در غم شما شریک می‌دانیم، زیرا این پرولتاریای بین‌المللی است که یک مبارز خود را از دست داده است. ما به ادامه دادن وظایف وی و به تکامل مسیر انقلاب در افغانستان و سراسر کشورها، درود می‌فرستیم.

رفیق ضیاء جاودانه است!

رفیق ضیاء در مبارزات پرولتاریای بین‌المللی زندگی خواهد کرد!

رفیق ضیاء، موجود است!

زنده باد مارکسیزم - لنینیزم - مائوئیزم!

حزب کمونیست مائوئیست فرانسه

۲۴ جون ۲۰۲۰

امروز تاریخ اول سرطان ۱۳۹۹ مصادف با ۲۱ جون ۲۰۲۰ با تأسف از درگذشت رفیق ضیاء اطلاع یافتیم.

ناگفته پیداست که این خبر غم‌انگیز و اندوه‌ناک بالای نیروهای ملی، آزادبخش و انقلابی سایه افکنده است.

اتحادیه پناهندگان ملی و دموکرات افغان‌های مقیم اتریش این ضایعه بزرگ را به تمام سازمان‌ها، احزاب و تشکیلات انقلابی مارکسیست - لنینیست - مائوئیست سراسر جهان بالخصوص حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان تسلیت می‌گوید و همچنان ضمن ابراز غم و اندوه به فامیل محترم شان نیز تسلیت عرض می‌کند. این ضایعه را نه تنها برای فامیل شان، بلکه یک ضایعه جبران‌ناپذیر برای نیروهای مترقی، مارکسیست - لنینیست - مائوئیست سراسر جهان در عصر کنونی می‌داند.

زنده یاد ضیاء مردی متین، با استقامت و ملبس به ایدئولوژی کمونیستی، ایدئولوژی نجاتبخش طبقه تحت ستم بود و همیشه حضورش در صفوف توده‌های رنج‌دیده کشور محسوس و هویدا بود.

چند ماه قبل یکی از اعضای اتحادیه با زنده یاد ضیاء در داخل کشور ملاقات کرده بود و در گزارش خود در توصیف رفیق ضیاء چنین نوشته است: (هنگامی که با زنده یاد رفیق ضیاء رودرو شدم بر خاطرات سال‌های ۱۳۴۹ و ۱۳۵۰ مروری کرد و به توصیف از من پرداخت و در مقابل من نیز از پیمردی و رهنمون‌های همان سال‌ها برایش یاددهانی کردم.

ایشان مرا که در ۱۳۴۹ و ۱۳۵۰ نماینده بخش از کارگران بودم تمجید کرد، ولی هنگامی که با اشاراتی از فعالیت‌های خستگی‌ناپذیر خودش یادآور شدم، خندید و آن را بخشی از وظیفه و رسالتش به تصویر کشید و گفت که کار خارق‌العاده به جز انجام وظیفه، انجام نداده است). بلی رفقای گرامی!

رفیق ضیاء هنگامی که در سال ۱۳۶۶ هسته کمونیست‌های انقلابی افغانستان و پس از اندک زمانی آن را به سازمان ارتقاء داد با روشنی کامل نظر به نیازمندی در سال ۱۳۸۳ پس از تاسیس حزب کمونیست افغانستان با تمام عرق فشانی در راه وحدت با نیروهای مترقی، ملی، آزادبخش و انقلابی تلاش ورزید که در این زمان سازمان پیکار برای نجات افغانستان و اتحاد انقلابی کارگران افغانستان در راه احیای حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان تلاش ورزید. اینک رسالت ما در قبال این حادثه غم‌انگیز چیست؟ در شرایط کنونی، اتحادیه بر یک اصل

گروه مائوئیستی راه سرخ ایران

به مناسبت درگذشت صدر حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان

با کمال تأسف با خبر شدیم که رفیق ضیاء صدر حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان به سبب سکنه قلبی و در سن ۶۸ سالگی در گذشته است. خبری که همه‌ی ما را در غم و اندوه فرو برد. رفیق ضیاء از زمره بنیان‌گذاران حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان و از رهبران برجسته این حزب بود که توانست پیش از چهل سال خط انقلابی مائوئیستی را در افغانستان دنبال نماید. وی به مدت بیست سال در صدر حزب کمونیست افغانستان جای داشت، و طی این مدت توانست وحدت حزب ایدئولوژیک - سیاسی حزب را حفظ کرده، مبارزه انقلابی را در عرصه داخلی و بیرونی پیش برد. وی در گیرودار اشتباهات و انحرافات جنبش بین‌المللی همواره جهت درستی را دنبال کرد و توانست طی این مدت از خط مائوئیستی و گسترش آن دفاع نماید. فقدان وی ضایعه‌ای برای طبقه کارگر و خلق افغانستان و کشورهای جهان خواهد بود.

ما درگذشت رفیق ضیاء عزیز را به رهبری، اعضاء و هواداران حزب کمونیست افغانستان، احزاب و سازمان‌های جنبش بین‌المللی کمونیستی مارکسیستی - لنینیستی - مائوئیستی عمیقاً تسلیت گفته و مطمئن هستیم که رهبری افغانستان خلاء ناشی از فقدان رفیق را پر کرده و هوشیار و مصمم به تداوم خط انقلابی مائوئیستی خود و مبارزه خود در راه آزادی طبقه کارگر و تمامی زحمتکشانش افغانستان و جهان ادامه خواهد داد.

گروه مائوئیستی راه سرخ ایران

تکیه دارد که پس از درگذشت افرادی چون رفیق ضیاء غم و اندوه خود را به نیروی محرکی مبدل سازیم تا راهی به سوی جنبش دموکراتیک نوین باز کنیم، با گام‌های وسیعی راه نجات برای مردم ما از چنگ استعمار امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم امریکا و سرنگونی نظام مزدور و وابسته پیدا کنیم.

زمان در حرکت است و از تاسیس و تشکل سازمان جوانان مترقی بیش از پنجاه سال می‌گذرد. آن‌هایی که بخشی از پرشورترین مبارزین آن زمان بودند، سنین‌شان بالا کشیده است. این افراد که چکیده‌های از شعله جاوید اند، هنوز هم آرزوهای رسیدن به استراتژی (سرنگونی نظام حاکمیت ستمگرانه را بدل می‌پروارند). نیروهای مترقی جوان، آزادیبخش و انقلابی کنونی باید فراموش نکنند که هنوز با به کار بستن تجارب مبارزاتی، سیاسی، ایدئولوژیکی و تیوریکی آن‌ها، امید نشانیدن حقیقت‌های عینی و به دست آوردن خواسته برحق مردم می‌توان استفاده کرد. در پیوند، حفظ و نگهداری آن‌ها سعی کرد که یکی پی دیگری از صفوف جدا می‌شوند و داشته‌های سیاسی، ایدئولوژی و تیوریکی را با خود خواهند برد.

اتحادیه پناهندگان ملی و دموکرات افغان‌های مقیم اتریش به صراحت اعلان می‌دارد که با تشکیل و اعمار سنگر مبارزه مسلحانه خلق، صفوف اول را اختیار خواهد کرد. ما به صورت همیشه دوشادوش رفقای حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان خواهیم بود و قربانی‌های را که شعله جاوید متحمل شده است تا رسانیدن عاملین آن به دادگاه انقلاب خون‌جانباختگان انقلابی را (نه می‌بخشیم و نه فراموش می‌کنیم).

زنده و جاوید باد مبارزه ما بر ضد ارتجاع، امپریالیسم، استعمار و نظام دیکتاتوری در افغانستان!

در اهتزاز باد مشعل نیروهای آزادیبخش، ملی، مترقی و انقلابی در افغانستان!

با اتکاء به تداوم رهنمون‌های رفیق ضیاء به پیش به سوی راه آزادی، عدالت و برابری!

« اتحادیه پناهندگان ملی و دموکرات افغان‌های مقیم اتریش

(حریت)»

۲۲ جون ۲۰۲۰

شعله جاوید را بخوانید و در دسترس دیگران قرار دهید

رفیق ضیاء، صدر حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان، هم‌چنان در بین ما، همانند شعله‌ای روشن که راه انقلاب را روشن می‌سازد خواهد بود.

به تاسی از اطلاعیه حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان، رفیق ضیاء، صدر حزب در ۲۱ جون سال ۲۰۲۰ به سن ۶۸ سالگی درگذشت. او یکی از رهبران بنیان‌گذار جنبش کمونیستی افغانستان و ادامه‌دهنده مسیری که در سال ۱۹۷۹ توسط زنده یاد رفیق اکرم یاری رهبر کمونیست مائوئیست، ترسیم شده بود، می‌باشد.

رفیق ضیاء، پس از تاسیس "هسته کمونیست‌های انقلابی افغانستان" در سال ۱۹۸۷ به طرف طرح وحدت

مائوئیست‌ها حرکت کرد و موفق گردید تا سه سازمان "اتحاد انقلابی کارگران افغانستان"، "سازمان پیکار برای نجات افغانستان" و "حزب کمونیست افغانستان (۱۹۹۰)" را به سمت اتحاد سوق دهد و منجر به تاسیس حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان گردد. وی همچنان در مقاومت علیه متجاوزین روسی و امریکائی و همچنان مقاومت در برابر مرتجعین مذهبی در کشورش شعار جنگ خلق را علیه اشغالگران و مزدوران دست‌نشانده‌شان بلند نمود و نقش مهمی را درین زمینه ایفاء کرد.

در سطح بین‌المللی، وی نقش برجسته‌ای در جنبش انقلابی بین‌المللی داشت و روابط دوستانه میان سازمان‌ها و احزاب کمونیست مائوئیست سراسر جهان ایجاد نمود. بمناسبت درگذشت غمگینانه وی، حزب زحمت‌کشان تونس، خود را در غم و اندوه رفقای افغانستانی شریک می‌داند و احساسات هم‌دردی خویش را ابراز می‌کند. تاکید می‌کنیم که مسیر زندگی وی نمایانگر مکتبی است که در آن نسل‌های مائوئیست پیایی در افغانستان و پس از آن متعهد تر به مارکسیزم - لنینیسم - مائوئیسم مسیر مبارزه و انقلاب را فراخواهند گرفت.

حزب زحمت‌کشان تونس - الکادحین

۲۵ جوان ۲۰۲۰

میراث رفیق ضیاء را تجلیل نماییم!

حزب کمونیست انقلابی کانادا، مراتب عمیق تسلیت خویش را به حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان به مناسبت درگذشت رفیق ضیاء، یکی از بنیان‌گذاران جنبش مائوئیستی در افغانستان و تصویب کننده سند زنده یاد مارکسیزم - لنینیسم - مائوئیسم در سطح بین‌المللی تقدیم می‌دارد.

درگذشت وی به دلیل روابط دو جانبه ما با حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان و مسیری که رفقای افغانستان بخاطر شمولیت ما در جنبش انقلابی انترناسیونالیستی (ریم)

قدیمی و سپس در بازسازی آن، تلاش

ورزیدند، برای ما قابل توجه است.

هنگامی که ما در اوایل دهه ۲۰۰۰ خودمان

را به عنوان یک حزب مطرح نمودیم،

حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان

ناظران بین‌المللی را به آن کنگره فرستادند

و از آن زمان، ما همچنان به یک رابطه

ثمربخش خویش ادامه داده ایم.

درگذشت رفیق ضیاء، به دلیل روابط

طولانی که داشتیم به مثابه از دست دادن

یک عضو حزب مان تلقی می‌گردد.

یکی از مشکلات درک جنبش انقلابی در

افغانستان، چگونگی امر ترکیب اشغالگران

امپریالیستی و نبود نمایندگی حزب

کمونیست (مائوئیست) افغانستان در

کشورهای انگلیسی زبان جهان، منتج به

پوشاندن حقایق جنگ علیه ترور توسط

انگلیسی زبانان شده است. با این حال

کسانی که به افغانستان سفر کرده اند، و با

رفقای آنجا ملاقات نموده اند، کمکی

کرده نمی‌توانند ولی دریافتند که جنبش

مائوئیستی چقدر قابل توجه است، و چقدر

وسیع تر نسبت به جنبش‌های مائوئیستی در

شهرهای بزرگ امپریالیستی است و چقدر باید به ما بیاموزاند.

درگذشت وی به دلیل روابط دو

جانبه ما با حزب کمونیست

(مائوئیست) افغانستان و مسیری که

رفقای افغانستان بخاطر شمولیت ما

در جنبش انقلابی انترناسیونالیستی

(ریم) قدیمی و سپس در بازسازی

آن، تلاش ورزیدند، برای ما قابل

توجه است.

هنگامی که ما در اوایل دهه ۲۰۰۰

خودمان را به عنوان یک حزب

مطرح نمودیم، حزب کمونیست

(مائوئیست) افغانستان ناظران بین

المللی را به آن کنگره فرستادند و از

آن زمان، ما همچنان به یک رابطه

ثمربخش خویش ادامه داده ایم.

اینک چقدر فروتنانه است. چگونه ضیاء تلاش کرد تا تکبر بورژوازی را که اغلبا در جنبش سربلند می کند رد نماید و چگونه می توانیم ازین سبک کار چیزهای زیادی بیاموزیم.

حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان تحت رهبری رفیق ضیاء نه تنها یکی از اولین سازمان های کمونیستی بود که مائوئیزم را بعنوان سومین و عالی ترین مرحله کمونیسم انقلابی پذیرفت، بلکه اولین سازمانی بود که به انحراف "سنتز نوین" حزب کمونیست انقلابی امریکا که در بین جنبش بین المللی کمونیستی سردرگمی ایجاد نموده بود، پی برد و رسماً علیه آن و بطور مشخص با ایرانیان در آن زمان موضع گیری نمود. بنابراین، اولین شلیک علیه طرح اواکیانیستی، انتقاد حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان از دنباله روان ایرانی "سنتز نوین" باب اوکیان بود و ادعا نمود که این "مسیر گم شده" پسا مائوئیزم است.

در حالی که حزب کمونیست انقلابی امریکا اخیراً در سیاست ایالات متحده امریکا حاشیه ای بیش به نظر نمی رسد. (بدین ترتیب فقر "سنتز نوین" آن را نشان می دهد)

در زمانی که حزب کمونیست انقلابی امریکا، نقش بزرگی در جنبش انقلابی انترناسیونالیستی (ریم) بازی کرده بود، و همچنین مسئولیت بیشتر انحلال (ریم) را نیز به دوش داشت، دخالت حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان تسویه حساب قابل توجهی را آغاز کرد.

امتناع رفقای بین المللی ما از ایفای نقش اصلی شان، بعنوان یک نظریه پرداز مهم، و فراهم نمودن بیشتر کارهای تیوریک، بطور نامحسوس نوع حساسیت مائوئیستی را به نمایش می گذاشت که همه ما باید برای جلوگیری از تکرار چنین اشتباهات و انحلال کامل دلیری فردی در جمع، تلاش نماییم.

زندگی اختصاص داده شده برای خدمت به خلق، جلوگیری از کیش شخصیت پرستی در حزب، و احزاب سیاسی که خط سیاسی را به جای یک نام مطرح می کنند، در وجود ضیاء تبارز یافته بود. تنها با درگذشت اوست که ما به اهمیت وی پی می بریم و برایش تجلیل می کنیم. اما هنوز باید بخاطر سپرد که ضیاء زندگی خودش را بعنوان صدر در کلکتیو حساسی سپری نمود. اینکه او کار خود را در خدمت به انقلاب وسیع تر می دید و از همه اشکال دگماتیسم و کیش قهرمانی نیز بیزار بود.

با توجه به اینکه وی بخش بزرگی از زندگی خود را صرف تلاش برای شناخت مائوئیسم بعنوان سومین و عالی ترین مرحله کمونیسم انقلابی کرد و برای تاسیس یک سازمان بین المللی کمونیستی مایه گذاشت، ما باید از کمک های وی سپاس گزار باشیم و احترام بگذاریم.

او در جلسه تاریخی (ریم) در سال ۱۹۹۳ که پیش نویس "زنده باد مارکسیزم - لنینیسم - مائوئیسم" ارائه گردید حضور داشت. مدت ها قبل از آن، ضیاء و رفقای که می رفتند تا حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان را بنیان گذارند، قبل از آنکه حزب کمونیست انقلابی امریکا و دیگران این کار را انجام دهند، موضع ضد انقلابی دنگ سیائوپینگ در چین را انتقاد کردند و نشان دادند که حزب کمونیست انقلابی امریکا (همان طوری که همیشه دوست دارد ادعا کند) نیست. اولین سازمان در جهان بود که به نقد راه کاپیتالیستی پرداخت.

این و سایر مشارکت هاست که میراث ما را تشکیل می دهد و متعلق به همه ماست. ما باید با درک م ل م بعنوان کمونیسم فعلی که ما را پیوند میزند به پیش حرکت کنیم. ما باید برای تاسیس سازمان بین المللی کمونیستی که وی پیش بینی کرده بود، تلاش نماییم.

حزب کمونیست انقلابی - کانادا

۲۸ جون ۲۰۲۰

آدرس ما

<http://www.sholajawid.org>

<https://t.me/sholajawid>

sholajawid2@Protonmail.com

پرولتاریای تمام کشورها، متحد شوید!

گردید. رفیق ضیاء، جاودانه است!

به کمیته مرکزی حزب

کمونیست (مائوئیست)

افغانستان:

رفقای عزیز!

به اندوه درگذشت رفیق

ضیاء، «مجمع کمونیست

ناروی - خدمت به خلق» به

رفقای کمیته مرکزی حزب

کمونیست (مائوئیست)

افغانستان، به رهبران،

رزمندگان، پرولتاریا و

توده‌های که تحت رهبری

شما می‌رزمند، درود

می‌فرستد.

صدر مؤسس حزب شما،

طلایه‌دار پرولتاریای

افغانستان و توده‌های

محبوب قهرمان آن کشور،

از اثر سکتۀ قلبی به سن ۶۸

سالگی درگذشت، ما

میدانیم که قلب او همیشه

برای انقلاب و برای

پرولتاریا می‌تپید. ضربان

قلبش همواره در مبارزات

حزب و در مبارزات انقلاب

پرولتاریای جهانی خواهد

تپید. او زندگی خود را وقف

انقلاب، حزب، پرولتاریا

و مبارزات توده‌ای،

دموکراسی نوین، سوسیالیسم

و کمونیسم نمود. زندگی و

کار وی باعث تغییر در و

روابط همیشگی این جهان

پیام تسلیت به مناسبت درگذشت غم‌انگیز رفیق ضیاء

به کمیته مرکزی حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان

درود بر همبستگی انترناسیونالیستی از نوادا!

به عنوان یک رفیق مارکسیست - لنینیست - مائوئیست، با

وجودی که دورتر از شما در آن سمت کره زمین قرار

دارم، مراتب عمیق تسلیت خویش را بمناسبت درگذشت

رفیق ضیاء تقدیم‌تان می‌نمایم.

برای جنبش کمونیستی، از دست دادن هر رفیقی یک

فاجعه بزرگ است. این فاجعه هنگامی بطور مضاعف،

مهیّب می‌گردد که شخصی مانند رفیق ضیاء را از دست

داده باشید. کسی که برای مبارزات انقلابی در کشور خود

و گسترش مبارزات پرولتاری در سراسر جهان تلاش

زیاد نموده است.

رفیق ضیاء را از دست داده‌ایم، اما میراث او باید بر شأنه

توده‌ها به سمت پیروزی نهائی مارکسیسم - لنینیسم -

مائوئیسم به پیش برده شود.

برای شما بیشترین موفقیت را برای ادامه مبارزه در

کشورتان خواهانم

سی. ج. هانت، ایالت نوادا، امریکا

۲ جولای ۲۰۲۰

کمونیست‌ها و انقلابیون ناروی

درودهای صمیمانه‌شان را به خلق

زحمتکش افغانستان می‌فرستند.

دولت کهن امپریالیستی ناروی،

برای چندین دهه، در اشغال و

مداخله یانکی‌ها در افغانستان

اشتراک نموده‌اند. ما امپریالیست‌ها

را تقبیح می‌کنیم و به مقاومت درود

می‌فرستیم.

در شرایط اشغال، مبارزین قهرمان

خلق افغانستان علیه امپریالیسم قیام

کرده‌اند. ما نیک می‌دانیم که این

مقدمه جنگ با شکوه خلق در

افغانستان است، جنگ توده‌های که

تحت رهبری حزب کمونیست،

تحت درفش مائوئیسم، انجام

می‌شود. ما می‌دانیم که رفیق ضیاء

در صفوف جاودان جانباختگان

جنبش بین‌المللی کمونیستی

رژه خواهد رفت.

زنده باد مارکسیسم - لنینیسم -

مائوئیسم - عمدتاً مائوئیسم

به پیش در راه جنگ خلق!

افتخار و شکوه ابدی به رفیق ضیاء!

با درودهای رفیقانه،

مجمع کمونیست ناروی - خدمت به

خلق

رهبری مرکزی

۳۰ جون ۲۰۲۰

پرولتاریای تمام کشورهای متحد شوید!

به حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان!

رفقا!

کمیته مرکزی حزب کمونیست برزیل (فرکشن سرخ) خطاب به کمیته مرکزی حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان، به تمام رهبران، کادرها و مبارزان شان، به پرولتاریا و توده های ستمدیده که تحت رهبری شما مبارزه میکنند، مراتب عمیق تسلیت برادرانه خویش را بخاطر درگذشت رفیق ضیاء تقدیم میدارد.

رفیق ضیاء بعنوان صدر و بنیانگذار حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان، نقش اساسی در جنبش انقلابی پرولتاری در افغانستان داشت و به عنوان چهره برجسته جنبش بین المللی کمونیستی و با حضور فعال در تمامی مبارزات ایدئولوژیک - سیاسی جنبش بین المللی کمونیستی قاطعانه ایستادگی کرد.

جنبش بین المللی کمونیستی (ICM) نمیتواند برای وحدت بدون مبارزه دو خط روشن و صادقانه بر مبنای اصول اساسی مارکسیزم-لنینیسم-مائوئیسم علیه رویزیونیسم و تمامی اپورتونیست ها پیش رود. کسانی که می خواهند تحت عنوان "وحدت" مانع مبارزه دو خط روشن، صادقانه و سازمان یافته گردند. لنین کبیر به چنین کسانی که پرچم وحدت را در واقع برای سبوتاژ وحدت، و وحدت واقعی بلند نموده اند هشدار می دهد.

مبارزات دو خط در جنبش بین المللی کمونیستی به مرحله جدید بالا رفته است. در این نبردهای اخیر، احزاب ما بعنوان احزاب برادر، مواضع متضادی در برابر یک سلسله سوالات راجع به اصول، که بر اساس آن ما انکشاف یک سلسله مبارزات روشن و صادقانه را به هدف دست یابی

به وحدت واقعی اصول در جنبش بین المللی کمونیستی، را آغاز نموده ایم.

ما معتقدیم که در این مبارزه رفیق ضیاء و حزب وی، از موضع مخالف ما، طرفدار وحدت بر اساس اصول بودند و هنوز هم هستند که نمونه آنها را باید دنبال کرد.

درگذشت نابهنگام وی، در لحظه ای که کمونیست ها در سراسر جهان در تلاش و مبارزه برای تدویر یک کنفرانس بین المللی مائوئیستی واحد و ایجاد یک سازمان بین المللی نوین پرولتاریائی هستند، یک ضایعه مهم برای جنبش بین المللی کمونیستی محسوب میشود.

در لحظه ای که بحران جهانی سیستم امپریالیستی عمیق تر می شود، امواج قدرتمند شورش مردمی بعنوان یک طوفان سراسری در جهان گسترش می یابد، اعلام لحظه نوین انقلاب پرولتاریای جهان است، ما یقین داریم که پرولتاریا و توده های مردم افغانستان قادر خواهند بود برای تحقق وظایف فوری خود، این ضایعه را به تصامیم بزرگ، وحدت و جسارت بیشتری مبدل سازند، و متجاوزین غارتگر را اخراج و نوکران دست نشانده شان را سرنگون سازند.

برای پیروزی انقلاب دموکراتیک نوین از طریق جنگ خلق، و با برانداختن بنیانچهره امپریالیسم و ارتجاع از روی زمین به انقلاب پرولتاریای جهانی، خدمت نمایند.

احترام و افتخار ابدی به رفیق ضیاء!

زنده باد مارکسیزم-لنینیسم-مائوئیسم-عمدتا مائوئیسم

مرگ بر جنگ امپریالیستی!

زنده باد جنگ مغلوب نشدنی خلق!

درد برادرانه

حزب کمونیست برزیل (فرکشن سرخ) کمیته مرکزی

۲۴ جون ۲۰۲۰

رفیق ضیاء

درفش دار (م ل م) در سطح ملی و

بین المللی

درگذشت المناک رفیق ضیاء تئوریسین آگاه و متعهد م ل م و رهبر حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان برای ما نهایت سنگین و طاقت فرسا بود، این سنگینی تا کنون اثرات عمیق خود را بر ما مستولی ساخته است.

بدین وسیله به کمیته مرکزی، اعضا و هواداران حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان و خانواده ی داغدار رفیق ضیاء و رفقای جنبش چپ افغانستان، و جنبش بین المللی کمونیستی م ل م، مراتب همدردی، غم شریکی و تسلیت خود را ابراز داشته و خود را در غم و اندوه رفقا، شریک می دانیم.

رفیق ضیاء رزمنده ی شجاع، تئوریسین آگاه و متعهد به علم انقلاب پرولتاریا (م ل م)، در رفاقت، صمیمی و در درون تشکیلات، منضبط و با دیسیپلین و در تیوری م ل م ژرفبین و خلاق، و در برابر امپریالیسم و ارتجاع، تسلیم ناپذیر و با اراده ی پولادین بود!

او در طی بیش از سی سال و اندی تحت بدترین شرایط، تجربه ی فروپاشی تقریباً کامل بقایای جنبش چپ، بکام اهریمن (باندهای خون خوار خلق و پرچم وابسته به سوسیال امپریالیسم شوروی سابق (امپریالیسم امریکا، بی وقفه تلاش نمود تا درفش خون چکان جنبش دموکراتیک نوین را که با کشتار رهبر و کدرهای آن جنبش توسط گروهک های آدم خوار خلق و پرچم وابسته به سوسیال امپریالیسم شوروی سابق، بخاک و خون افتاده بود، دوباره باهتزاز درآورد. او این کار را بخوبی انجام داد، گاهی تنها و گاهی با تعداد انگشت شمار رفقای هم رزمش. با فقر و تنهایی زیست در حالیکه تعدادی از رفقای هم رزمش گروه های برجای مانده از جنبش چپ، صحنه ی مبارزه را ترک کردند و سر بر آستان امپریالیسم و ارتجاع ساییدند و به پرازیت های خیره کننده ی دالر، جاه، جلال، قدرت و حکومت های دست نشانده و پوشالی تعظیم کردند، ولی رفیق ضیاء یک تنه در برابر امپریالیسم و ارتجاع ایستاد و بر روشنگری و افشای تسلیم طلبی های چپ وابسته ادامه داد. او در فقر اقتصادی و تنهایی زیست، ولی هرگز تسلیم نشد، یک تنه به

قون، قلعه و قدرت "نه" گفت و مظاهر زر، زور و تذویر را که سلاح امپریالیسم و ارتجاع است، به افشاگری پرداخت. رفیق ضیاء خلا بزرگی را که در جنبش چپ بعد از کشتار جمعی کدرهای آن جنبش توسط باندهای خلق و پرچم وابسته به سوسیال امپریالیسم شوروی سابق در اواخر دهه ی پنجاه و اوایل دهه ی شصت شمسی بوجود آمده بود، بخوبی درک کرد.

ضیا خود یکی از رزمندگان برجسته ی ساما بود، در پرتو علم شکوهمند م ل و اندیشه ی مائو قبل از مائوئیسم، با پوشش و کنکاش عمیق، خطوط انحرافی و تسلیم طلبی های درون ساما را درک کرد و آنجا را رها نموده و به افشاگری پرداخت. (بی مورد نیست که امروز سامایی ها و رهایی های راجستر شده حکومت مستعمراتی، پوشالی و مزدور، علیه رفیق ضیاء زهرپاشی و یاوه گویی می کنند) لازم می دانیم که در این مقطع زمانی در میان کارهای بس بزرگی که رفیق ضیاء انجام داده است، به دو مورد آنها توجه رفقا را معطوف بداریم:

در عرصه ملی :

در اواخر دهه ی شصت و اوایل دهه ی هفتاد شمسی شجاعانه بیرق کمونیستی را در جامعه عقب مانده افغانستان به اهتزاز در آورد و با کمونیست های شرمگین خط فاصل کشید، با تلاش بی وقفه اش " هسته کمونیستهای انقلابی افغانستان " را جهت ایجاد بستر مبارزه شکوهمند طبقاتی و مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع ایجاد کرد، و در روشنی تلاش های پی گیرش مدتی بعد، " هسته ... " به سازمان ارتقا و در تلاش بسوی وحدت تشکیلاتی جنبش چپ، در تکامل خود به حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان انجامید که گامی بی نظیر در آن زمان بود.

بعد از اشغال افغانستان توسط آمریکایی ها و شرکاء که چپ تسلیم طلب و اپورتونیست گروه گروه و دسته خود را در معرض تسلیمی قرار می داد، رفیق ضیا "با قوت و هوش مندی در تدارک "جنگ خلق" برآمد و آنرا تئوریزه کرد، بار دیگر چهره رویونیست ها و اپورتونیست ها

را افشاء نموده و نقدهای ارزشمندی را ارایه داده و در روشنی "مبارزه دو خط" م ل م را از گزند انحراف محافظت کرد.

(۲) در عرصه بین المللی:

یار و یاور خود را از دست دادند، انتظار داریم که کمیته مرکزی، اعضا و هواداران حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان رسالت خود را که همانا پیروی از اهداف و رهنمودها و آثار ارزنده علمی و تشکیلاتی رفیق فقید است بخوبی انجام دهند و انجام دهیم. رفیق ضیاء همیشه با ما است، یاد و خاطراتش را گرامی داشته و راه درخشانش را ادامه دهیم، و چون او در برابر امپریالیسم و ارتجاع، رویزیونیسم، پاسیفیزم و اپورتونیزم بشدت مبارزه کنیم. جاویدان باد خدمات فنا پذیر رفیق ضیاء!

زنده باد م ل م!

زنده باد حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان

نابود باد امپریالیسم و ارتجاع!

واحد حزب کمونیست (مائوئیست)

افغانستان، سویدن

۷ جولای ۲۰۲۰

پیام تسلیت «ا. ر.» از استرالیا

با دریافت خبر فوت ناگهانی و نابهنگام رفیق ضیاء صدر حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان! شدیداً متأثر و غمگین شدم. از این بابت مراتب تسلیت عمیق خود را به خانواده، همسرش، دخترش برادران و سایر همکاران و رفقای حزبی "همرزش" در تمامی سطوح حزبی می‌رسانم. من به ویژه از این بابت شدیداً غمگین هستم که چنانچه رفیق ضیاء را از ما نمی‌گرفت،

در آینده میتوانست طی سالها به صورت روز افزون به طبقه انقلابی و کمونیزم همچنان بیشتر از پیش خدمت کند.

با وجود این، شخصیت و صلابت مبارزاتی او یک منبع الهام انقلابی برای همه ما، نسل ما، زمین ما و زمان باقی خواهد ماند.

بیایم غم و اندوه بزرگ ناشی از درگذشت این رفیق را به انرژی مبارزاتی فعال بدل کنیم و به این طریق یاد و خاطره اش را همچنان زنده نگه داریم.

یادش گرامی و پر رهرو باد.

یکی از هواداران استرالیا "ا. ر."

۲۹ جون ۲۰۲۰

تلاش‌های رفیق ضیاء در جنبش بین‌المللی کمونیستی موثر، برجسته و شکوفا بود. او در تشکیل جنبش انقلابی انترناسیونالیستی (ریم) نقش فعال بازی کرد. رفیق ضیاء در تبلیغ و ترویج "خدمات فناپذیر مائو"، گام‌های موثری برداشت. و علیه انحرافات جنبش بین‌المللی موضوع گیری شفاف و روشن داشت.

یکی از نمونه‌های روشن آن موضع‌گیری ضیاء علیه "ستیز نوین" باب، و خط پسا مارکسیستی-لنینیستی و مائوئیستی حزب کمونیست انقلابی آمریکا است. ضیاء خط حزب کمونیست انقلابی آمریکا را خط رویزیونیستی و گسست از مارکسیسم-لنینیسم-مائوئیسم ارزیابی کرد، بنابر این با سلاح علمی م ل م در مقابله با

خط انحرافی باب برخاست و آنرا به شدت نقد کرد. جوهره‌ی نقد علمی رفیق ضیاء جایگاه عمیق خود را در میان احزاب و سازمان‌های م ل م و جنبش بین‌المللی کمونیستی از شبه جزیره هند تا اروپا و آمریکا پیدا کرد، بدین گونه که احزاب م ل م اروپایی کرارا از موضع روشن حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان به رهبری رفیق ضیاء بعنوان حزب و رهبری پیشگام در سطح بین‌المللی در برابر رویزیونیسم او اکیان و حزب کمونیست انقلابی آمریکا، به افتخار یاد نموده و ادبیات خروشنده، پویا، رزمنده و روشنگر "شعله جاوید" را ادبیات پر خروش و پویا در سطح جهانی به تقدیر و تحسین گرفتند.

در پرتو آن ژرف‌نگری و مواضع اصولی و با درایت رفیق ضیاء است که امروز تمام احزاب و سازمان‌های انترناسیونالیست م ل م، حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان را درفش دار مبارزه با رویزیونیسم می‌شناسند و خدمات ارزشمند و اصولی ایدئولوژیک رفیق ضیاء و حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان را بدیده قدر می‌نگرند و از دست دادن رفیق ضیاء را ضایعه‌ای بزرگ در جنبش بین‌المللی کمونیستی می‌دانند.

بی تردید از دست دادن رفیق ضیاء ضایعه‌ای بس بزرگ در سطح ملی و بین‌المللی است، زحمت‌کشان صمیمی‌ترین و صادق‌ترین

پیام تسلیت «کمونیست‌های

مائوئیست - تونس»

به رفقای ما در حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان

با درودهای انقلابی!

با ابراز تأسف عمیق [از خبر درگذشت رفیق، صدر حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان، ما برای شما و همه فعالین حزب و جنبش بین‌المللی کمونیستی (مائوئیستی)، بخاطر از دست دادن رفیق مبارز، رفیق برجسته ما ضیاء که رهبری مسیر وحدت مائوئیست‌ها در افغانستان [را برعهده داشت] و مبارز ملی، علیه اشغالگران "شوروی" و آمریکا بود، تسلیت می‌فرستیم.

افتخار به رفیق ضیاء

افتخار به کمونیزم

کمونیست‌های مائوئیست تونس

۲۹ جون ۲۰۲۰

بیرق حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان در اهتزاز باد

با تاثر و تاسف عمیق اطلاع یافتیم که رفیق ضیاء صدر حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان در اثر سکته قلبی به عمر ۶۸ سالگی درگذشت. این ضایعه بزرگ را به مرکزیت، اعضای حزب، سازمان‌های م ل م در داخل و خارج از کشور، طبقات زحمتکش به خصوص کارگران و خانواده‌اش تسلیت عرض می‌نمایم.

رفقا:

نقش و شخصیت رفیق ضیاء، طی جریان مبارزاتی‌اش که از دوران استبداد سلطنتی آغاز می‌شود دارای برجستگی‌های فراموش‌ناشدنی می‌باشد. وی در تشکیل ساما (سازمان آزادی بخش مردم افغانستان) سهیم بوده، طی مبارزات اصولی ساما نقش وی براننده بود. بعد از اینکه ساما از مسیر اصولی (توام با اشتباهات) عدول نمود و ساما منحیث یک سازمان تسلیم طلب ملی - طبقاتی عرض اندام کرد، رفیق ضیاء مبارزات خود را علیه خط و مشی تسلیم طلبانه ملی - طبقاتی آغاز نمود و نتیجه این مبارزه حصول و بنیان‌گذاری نهادی به نام «هسته کمونیست‌های انقلابی افغانستان» در سال ۱۳۶۶ گردید، طی دو سال تلاش و مبارزه هسته کمونیست‌های انقلابی به سازمان کمونیست‌های انقلابی افغانستان ارتقاء نمود و کمیته مرکزی، وی را منحیث صدر سازمان انتخاب نمود. رفیق ضیاء و سایر رفقای هم‌رزمش در مسیر تاسیس حزب کمونیست، سعی و تلاش نمودند و در نتیجه‌ی سعی و تلاش مبارزاتی‌شان ایجاد «حزب کمونیست افغانستان» بود که در سال ۱۳۶۹ هـ ش (۱۹۹۰ میلادی) «حزب کمونیست افغانستان» بنیان نهاده شد. رفیق ضیاء دارای تعهد انقلابی و روحیه خدمت به خلق بود، به اساس این معیارات مبارزاتی انقلابی در دوران جوانی مبارزات خود را علیه نظام فرتوت استبداد سلطنتی آغاز نمود، بعد از کودتای ۷ ثور و به تعقیب آن لشکرکشی سوسیال امپریالیزم روسیه و اشغال افغانستان توسط اشغالگران «شوروی»، در پهلوی مسایل ایدئولوژیک به فعالیت‌های نظامی انقلابی، سیاسی ملی - دموکراتیک ادامه داد.

تجاوز عریان و فاشیستی ناتو در راس آن امپریالیزم ایالات

متحده آمریکا در اکتوبر ۲۰۰۱، رفیق ضیاء و حزب کمونیست را واداشت تا با روحیه عالی انقلابی با نشر اعلامیه‌ای علیه اشغالگران امپریالیست ناتویی در راس امپریالیزم اشغالگر آمریکا، خواهان وحدت مائوئیست‌های افغانستان شد و این فراخوان وحدت را «سازمان پیکار برای نجات افغانستان» و «اتحاد انقلابی کارگران افغانستان» لیک گفته که طی پروسه مبارزاتی منجر به وحدت (مارکسیستی-لنینیستی-مائوئیستی) افغانستان میان سه تشکیل انقلابی و ایجاد حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان گردید. با تدویر کنگره وحدت جنبش کمونیستی (مارکسیستی-لنینیستی - مائوئیستی)، حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان تشکیل شد و کمیته مرکزی، رفیق ضیاء را به اتفاق آرا صدر حزب انتخاب نمودند و همچنین در کنگره دوم به اتفاق آرا رهبریت حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان را بدست گرفت و تا آخرین روز حیاتش وظیفه محول شده را به‌وجه احسن انجام داده است.

رفیق ضیاء هیچ‌گاه مردم زحمتکش را تنها نگذاشت و دوشادوش زحمتکشان، همانند زحمتکشان در فقر و تنگ‌دستی زیست نمود. اوصاف یک کمونیست واقعی (مارکسیست - لنینیست - مائوئیست) چنین است.

رفیق ضیاء آرام بخواب! راه تو، مارکسیزم - لنینیزم - مائوئیزم بود، این راه تداوم دارد و ادامه دهندگان، هرگز راهی که تو رفته‌ای را فراموش نمی‌کنند و آن را با تعهد راسخ انقلابی به پیش خواهند برد.

زنده باد مارکسیسم - لنینیسم - مائوئیسم!

بیرق حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان در اهتزاز باد

لطیف

۵ جولای ۲۰۲۰ (۱۵ سرطان ۱۳۹۹)

**یاد و خاطره رفیق ضیا را
همیشه گرامی می‌داریم**

پیام تسلیت حزب کمونیست نیپال (مائوئیست‌های**انقلابی)**

به کمیته مرکزی، حزب کمونیست (مائوئیست)

افغانستان

موضوع: پیام تسلیت

از شنیدن خبر درگذشت رفیق ضیاء صدر حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان که اخیراً به اثر سکنه قلبی بدرود حیات گفت، سخت اندوهگین هستیم. با غم و اندوه فراوان و ادای احترام انقلابی به رفیق ضیاء، مراتب تسلیت عمیق خویش را خدمت کلیه صفوف و منسوبین حزب شما، تمام وابستگان و اعضای خانواده داغ‌دیده رفیق ضیاء تقدیم می‌نماییم.

درگذشت رفیق ضیاء یک حادثه نهایت غم‌انگیز و ضایعه بزرگ برای جنبش بین‌المللی کمونیستی می‌باشد. شما به درستی یادآور شده اید که درگذشت رفیق ضیاء نه تنها یک ضایعه برای کل پرولتاریا و مردم ستم‌کش افغانستان، بلکه در کل به تمام مردم جهان و جنبش بین‌المللی کمونیستی می‌باشد. لیکن، این ضایعه ممکن هر قدر دردناک باشد و هر قدر تاثیر عظیمی بر ما بگذارد، ما باید بر آن غلبه نموده و با پیگیری خستگی‌ناپذیر تمام غم و اندوه را به نیرو تبدیل نموده و میراث انقلابی بجا مانده وی را به آخر رسانیم.

حزب ما مطمئن است که با درک کاملی از مارکسیزم - لنینیزم - مائوئیسم، تعهد و عزم راسخ در رهایی تمام کارگران و مردم ستمکش افغانستان و جهان، حزب شما و مردم انقلابی افغانستان را قادر خواهد ساخت تا برین ضایعه غلبه نموده و انقلاب را از همان نقطه‌ای که رفیق ضیاء ترک کرده است به پیش برید.

با درودهای پرولتاریایی بین‌المللی

کیرن

صدر کمیته مرکزی حزب کمونیست نیپال (مائوئیست‌های انقلابی)

تاریخ: ۲۳ جون ۲۰۲۰

**پیام تسلیت (هواداران حزب کمونیست
مائوئیست) افغانستان، اتریش،
در سوگ رفیق "ضیاء"**

چراغ خانه ما گشت خاموش
ضیاء با خاک شد آخر هم آغوش
رفیق جان برابر، فرد دلسوز
عجل بر جان عاشق شد پیروز
او شمع حزب ما بود، مرد دانا
خردمند و مبارز، پیر برنا
غم و اندوه گرفت روح و روانم
بسوزاند تمام استخوانم
رفیقان عزیز و یاورانش
پریشان اند تمام رهروانش
گران است مرگ وی، آوخ درد!!
چو سنگین هندوکش و کوه بابا!
روانش شعله ور بر کاروان بادا!
چراغ راهنمای رهروان بادا!
همیشه خاطرانش زنده بادا!
نیکونام و بلند، فرخنده بادا!
گرامی باد یادش ای رفیقان!
تلاش و کار و افکارش درخشان
بیا با هم شویم ما از دل و جان
به دور حزب آن سرو خرامان
قوی و متحد باشیم خروشان
به مانند ضیاء دائم فروزان
برای تک تک اعضای فامیل
غمتان کم و دردها باد زایل!
همه با هم شریک درد و رنجیم
سوار کشتی بر امواج سردیم
همین است راه و رسم و آب و دانه
ضیاء شد در دل خاک جاویدانه
ره سرخش خروشان باد دائم!
روانش شاد و حزینش باد قائم!

پیام تسلیت حمید از استرالیا

فراموش کردن هنر می‌خواهد

و من

بی هنرترین انسان عالمم

در فراز و فرود زندگی تجربه به ما می‌آموزد با از دست دادن

بهترین‌هایت بر طبق نیازمندی‌های زمان بهترین‌های دیگر

می‌سازد، اما درین چهار دهه اخیر تاریخ گواه است خلق رنج‌دیده

کشور بهترین فرزندان صدیق اش را در راستای خدمت بخلق و

آزادی کشور از دست داد ولی متأسفانه تا هنوز جایگاه شان خالی

بنظر می‌رسد .

با تاثر و اندوه فراوان، درین روزها آسمان غم‌بار ما یکی از

ستاره‌های درخشان دیگرش را از دست داد و قلب بهترین فرزند

صدیق کشور که بیشتر از چهار دهه بخاطر آزادی کشور و

مردمان در بندش می‌تپید از تپش باز ماند و شاهد مرگ

اندیشمندترین انسان سرزمین خود هستیم که از پرتو دانش و

اندیشه والا و گهربارش بر تمامی تاریکی‌ها، کج اندیشی‌ها و

انحرافات عدیده پرتو افشان گردید و تجلی بخش مسیری شد که

افق سرخ و روشن برای رهروان آزادی بشارت داد و یک‌بار دیگر

امیدها را در دل‌ها زنده نمود و خدمات فنا ناپذیرش برای جنبش

چپ کشور و جنبش بین‌المللی از اهمیت به‌سزای بر خوردار

است .

بدون شک، مرگ رفیق ضیا سنگین‌تر از کوه‌های بابا و هندوکش

است و جایگاه آن انقلابی والا مقام در میان جمع رفقای خالیست

و پر کردن این خلاء بزرگ سعی بلیغ و همت عالی می‌خواهد .

و اینجانب به عنوان یکی از علاقمندان وی، مرگ نا‌بهنگام این

عزیز از دست رفته را به کمیته مرکزی حزب، فامیل عزیزش،

هواداران و دوستانش تسلیت می‌گویم و خودم را درین مصیبت

جانکاه شریک می‌دانم. بیایید غم و اندوه مان‌را به پوتانسیل عظیم

انرژی مبدل نموده و تداوم بخش راهش باشیم که او با مشعل

اندیشه بزرگش روشن کرده است .

یاد و خاطراتش جاودان و گرمی باد و راه سرخش پر رهرو!

خبر درگذشت رفیق ضیاء، صدر و بنیان‌گذار حزب، کمونیست (مائوئیست) افغانستان از طریق سایت شعله جاوید، ارگان نشراتی حزب، همچون زمین لرزه بر جان و روان ما شوکه وارد کرده است و از شنیدن آن عمیقاً در غم و غصه فرو رفته ایم. نمی‌دانیم که درد خود را با چه کلمات و جملاتی بیان کنیم.

با کمال تاثر و تأسف باید گفت که درگذشت وی در حقیقت ضایعه بزرگ و جبران‌ناپذیر برای جنبش کمونیستی، ستم‌دیدگان و استعمارشدگان کشور و جهان می‌باشد. بناً این ضایعه کلان را برای تمام رفقای سطوح رهبری، اعضاء و هواداران حزب، جنبش کمونیستی بین‌المللی و به ویژه تک تک اعضای محترم خانواده آن رفیق تسلیت می‌گوییم و با شما از ته قلب ابراز غم شریکی و هم‌دردی می‌کنیم. یاد و خاطره وی گرمی، روانش شاد و راه سرخش همیشه پر رهرو و خروشان باد!

پرتو فعالیت و مبارزاتش همچون خورشید در همه پیکارهای

انقلابی بالای حزب گسترده و فروزان باد!

بیایید تا غم و اندوه از دست دادن رفیق کبیر و زنده یاد را به توان

مبارزاتی همه‌جانبه ملی - طبقاتی و انقلابی تبدیل کنیم.

هواداران حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان، اتریش»

۲۵

جون ۲۰۲۰

پیام ذیل از طرف هواداران حزب اسد به آدرس شعله جاوید فرستاده شده است.

درگذشت رفیق ضیاء صدر حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان را به کمیته مرکزی و تمامی اعضا و هواداران حزب تسلیت می‌گویم. اگر چه درگذشت رفیق ضیاء بسا اندوه‌ناک است و در دل‌های ما غبار غم می‌نشانند، با کمیته مرکزی حزب هم‌صدا می‌شوم و می‌گویم، غم و اندوه خود را به نیروی مبارزاتی تبدیل کرده و قاطعانه در وحدت و همبستگی حزب تلاش خواهیم کرد و در دور کمیته مرکزی متحد خواهیم ماند . میراث رفیق ضیاء را توشه‌ی راه مبارزه خواهیم کرد .

زنده باد مارکسیسم - لنینیسم - مائوئیسم !

زنده باد حزب پر افتخار کمونیست (مائوئیست) افغانستان !

راه رفیق ضیاء، صدر حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان پر تداوم باد!



۱/۴/۱۳۹۹

رفیق ضیاء به عنوان یک رهبر آگاه طبقه کارگر، نامش در دفتر پیشگامان این طبقه ثبت خواهد شد

با ابراز تأسف، از درگذشت صدر و بنیان‌گذار حزب‌مان رفیق ضیا مطلع شدیم. درگذشت رفیق ضیا، نه فقط برای اعضای و هواداران حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان، بلکه برای کلیه کمونیست‌ها و توده‌های زحمتکش ضربه‌ای سنگین و ضایعه بزرگ است. کمیته محلی شماره ۴ حزب، درگذشت صدر حزب‌مان را برای اعضای کمیته مرکزی، اعضای و هواداران حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان و جنبش مائوئیستی

کشور، اعضای خانواده‌ی رفیق و همه آزادی‌خواهان، کارگران و کلیه زحمتکشان کشور و جهان تسلیت می‌گوید.

هرچند درد از دست دادن صدر حزب ما، درد سنگین است؛ ولی سنگینی این غم و اندوه بزرگ را همان‌طوری که در اطلاعیه «کمیته مرکزی حزب» گفته شده است، باید به «نیروی مبارزاتی» تبدیل کنیم و قاطعانه «وحدت و همبستگی حزب» را حفظ نماییم.

در عرصه پیکار و مبارزه کمونیستی و پرولتری در افغانستان رفیق ضیا، بیش از هر کمونیست دیگر در این راه تلاش نمود. او زندگی پر بارش را وقف مبارزه و انقلاب نمود و بخش مهم از نیرو و توانش را صرف ایجاد و پرورش مهم‌ترین ابزار انقلاب یعنی حزب کمونیست کرد. رفیق ضیا و هم‌زمانش برای ایجاد حزب کمونیست افغانستان و بعداً حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان و سازمان‌های پیشا حزبی، سرسختی، پشتکار و تعهد بی‌مانند از خود نشان داد. بسیاری از رفقای نیمه‌راه توان تحمل طوفان‌ها و

مصایب مبارزه و عضویت حزب را نداشتند و از عرصه مبارزه کنار رفتند. اما رفیق ضیا، بر مصایب و مشکلات زیاد فایز آمد و هرگز احساس خستگی نکرد. او در بیش از چهل سال زندگی حرفه‌ای و مبارزاتی‌اش، در امر انقلاب و مبارزه تلاش نمود و بلاخره در اثر سال‌ها کار توان فرسا و دشوار حرفه‌ی و مخفی نیروی جسمانی‌اش به صورت نسبی به تحلیل رفت. او فرزند نادر خلق و انقلاب بود. در طول دهه پنجاه و اواسط دهه شصت خورشیدی انواع گرایش‌ها و انحرافی بر جریان چپ و کمونیستی افغانستان سلطه داشت و می‌رفت تا شعله برافروخته شده توسط «سازمان جوانان مترقی» در

صدر آن رفیق یاری را زیر «خاکستر

جاوید» مدفون سازد؛ رفیق ضیا و

هم‌زمان‌اش در اواسط دهه شصت

خورشیدی نه تنها نگذاشتند که «شعله

جاوید» زیر خاکستر جاوید مدفون شود،

بلکه شعله برافروخته شده را فروزان‌تر از

گذشته فروزان نمود. او و سایر

هم‌زمان‌اش درفش مستقل پرولتاریایی را

در افغانستان به اهتزاز در آورد و حزب

کمونیست افغانستان را خلاف تمام

کارشکنی‌ها اساس گذاری نمود.

حزب ما، تحت رهبری داهیانه رفیق ضیا، نه تنها قادر به برافراشتن درفش مستقل پرولتاریایی در افغانستان شد، بلکه با سرسختی و مبارزه جدی، علیه انحرافات، بزدلی‌ها، ارتداد و خیانت‌ها از این درفش مستقل پرولتری دفاع نمودند. او با جمع‌بندی تیوریکی عمیق از جریان کمونیستی و چپ کشور، نقش ارزنده و تاریخی رفیق اکرم یاری و «سازمان جوانان مترقی» را مشخص نمود و خصوصیات خطوط انحرافی (سنتریسم، اکونومیسم، پسفیسیم و اپورتونیسم) را همه‌جانبه تحلیل نمود. مبارزات رفیق ضیا، علیه گرایش‌ها و انحرافی و اپورتونیستی و جمع‌بندی آن فقط محدود به

حزب ما، تحت رهبری داهیانه رفیق ضیا،

نه تنها قادر به برافراشتن درفش مستقل

پرولتاریایی در افغانستان شد، بلکه با

سرسختی و مبارزه جدی، علیه انحرافات،

بزدلی‌ها، ارتداد و خیانت‌ها از این درفش

مستقل پرولتری دفاع نمودند.

ټولدرنوملگرو ته سلامونه اودرناوی په بڼه وخت کی وړاندی کوم

په ډیره خواشینۍ سره خبرشوم چی ملگرو صدر ضیاء دافغانستان د کمونیست [مائونیست] گوند رهبر دزړه د سکتی له کبله زمونږڅخه تل لپاره جلا شو روح یی بناد، هغه مثل دی چه وایی سل دی ومره خو دسلو سرداردی مه مره [یوډی مه مره]، مگرداسی و نه شول زمونږڅخه یی د سلو سردار واخیست، هغه مشرپی واخست چی خپل ټول عمر یی د امپریالیزم په وړاندی او طبقاتی مبارزه کی تیر کری وو. یو شاعر وایی منزل دټولو یوډی خو سفر جدا جدا دډیر افسوس خای دادی چه د انقلاب ټول ارمانونه یی دځان سره گور ته یووړ، ملگرو راخی چه مونږ دهغه لار تعقیب کړو او دهغه انقلابی ارمانونه که زمونږ دسر په بیه هم وی باید یو گام شاته نه شو او د ټولو هغو ملگرو چه دانقلاب او پرولتاریا سیاسی قدرت لاس ته راوړلو په لاره کی د امپریالیزم، سوسیال امپریالیزم اودهغودگواکبانولخوا په شهادت رسیدلی او یا په طبیعی مرگ زمونږڅخه دتل لپاره جلا شوی دی، پوره کړو.

ملگری صدر ضیاء اوملگری اکرم یاری دستمکینی طبقی دهوساینی او د پرولتاریا سیاسی قدرت د لاس ته رارولولپاره ډیری هلی ځلی وکړی اودمائونیزم رنایی په افغانستان او نری کی دنورو مائونیستانو سره شریکه کړه، د دی رپرونو په کتو سره د ملگری ضیاء مړینه نه یوازی دهغه کورنی ته بلکه دټولی نری کمونستی غورځنگ لپاره لویه ضایعه ده زه ټولته دزړه له کومی ډاډگیرنه وړاندی کوم.

ملگری صدر ضیاء دنری په کچه یو ستر شخصیت وو. په واقیعت سره ملگری صدر ضیاء مارکسیزم - لنینیزم - مائونیزم ته وفاداره شخصیت وو. ملگری صدر ضیاء هغه شخصیت وو کوم وخت چی په افغانستان کی د شعله یانو په منځ کی ډلی را پیداشوی ملگری اکرم یاری دخپلی ناروغی له کبله ونه شو کرای چه خپلی مبارزی ته په دوامداره ډول هغسی چه لازم وو ادامه ورکړی. هغه خلگو چی دمارکسیزم - لنینیزم - مائونیزم ترپوښ لاندی په ډیر مهارت سره سازمان ته را دننه شوی وه دموقع څخه په گټی اخیستو سره سازمان یی ټوټی ټوټی کړ. ټو لو سیاسی دښمنانو به ویل هغه ډیموکراتیک جریان چه د شعله یانو په نوم یادیده نور شتون نلری، هغوی خاوری ایری شول ځکه چه اکثره ملگری یی دخلق اوپرچم او اخوان المسلمین دسوسیال امپریالیزم اودامپریالیزم دگواکبانو په لاس وکړول شول اوبیا په شهادت ورسیدل. مگر خبر نه وه چه تراپرو لاندی یوه د اور څپرغی لا هم ځلیری هغه څپرغی په لمبه بدله شوه او دځان سره یی یو قهریدلی انقلابی طبقاتی مبارز ملگری صدر ضیاء راوستلو.

ملگری صدر ضیاء ۱۳۶۶ المریز کال کی دخپلی سیاسی مبارزی او تجربو پر بنسټ وکولای شو چه په افغانستان کی دافغانستان کمونیست گوند بنسټ کیردی. ملگری صدر ضیاء دملگری اکرم یاری په لاره کی دنورو

داخل کشور نمی شد، او در افشای خطوط انحرافی و دفاع از خط پرولتاری در سطح بین المللی سهم فعال گرفت و در تعالی و ارتقای خط مائونیستی در جنبش انترناسیونالیستی نقش مؤثر داشت.

حزب ما، تحت رهبری رفیق ضیا با جمع بندی تیوریکي از جنبش کمونیستی و چپ افغانستان به گسست تاریخی دست زد.

شاخص های این گسست عرصه های بسیار را شامل می شوند: حزب پرولتاری، استراتژی مبارزاتی، انترناسیونالیسم پرولتاری، تحلیل

طبقاتی جامعه افغانستان و تعیین تضاد عمده جامعه و تفکیک آن با تضاد اساسی، تعریف مشخص از تضادهای اجتماعی (ستم برزنان و ستم ملی) و فعالیت های مستقل پرولتاری از آن جمله اند.

رفقا! در این شرایط دشوار کرونایی که توده های مردم به مشکلات بسیار بزرگ مواجه اند، بهترین گرامی داشت از صدر حزب مان این

است که در کنار توده ها باشیم، وحدت و همبستگی حزبی مان را حفظ کنیم، جای خالی و فقدان او را در رهبری حزب جبران کنیم،

از خط اصول مائونیستی حزب دفاع کنیم و مبارزه مان در راه کسب استقلال و آزادی مملکت و اخراج نیروهای اشغالگر از کشور و

بالاخره مبارزه مان را برای ایجاد جامعه فارغ از هرگونه ستم، استثمار و نابرابری ادامه دهیم. این است آرزو و آرمان رفیق ضیا.

آرمان رفیق ضیا آرمان ماست. ما با جان و دل از این آرمان والایی انسانی و کمونیستی حراست و پاسداری می کنیم.

یاد و خاطره رفیق «ضیاء»، صدر و بنیانگذار حزب ما همیشه در

دل های مان زنده است!

زنده باد رفیق ضیا

زنده باد حزب پر افتخار ما

زنده باد مارکسیسم - لنینیسم - مائونیسم

واحد تشکیلاتی پایه یی شماره ۴ حزب کمونیست (مائونیست)

افغانستان

۵ سرطان ۱۳۹۹

پیام تسلیت از طرف اکرم

باتأسف فراوان!

جنبش کمونیستی کشوریکی از پیشگامان صدیق، پیگیر و خستگی ناپذیرش را از دست داد.

رفیق ضیا صدرحزب کمونیست (مارکسیست-لنینیست-مائوئیست) افغانستان از دیر باز بدینسو پرچم پر افتخار سازمان جوانان مترقی را بر افراشته نگهداشته و خط سرخ بنیان گذار آن، زنده یاد اکرم یاری را ادامه داده و پاسبانی مینمود. وی با نشانی نمودن کمبودات و اشتباهات خط سرخ سازمان جوانان مترقی آنرا فعالانه بطوراصولی و پیگیر میان توده ها تبلیغ و ترویج مینمود.

رفیق ضیا این خط را بطور کمی و کیفی بسط و ارتقاء داده، در پرتو آن حزب کمونیست افغانستان را تأسیس و بمثابه حزب پیشآهنگ پرولتاریا در خدمت برپایی و پیشبرد مبارزه طبقاتی در کشور قرار داد. رفیق یک مارکسیست-لنینیست-مائوئیست صدیق و یک انقلابی استوار و پیگیربود. درگذشت نابهنگام وی بدون شک ضایعه جبران ناپذیرست برای جنبش کمونیستی کشور و جهان.

بیانید یاد و خاطرات رفیق ضیا را با تداوم راه انقلابی شان گرامی

داشته، جاویدانه سازیم.

گرامی باد یاد و خاطرات رفیق ضیا

زنده باد مارکسیسم-لنینیسم-مائوئیسم

۲۱ جون ۲۰۲۰

مائوئیستانو سره اوږه په اوږه دمبارزی په ډگرکی ټینگ او نه په شا کیدونکی ولاړ شخصیت وو. په ډیرو ستونزمنو شرایطو کی دمارکسیزم - لنینیزم- مائوئیزم څخه دفاع کوله. ملگری صدر ضیاء په نړیواله کچه پرولتاری مبارزو کی تلپاتی اتل دی. ملگری صدر ضیاء به تل کوبښن کاوه چی د تیروتنوڅخه ځان وژغوری او ټولوملگرو ته بی همدا سپارښتنه وه چی په کارونو کی باید د غور څخه کار واخستل شی او څه چی په خوله وایی باید هغه په عمل کی ثابت کری. که چیری یو ډاکتر اشتباه وکری نو یو انسان لمنځه ځی مگر که یو سیاست مدار یا یو رهبر تیروتنه وکری ټول اولس د بدبختی خواته ته وری. نو پدی اساس ملگری صدر ضیاء ټولی نړی پرولتاریاوو ته هم داپیغام ووچی د تیروتنوڅخه لری هرکار ته دعمل جامه په غاړه کری چه یوگام پر مخ او دوه گامه مخ په شا و لاړشی.

ملگری صدر ضیاء داسی یو سرسخته مبارز وو چی په ډیرو سختو شرایطو کی یی وکولای شو په افغانستان کی دافغانستان کمونیست (مائوئیست) گوندد مارکسیستی - لنینیستی - مائوئیستی ایدیالوژی نه په کار اخیستو سره د کمونیستی مائوئیستی خط لاندی دکمونیستی گوند بنسټ کینود. دایوازیني زړه ور او شجاع شخصیت وو چه دمارکسیزم - لنینیزم - مائوئیزم بیرغ یی په سنتی ټولنه کی اوچت کری، چه نورو اکثره کمونیستی جریانونو اودیموکراتانو ددیموکرات اویداسلام لکی تر شاپوری نرلی فعالیت کول چی داهم دمارکسیزم - لنینیزم - مائوئیزم سره خیانت او جفا ده مگر یوازیني کمونیستی گوند چه اسلامی لکی نه لری هغه دافغانستان کمونیست گوند دی چی دملگری صدر ضیاء له خواپه ۱۹۸۷ میلادی کال کی بنسټ کینودل شو اوپه ۱۹۹۰ میلادی کال کی په لوړ مقام اوپه علمی ایدیالوژی په نړی کی ومنل شو

ژوندی دی وی افغانستان

ژوندی دی وی دافغانستان کمونیست مائوئیست گوند،

ژوندی دی وی دنړی پرولتاریا اوکار گاران

زما شعار طبقاتی دی زه مبین په انقلاب یم

زمامبارزه طبقاتی ده دفیوډال په سر سیلاب یم

ډکاناداڅخه دافغانستان کمونیست (مائوئیست) گوند هوادار

م-ع-ر

به حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان پیوندید

راه رفیق ضیاء صدر حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان پرتداوم باد

رفیق ضیاء! نام جاودان، اندیشه ماندگار در خاطره‌ها

با تاثر و تاسف فراوان اطلاع حاصل نمودم اینکه: رفیق ضیا صدر حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان در اثر ایست قلبی به سن ۶۸ سالگی بدرود حیات گفته است. مرگ رفیق ضیا، ضایعه بس بزرگ و جبران ناپذیر است برای کمیته مرکزی حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان، اعضا و هواداران حزب، پرولتاریا و زحمتکشان افغانستان و جهان، سازمان‌ها و احزاب کمونیستی مائوئیستی جهان و مشمولین جنبش بین‌المللی کمونیستی. رفیق ضیا از ایام جوانی با تعهد و صداقت، مبارزات انقلابی‌اش را در سیاه‌ترین و غم‌انگیزترین عصر (تجاوز سوسیال امپریالیستی روسیه، ارتجاع و تجاوز امپریالیزم لجام گسیخته جهانی به رهبری آمریکا) آغاز نمود و ندای آزادی، برابری و مقاومت ملی مردمی را بلند نمود و در خوفناک‌ترین شرایط، حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان که یک ضرورت تاریخی و مبارزاتی بود تاسیس نمود.

هرچند نبود رفیق ضیا سخت مایه اندوه ماست. اما میراث ارزشمند ایشان (آثار، نوشته‌ها، تجارب و اندوخته‌های ایشان و نیز صداقت، تلاش و تعهد ایشان به خط رفیق اکرم یاری) همیشه راهنمای راه ما خواهد بود.

من به نوبه خودم، به خدمات ارزشمند رفیق ضیا صدر حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان ارج گذاشته و تسلیت عمیق‌ام را به کمیته مرکزی حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان، اعضا و هواداران حزب، پرولتاریای این کشور و جهان، سایر احزاب و سازمان‌های کمونیستی مائوئیستی کشورهای جهان و مشمولین جنبش بین‌المللی کمونیستی (مارکسیزم - لنینیسم - مائوئیسم) و خصوصاً به خانواده رفیق ضیاء و رفقای نزدیک ایشان ابراز میدارم. پرتداوم باد راه و یاد رفیق ضیا صدر حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان

شمعی پراز صفا و پراز سادگی ضیاء

آج بهترین نمونی ایستادگی ضیاء

تہا مرام و مقصد او انقلاب بود

بروش داشت بیرق آزادی ضیاء

(شعر از رفیق صمصام)

کمیته منطقی شماره اول حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان، مراتب عمیق تسلیت و هم‌دردی خویش را به مناسبت درگذشت رفیق ضیاء صدر حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان، به رفقای کمیته مرکزی، اعضا، داوطلبان عضویت و هواداران حزب و به سازمان‌های مائوئیستی در داخل و خارج از کشور، به احزاب و سازمان‌های مارکسیست - لنینیست - مائوئیست سایر کشورهای جهان، به دوستان و یاران نزدیک وی، خانواده محترم زنده یاد رفیق ضیاء، تقدیم نموده، در غم و اندوه رفقا خود را شریک می‌داند. مرگ نابه‌هنگام رفیق ضیاء یک ضایعه بزرگ بوده که در شرایط کنونی کشور که امپریالیست‌های غدار به رهبری امپریالیزم لجام گسیخته آمریکا دمار از روزگار مردم در آورده و کشور مستعمره - نیمه فئودال - نیمه مستعمره - نیمه فئودال افغانستان را به گرداب تلاطم جنگ‌های تجاوز کارانه، غارت گرانه و خانمانسوز مبدل ساخته‌اند، درگذشت رفیق ضیاء غیر قابل‌سنجش است. کمبودی و ضرورت زنده یاد رفیق ضیاء صدر حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان را با گوشت و پوست خود احساس می‌کنیم.

رفقا! نقش و شخصیت رفیق ضیاء در طی سی و سه سال گذشته، از بنیان‌گذاری "هسته کمونیست‌ها" تا درگذشت وی، به وضاحت نشان می‌دهد که چقدر با اهمیت و چقدر با ارزش برای جنبش کمونیستی (مارکسیستی - لنینیستی - مائوئیستی) بوده است. بیاید، غم از دست دادن زنده یاد رفیق ضیاء را به نیروی مبارزاتی بدل نموده و مبارزات مان را در مسیر تدارک برای برپایی و پیشبرد جنگ مقاومت ملی مردمی و انقلابی علیه اشغالگران امپریالیست و خائنین ملی دست نشانده و اشغالگران مرتجع داعشی قاطع تر و وسیع تر سازیم.

بیاید، همان طوری که تا الحال دور کمیته مرکزی خویش متحدانه پیش رفته ایم، همچنان ثابت قدم و متحد بمانیم و ادامه دهنده راه رفیق ضیاء تا سرمنزل مقصود باشیم.

همچنان، فعالیت‌های مبارزاتی خویش را هرچه بیشتر، جدی تر، قاطع تر و وسیع تر ساخته، تا باشد با جمعی از رفقا بتوانیم کارهای نیمه تمام رفیق ضیاء را تکمیل نماییم. ما اعضای کمیته منطقی شماره اول حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان، به کمیته مرکزی حزب، تعهد می‌سپاریم و تجدید پیمان می‌کنیم که فعالیت‌های مبارزاتی خویش را، هرچه بیشتر، جدی تر،

قاطع تر و وسیع تر سازیم و درین مسیر بالنده به پیش می‌رویم و راه زنده یاد رفیق ضیاء را ادامه می‌دهیم.

ما به کمیته مرکزی حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان باورمندیم که رفقای کمیته مرکزی استحکام تشکیلاتی حزب را با درایت هرچه بیشتر مد نظر گرفته و رهبری حزب را با قاطعیت و اصولیت تمام به پیش هدایت می‌کنند.

ما به کمیته مرکزی حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان باور کامل داریم که راه رفیق ضیاء را تکامل می‌دهند و به سر منزل مقصود می‌رسانند.

با اتکاء به کمیته مرکزی حزب، کمیته منطقی شماره اول حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان در اجرای تمامی وظایف محوله

کوشش و تقلا می‌کند و حد اعظمی تلاش خویش را به خرج می‌دهد تا درفش رزمنده حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان در اهتزاز بماند.

ما برای تربیت نسل نوین بر محور ایدئولوژی رهائی بخش (مارکسیزم - لنینیسم - مائوئیسم) نهایت تلاش خویش را به خرج می‌دهیم تا خون تازه در رگ‌های حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان جاری شود و درفش وحدت دهنده حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان بتواند در آینده‌ای نه چندان دور تمامی مائوئیست‌های افغانستان را تحت یک چتر جمع نموده و با اتحاد و یکپارچگی قاطعانه بتوانند خرمن هستی امپریالیست‌های غدار و خون آشام را به آتش کشند!

ما از تمامی رهروان جنبش کمونیستی مارکسیستی - لنینیستی - مائوئیستی و جنبش دموکراتیک نوین افغانستان (جریان شعله جاوید) تمنا داریم که در مسیر مبارزاتی نیاکان مان، پدران مان، فرزندان و اقارب جان باخته مان وفادارانه حرکت کنند و اگر توان و استطاعت این کار را ندارند حداقل خون جان‌باختگان را وجه المصالحة سازش و تبانی با دشمنان کشور و مردم کشور، به ویژه دشمنان عمده، قرار ندهند تا خواسته

و یا ناخواسته به پای منافع اشغالگران دشمنان عمده قربانی نگردند. کمیته منطقی شماره اول حزب از تمامی اعضا، داوطلبان عضویت و هواداران حزبی در منطقه شماره اول صمیمانه تقاضا می‌کند که غم از دست دادن زنده یاد رفیق ضیاء هرچند سنگین و غیر قابل باور است، اما مبارزات مان را در مسیر تدارک برای برپایی و پیشبرد جنگ مقاومت ملی مردمی و انقلابی، به پاس خدمات ارزنده صدر حزب، به پاس جنبش مارکسیستی - لنینیستی - مائوئیستی و به پاس خون جان‌باختگان، جدی تر و وسیع تر سازید! تقاضای صمیمانه ما از تمامی رفقا و هواداران حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان، در خارج از کشور این است که باید مبارزات حزب در داخل کشور را به پاس خدمات ارزنده صدر

رفیق ضیا از ایام جوانی با تعهد و صداقت، مبارزات انقلابی اش را در سیاه‌ترین و غم‌انگیزترین عصر (تجاوز سوسیال امپریالیستی روسیه، ارتجاع و تجاوز امپریالیسم لجام گسیخته جهانی به رهبری آمریکا) آغاز نمود و ندای آزادی، برابری و مقاومت ملی مردمی را بلند نمود و در خوفناک‌ترین شرایط، حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان که یک ضرورت تاریخی و مبارزاتی بود تاسیس نمود.

پیام تسلیت، کمیته شماره (۳)

اطلاعیه کمیته مرکزی حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان که از درگذشت رفیق ضیاء صدر کمیته مرکزی حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان خبر می‌داد ما را شوکه کرده و سخت در غم و اندوه فرو برد. این خبر برای تمامی رفقا تکان دهنده و غیر قابل باور بود. ما رهبر و آموزگار خویش را از دست دادیم. انقلابیون، پرولتاریا و توده‌های زحمتکش افغانستان یکی از راسخ‌ترین، استوارترین و متعهدترین رهبر خویش را از دست دادند.

با جمع شدن رفقا در جلسه لحظات طولانی بود. هیچ یک از رفقا باور نمی‌کردند و یا هم شاید کلماتی را که به خاطر بیان غم و اندوه‌شان می‌خواستند بیان کنند نمی‌یافتند. هیچ کسی را توانایی حرف زدن نبود.

با شروع جلسه از رفقا خواسته شد تا به احترام درگذشت رفیق ضیا صدر حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان به پا خیزند و سه دقیقه سکوت اختیار نمایند. بعدا اطلاعیه کمیته مرکزی حزب کمونیست (مائوئیست) توسط یکی از رفقا به خوانش گرفته شد، اما رفیق اطلاعیه را تا پایان خوانده نتوانست گلوش گرفته شد و صدایش گیر کرد. رفیق دیگری آن را به اتمام رساند. رفقا هر یک به نوبت صحبت‌های مختصری داشتند و تعهدشان را به خاطر ادامه راه ترسیم شده توسط رفیق ضیا و هیئات رهبری حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان اعلام نمودند.

کمیته منطقوی شماره (۳) این ضایعه جبران ناپذیر را به کمیته مرکزی، اعضا و هواداران حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان، سایر مائوئیست‌های افغانستان، پرولتاریا و خلق‌های زحمت‌کش کشور، مائوئیست‌های سراسر جهان و اعضای خانواده و نزدیکان رفیق تسلیت گفته و در این غم و اندوه خود را با کمیته مرکزی، اعضا و هواداران حزب، سایر مائوئیست‌های کشور، پرولتاریا و خلق‌های زحمت‌کش کشور و مائوئیست‌های جهان و خصوصا با اعضای خانواده رفیق ضیا شریک می‌داند.

یقینا، درگذشت رفیق ضیا صدر حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان نه تنها برای حزب کمونیست، مائوئیست‌های کشور، پرولتاریا و خلق‌های زحمت‌کش کشور یک ضایعه جبران ناپذیر است بلکه یک ضایعه در سطح بین‌المللی است که پرنمودن جای او تا مدت‌ها بسیار مشکل خواهد بود.

حزب، به پاس جنبش مارکسیستی - لنینیستی - مائوئیستی و به پاس خون جان‌باختگان ما، جدی‌تر و قاطعانه‌تر و بیشتر از قبل در سطح بین‌المللی تبلیغ کنند و وظایف حمایتی پشت جبهه‌یی خویش را از کمیته مرکزی حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان همچنان حفظ نموده و شگوف‌سازند.

رفقای ما با فعالیت‌های برون مرزی‌شان می‌توانند به غداران جهان و مشاطه‌گران سیاسی آنها، نشان دهند که زنده یاد رفیق ضیاء یگانه رهبری بود که درفش جنبش کمونیستی (مارکسیستی - لنینیستی - مائوئیستی) و درفش جنبش دموکراتیک نوین در افغانستان را با جرات و شجاعت، با پایداری و متانت به اهتزاز نگه داشت و راه رفیق اکرم یاری را ادامه داده و خط درست و اصولی را تکامل بخشید.

زنده یاد رفیق ضیاء نسبت به رفقای هم‌زم‌اش در صداقت، دوستی و صمیمت، بی‌نظیر بود. وی شرافت‌مندانه زیست و با تعهد مارکسیستی - لنینیستی - مائوئیستی بدرود حیات گفت.

زنده یاد رفیق ضیاء هیچ‌گاه مردم را تنها نگذاشت و در بدترین اوضاع و شرایط، بدترین حالات، نازل‌ترین و کم‌ترین امکانات، زندگی با توده‌ها را اختیار کرده بود، در حالی که می‌توانست همانند هزاران مهاجر دیگر دنبال زندگی مرفه خارج کشوری باشد ولی او یک مارکسیست - لنینیست - مائوئیست واقعی بود و زندگی فقیرانه و در میان توده‌ها بودن را ترجیح داد.

رفیق ضیاء! نام جاویدان، اندیشه‌ماندگار در خاطره‌های ماست!

یاد رفیق ضیاء را گرامی می‌داریم!

راه رفیق ضیاء را وسیع‌تر، جدی‌تر و قاطعانه‌تر ادامه می‌دهیم!

کمیته منطقوی شماره اول حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان به رفیق ضیاء صدر حزب، درود سرخ و انقلابی می‌فرستد!

با دروهای گرم رفیقانه به تمامی رفقای کمیته مرکزی حزب به پیش در راه تدارک برای برپایی و پیشبرد جنگ مقاومت ملی مردمی و انقلابی

زنده باد مارکسیزم - لنینیزم - مائوئیزم!

زنده باد حزب کمونیست "مائوئیست" افغانستان

کمیته منطقوی شماره اول

۱۰ سرطان ۱۳۹۹

او در طول دوران حیات مبارزاتی‌اش در تلاش این بود تا وحدت مائوئیست‌های کشور تامین شود، در این راه از هیچ‌گونه تلاشی دریغ نورزید و با تاسیس حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان این وحدت قسماً تامین شد. اما تعدادی از مائوئیست‌های کشور هنوز مبارزات‌شان را به طور جداگانه پیش می‌برند. طوری که مشاهده می‌شود اختلافات جدی وجود ندارد و اختلافات موجود قابل حل است. این اختلافات بخشی از مبارزه دو خط است که به طور مداوم در درون یک خط فکری و حزب موجود می‌باشد. مبارزه دو خط باعث استحکام ایدئولوژیک - سیاسی و تشکیلاتی می‌گردد. حزب ما همان طوری که در گذشته پرچم‌دار وحدت بین مائوئیست‌های کشور بود اکنون نیز ما این وحدت را یکی از اولویت کاری خویش می‌دانیم.

رفیق ضیا به همان اندازه که به وحدت اصولی مائوئیست‌های کشور اهمیت قابل بود به همان اندازه برای وحدت اصولی جنبش کمونیستی بین‌المللی و ایجاد یک تشکیل بین‌المللی اهمیت می‌داد. او بعد از فروپاشی (جاا) برای رسیدن به یک وحدت اصولی احزاب و سازمان‌های کمونیستی بین‌المللی و ایجاد یک تشکیل بین‌المللی کمونیستی نوین نقش پیش‌تاز داشت. چنانچه حزب کمونیست ترکیه مارکسیست - لنینیست در پیام تسلیت خویش عنوانی کمیته مرکزی حزب ما چنین مینویسد: «از دست دادن غم‌انگیز چنین رفیقی که نقش برجسته و پیش‌رو در رهبری و تکامل حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان داشته را درک می‌کنیم و ما همچنان از تلاش‌های حزب شما و نقش رهبری کننده رفیق ضیا در پیش‌برد روابط بین‌المللی بین احزاب انقلابی و کمونیستی و به پیش‌راندن اترانسینوالیزم پرولتری قدردانی می‌کنیم. (تاکید از ما است)

رفقا، ما در شرایط چالش برانگیزترین دوران تاریخ جنبش بین‌المللی کمونیستی و مبارزات طبقاتی در هر کشور قرار داریم. وظیفه فوری ما، دست‌یابی به وحدت اصولی میان نیروها و سازمان‌های پرولتری در سطح بین‌المللی می‌باشد. این امر تنها با غلبه بر رویونیسم و اپورتونیزم ممکن می‌باشد، که بدون آن، سرانجام، در مبارزه مشترک ما دست یافتن به شکست و تارومار کردن امپریالیسم ناممکن است. جنبش بین‌المللی کمونیستی و پرولتاریای سراسر جهان، برای به انجام رسانیدن چنین وظایفی در کنار خود به رفقای

هم چون رفیق ضیا نیاز دارند. (تاکید از ماست) به هر حال، با وجود از دست دادن غم‌انگیز وی، ما اطمینان کامل داریم که رفقای دیگر نقش وی را برعهده گرفته و به حمایت از میراث انقلابی رفیق ضیا این راه را ادامه خواهند داد." بله رفقا!

رفیق ضیا از لحاظ فزیکتی در بین ما نیست، اما میراث به جامانده از او مشعل راه رهروان او است. ما به خودمان باور داریم و مهمتر از همه به اعضای کمیته مرکزی، کادرها، اعضا و صفوف حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان باور و اعتماد کامل داریم که در مسیر ترسیم شده هر چه استوارتر به پیش خواهیم رفت. درست است که در مسیر ترسیم شده خط و مشی حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان رفیق ضیا نقش رهبری کننده و تعیین کننده داشته است ولی تمامی اعضای رهبری حزب دوشادوش رفیق در ترسیم این خط و مشی نقش داشته‌اند، سعی و تلاش نموده، شامل بوده و در تکمیل شدن آن موثر بوده‌اند. ما به کار جمعی باورمند هستیم. ما به رفقای مان به این جمع متعهد باورمندیم. ما دست بدست هم داده، متحد و یکپارچه با الهام‌گیری از خط و مشی ترسیم شده توسط رفیق ضیا در حزب ما به پیش می‌رویم. رفیق ضیا رسالتش را ادا کرد، تا آخرین لحظات حیاتش مبارزه نمود. در گذشت نابهنگام رفیق ضیا، رفقا، خانواده و دوستانش را در غم و اندوه بی‌پایان نشانند و مسئولیت عظیم و سترگ را به دوش همه ما گذاشت. تا همین جا بود وظیفه، رسالت و مسئولیت او. از این به بعد این مسئولیت سنگین به عهده ماست. این مسئولیت بسیار سنگین است، اما اگر ما دست به دست داده و متحدانه به پیش برویم این بیرق به زمین نخواهد افتاد و به انحراف کشانده نخواهد شد. رفیق ضیا بیرق را که در دهه ۴۰ به اهتزاز در آمده بود و خط مشی را که توسط زنده یاد رفیق اکرم "یاری" پایه‌گذاری شده بود، همراه با رفقای حزبی‌اش برافراشته تر نگهداشته و بیش‌تر از پیش تکامل داد. خط و مشی پایه‌گذاری شده را که در زیر آواری از انحرافات، اپورتونیزم، لیبرالیسم و رویونیسم گیرمانده و کمرش خم شده بود از زیر آوار انحرافات بیرون کشیده، صیقل داد، روشن‌تر ساخت و تکاملش داد به همین دلیل توله‌سگان و شغالان جیره‌خوار امپریالیسم و ارتجاع زوزه می‌کشند، به رقص و پایکوبی می‌پردازند مرگ او را جشن می‌گیرند. در صفحات مجازی به

به مناسبت مرگ رفیق ضیا صدر حزب کمونیست (مائویست) افغانستان

روزیکشنبه یکم سرطان ۱۳۹۹ هجری - شمسی مطابق با ۲۱ ام ماه
جون ۲۰۲۰ میلادی اطلاع یافتیم که رفیق ضیا بنیانگذار و رهبر
حزب کمونیست (مائویست) افغانستان دیگر در میان ما نیست.
این خبر جان‌گداز مائویست‌های افغانستان را در غم و اندوه عمیقی
فرو برده است.
مائویست‌های افغانستان علیرغم اختلافات ایدئولوژیک - سیاسی با
حزب کمونیست (مائویست) افغانستان مرگ رفیق ضیا این
کمونیست پرشور و انقلابی را به کمیته مرکزی و تمام صفوف و
هواداران حزب کمونیست (مائویست) افغانستان در داخل و خارج
از کشور و همه کمونیست‌های واقعی دنیا صمیمانه تسلیت میگویند.
ما خود را به تمام معنی شریک ماتم و اندوه حزب کمونیست
(مائویست) افغانستان و همچنین تمام اعضای خانواده و اقارب
دور و نزدیک رفیق ضیا میدانیم. مرگ رفیق ضیا یک ضایعه عظیم
برای حزب کمونیست (مائویست) افغانستان، جنبش کمونیستی
کشور و آرمان خلق آزادیخواه ما بحساب میرود. پرولتاریای
جهان و خلق تحت استثمار و ستم افغانستان یکی از بهترین
رهبران معاصر خود را از دست داده است.
زندگی رفیق ضیا مملو از فراز و فرودهای سیاسی بود. او قبل
از آنکه به مارکسیزم - لنینیسم - مائویزم دست یابد و به یک
کمونیست انقلابی تبدیل شود ایده‌ها و تئوری‌های را که مدعی‌اند
زنجیرهای اسارت خلق را از هم می‌گسلند، در بوته آزمایش
گذاشت. زمانی تصور میکرد که با مخلوطی از افکار اسلامی و
عدالت اجتماعی مارکسیستی بگونه‌ای که مجاهدین خلق ایران و
افغانستان آنرا تداعی میکنند، میتوان به رنج‌ها و سیه‌روزی‌های
خلق پایان داد. اما بزودی دریافت که نقاط و دوالیزم حتی نمیتواند
یک جامعه شبه آزاد را بیافریند چه رسد به آنکه جامعه بدون

شخصیت او لجن پراگنی می‌کنند، فکر می‌کنند با مرگ رفیق ضیا
خط و مشی ترسیم شده توسط وی نیز می‌میرد. غافل از اینکه این
خط و مشی صدای میلیون‌ها انسان پا برهنه و زحمت‌کش افغانستان
و جهان است که هرگز خاموش نمی‌شود و نقش پیش‌تاز رفیق ضیا
در جنبش نوین کمونیستی همیشه زنده و جاودانه خواهد ماند.
رفقا!

"در شرایط کنونی و بعد از امضای «موافقت‌نامه صلح
میان طالبان و ایالات متحده آمریکا» و در واقع موافقت ضمنی
طالبان با «توافق‌نامه امنیتی میان رژیم و آمریکا» عین وضعیت در
افغانستان تکرار خواهد شد که برای رهایی از آن یک‌بار دیگر
جنگ استرداد استقلال افغانستان از اس‌تعمارگران پست
مدرنیستی امپریالیزم آمریکا، ضرورت خواهد افتاد. قدر مسلم است
که در شرایط کنونی اقتصادی، سیاسی و اجتماعی افغانستان، که
طبق شرایط مستعمراتی تقریباً دو دهه گذشته شکل داده شده است،
نه تنها رژیم دست‌نشانده کنونی بل که رژیم دست‌نشانده پسا توافق
(حکومت اسلامی پسا توافق مشترک میان طالبان یا بخش‌هایی از
آن و رژیم دست‌نشانده کنونی یا بخش‌هایی از آن)، نیز ناچار
خواهد بود که خواهان ادامه توافق‌نامه امنیتی مذکور یا تمدید آن
بعد از سال ۲۰۲۴ گردد." (نقل از شعله جاوید شماره ۲۴)
رفقا!

ما اطمینان کامل داریم که حزب ما در اثر سال‌ها مبارزات و
زحمات خستگی‌ناپذیر رفیق ضیا و تمامی رفقای رهبری حزب از
استحکام ایدئولوژیک - سیاسی و تشکیلاتی لازمه برخوردار
است. حال ما چگونه آنرا متداوم نگه داشته و از آن پاسداری
خواهیم کرد؟ همانطوری که ما به قضاوت گذشته جنبش
کمونیستی کشور و جریان دموکراتیک نوین نشستیم نسل آینده
نسبت به ما به قضاوت خواهد نشست.

زنده و جاویدان باد نام رفیق ضیا

زنده باد مارکسیزم - لنینیسم - مائویزم

زنده باد حزب کمونیست (مائویست) افغانستان

کمیته شماره (۳) ۳ / ۴ / ۱۳۹۹

استثمار و ستم را به وجود آورد. او در سال ۱۳۵۸ با یک‌عمده از روشنفکران دیگر مانند زنده یاد قاضی ضیا، زنده یاد نادرعلی پویا، زنده یاد انجنیر محمد علی .. و غیره در تاسیس سازمان آزادیبخش مردم افغانستان (ساما) با زنده یاد مجید کلکانی نقش گرفت. بعد از تاسیس ساما، بعنوان مسئول بخش غرjestان به منطقه رفت و در جنگ علیه رژیم کودتا نقش فعال گرفت. بعد از تجاوز و اشغال افغانستان بواسطه سوسیال - امپریالیزم شوروی، او همه هست و بودش، منجمله زندگی پدر و مادر، برادران و خانواده، خویشاوندان دور و نزدیک، دوستان و رفقاییش را بر میز آزادی میهن و استقلال ملی و شعار "یا مرگ یا آزادی" گذاشت. بارها نه تنها در زیر آتش مسلسل ارتش اشغالگر و احزاب اسلامی قرار گرفت بلکه مرگ را در اسارتگاه حزب اسلامی گلبدین به مبارزه طلبید و شکست داد. اما دیری نگذشت که خنجر رهبری ساما را بر پشتش احساس کرد و اطلاع یافت که دستگاه رهبری به دشمن ملی و طبقاتی تسلیم شده و شرف و عزت مردم افغانستان را در قدم "خاد" و "کا. جی. بی" ریخته است. او راه مبارزه با تسلیم طلبی را در پیش گرفت و رهبری تسلیم طلب را که مدعی بود "دشمن همیشه برتری هوایی اش را حفظ میکند" و به این لحاظ راه دیگری جز تسلیم شدن نیست، به مبارزه طلبید. بعد از کنفرانس دوم غرjestان و مشاهده عزم راسخ رفیق ضیا برای پیشبرد خط مقاومت، عبدالقیوم رهبر او را به اروپا فرستاد تا فرصتی برای بالا کشیدن سامائی‌های "بی مصرف" غرjestان پیدا کرده و پشت ضیا را از غرjestان خالی سازد. و شاید هم ضیا در اروپا "پناهندگی" بخواهد و هرگز به افغانستان برنگردد و مشکل تسلیم شدن ساما بیغل و غش زیر خاک شود. اما رفیق ضیا نه پناهندگی خواست و نه در خمره ویسکی و ودکا غرق شد. او با استفاده از این فرصت با مشکل‌های مائوئیستی آسیا و امریکای لاتین در تماس شد و با آنها بگفتگو نشست. در اینجا بود که محدودیت و بیچارگی ناسیونالیزم بورژوائی ساما را بخوبی شناخت. برای او دیگر تنها تسلیم طلبی

ساما و جاسوسی آن برای "خاد" یک مسئله نبود، بلکه تمام اندیشه و بینش ساما به مسئله مبدل شده بود. این تسلیم طلبی از ایدئولوژی ساما منشا می گرفت، در اینجا دیگر تنها "کودتا- قیام"، تنها "اعلام مواضع و جمهوری اسلامی خواهی" ساما انحراف نبود، بلکه سراسر برنامه ساما با آن "مشی مستقل ملی" و بسیار چیزهای دیگر که قبلا درست به نظر می آمدند، انحرافی و بورژوائی بودند. از این جا بود که می شد پی برد چرا برنامه نویس ساما رهبری پرولتاریا در جنگ توده ای را در برنامه اش از قلم انداخته است! رفیق ضیا در سال ۱۹۸۵-۱۹۸۶ بعد از یک دوره طولانی مبارزه داخل تشکیلاتی ساما به این نتیجه رسید که مبارزه درون تشکیلاتی را فقط با کسانی میتوان از پیش برد که آنها نیز به همان معیارها و اصول معتقد باشند، نه با کسانی که به اصول اعتقاد نداشته باشند. به این لحاظ او از ساما جدا شد. ساما، نخست به بهانه باز گرفتن اسناد کمیته تحقیق برخانه او حمله برد و بعد از آن کارزار ضد "ضیا" را در داخل صفوف قبل از قبل تسلیم شده اش دامن زد. لیکن رفیق می دانست کتله ای که بر آن ایدئولوژی انقلابی حاکم نباشد، کتله سرگردان در وادی افکار بورژوائی بوده و وحدت آن پیوندهای ذرات ریگ در مسیر سیل وقایع است. یک چنین کتله ای نه در رهائی خلق می تواند سهمی ادا کند و نه از نظر استراتژیک اهمیت دارد. اما به این حقیقت نیز آگاه بود که ویرانی های را که ناسیونالیزم و تسلیم طلبی ساما، وابستگی گروه انقلابی به تئوری سه جهان و مائوتسه دون زدایی اخگر و سنتریزم ساوو در افغانستان بجا گذاشته، سال‌های مدیدی ترمیم نخواهند شد.

رفیق ضیا با آشنایی به مرحله تکامل یافته مارکسیزم-لنینیزم-مائویزم و الهام گیری از جنگ کبیرخلق در پیرو خط رفیق اکرم یاری را کشف کرد. این خط همچون خط رفیق ابراهیم "کاپاکایا" در ترکیه و خط رفیق "چارومومدار"، بطور مستقیم از انقلاب کبیر فرهنگی پرولتاریائی تحت رهبری مائوتسه دون الهام می گرفت. از این جا بود که معلوم می شد سامائی بودن چگونه به

قهقرا رفتن است. و چگونه بورژوازی ناسیونالیست افغانستان جنبش چپ انقلابی کشور را از بالا به پائین کشیده و سقوط داده است! به همین لحاظ او مسیرانکشاف و تکامل بخشیدن به کار رفیق اکرم یاری را انتخاب و در سال ۱۹۹۰ حزب کمونیست افغانستان را تاسیس کرد. این اولین بار بود که طبقه کارگر در افغانستان حزب پیشآهنگ خود را تاسیس و از "هفت خوان" عبور ناپذیر می‌گذشت. این افتخار تاریخی نشان دهنده تکامل کیفی جنبش انقلابی افغانستان است و فقط به رفیق ضیا تعلق دارد و ثمره کارخستگی ناپذیر اوست.

رفیق ضیا بعد از تجاوز امپریالیست‌های غربی تحت رهبری امپریالیزم اضلاع متحده آمریکا در مقابل دو انتخاب قرار گرفت: انتخاب نخست گزیدن راه هم‌پائی و هم‌گرایی با اشغالگران امپریالیست بود و از این سوراخ بوی نان گرم می‌آمد. بقایای ساما با نشر کتاب "الگوی دموکراسی..." خدمت به امپریالیزم و استحکام دولت دست‌نشانده آنرا شروع خوانده و جنگ مقاومت را "خودکشی" و "خیانت به صفوف خود" اعلام کرده بود.

سازمان رهائی افغانستان قبل از قبل در کنار احزاب اسلامی و قاتلین داکتر فیض در جلسه ننگین بن شرکت ورزیده و کرسی‌های قدرت را در سنا، پارلمان و دستگاه دولتی در نظر گرفته بود. چپ افغانستان بطور اکثریت در مقابل اشغالگران امپریالیست و انجوه‌های رنگین و روغنی‌شان زانو زده و بخش اروپا نشین آن به شفاعت نزد پادشاه مفلوک و مخلوع سابق کشور در روم شتافته بود. این انتخاب خیلی و سوسه انگیز بود! اما رفیق ضیا انتخاب دوم را که ایستادن در برابر امپریالیزم و فراخوان خلق به جنگ ملی - مردمی و انقلابی بود، برگزید. او با سازمان پیکار برای نجات افغانستان و یک تشکل محلی دیگر متحد شده و حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان را تاسیس کرد و بر خلاف چپ زانو زده کشور شیشه شرف طبقه کارگر و عزت و غرور خلق آزادی‌خواه کشور را در بازار سیاسی اشغالگران به فروش نگذاشت.

بعد از فروپاشی شدن جنبش انقلابی بین‌المللی بدست باب اوکیان و مریدان ایرانی‌اش، رفیق ضیا به نبرد رویونیوم رفت. اونخستین رهبر کمونیست زمان ما بود که علیه رویونیوم باب اوکیان موضع گرفت و الهام بخش هزاران مارکسیست-لنینیست-مائوئیست در سراسر جهان گردید. به تعقیب آن مبارزه علیه رویونیوم را بطور کل و رویونیوم امریکائی را بطور ویژه از سطح ایدئولوژیک انکشاف داده تا سطح سیاسی و تشکیلاتی ارتقا داد.

به دینسان رفیق ضیا نه تنها جنبش کمونیستی افغانستان را تکامل بخشیده و به سطح عالیتر کمی و کیفی بالا برده است بلکه به جنبش کمونیستی بین‌المللی نیز خدمات ارزنده‌ای را انجام داده است. مرگ این رفیق ضیا به مشکل جبران پذیر جنبش پرولتاریایی معاصر به حساب میرود. از همین روست که سگان نواله خوار امپریالیزم و ارتجاع از طریق فیس بوک و انستاگرام به پایکوبی و بیهوده گوئی پرداخته و تصور می‌کنند که مرگ رفیق ضیا مرگ خط رفیق اکرم یاری و بالآخره مرگ کمونیزم در افغانستان می‌باشد. اما حقیقت اینست که رفیق ضیا در وجود طبقه اش حل شده بود و طبقه او برای قرن‌های دیگر زنده خواهد بود. به این لحاظ آرزوی مرگ جنبش پرولتاریائی و امحای نقش رفیق ضیا در تاریخ آن در افغانستان یک توهم طفلانه است. و رفیق ضیا در دل تاریخ، در مبارزه طبقاتی پرولتاریا و در سرفه‌های مسلسل جنگ خلق و تا رسیدن خلق افغانستان به کمونیزم زنده خواهد بود. اندوه مرگ رفیق ضیا را به انرژی مبارزه برای سرنگونی دشمنان خلق مبدل کنیم!

مرگ برامپریالیست‌های اشغال‌گر و رژیم دست‌نشانده آن‌ها تدارک برای جنگ ملی مردمی و انقلابی بهترین یاد از رفیق ضیا است.

مائوئیست‌های افغانستان

۲ سرطان ۱۳۹۹

راه رفیق ضیاء ادامه دارد

حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان صدر و یکی از بنیان‌گذار خود را از دست داد؛ این ضایعه‌ای بزرگ برای حزب و قطب انقلاب در کشور ما و جنبش بین‌المللی مائوئیستی است.

رفیق ضیاء به عنوان یک کمونیست واقعی انقلابی، زندگی خود را وقف آرمان کمونیزم و انقلاب پرولتری کرد. هدف زندگی وی، دفاع و پیشبرد اصول مارکسیزم-لنینیزم-مائوئیسم بود. رفیق ضیاء خدمات عظیم و مهم تئوریک و عملی برای انقلاب و کمونیزم انجام داد. نام و میراث او در تاریخ مبارزات مائوئیستی افغانستان و جنبش بین‌المللی ماندگار خواهد شد.

او نویسنده‌ای متعهد و متفکر بزرگ در تاریخ کمونیستی و روشنفکری کشور ما بود. رفیق ضیاء در سراسر زندگی انقلابی‌اش از خود صدها مقاله و هزاران صفحه نوشته در پاسخ به ضرورت جنبش انقلابی و کمونیستی بر جا گذاشته است. با این حال، رفیق ضیاء در نوشته‌هایی که برای نشر عمومی بود، نامش را درج نکرد؛ به عنوان یک انقلابی پرولتاریایی، وی علاقه‌ای به نام، شهرت و جاه‌طلبی نداشت؛ دغدغه‌ی رفیق ضیاء فقط استحکام و گسترش حزب و ایده‌های انقلابی و مبارزه برای انقلاب پرولتاریایی در افغانستان و جهان بود. برای ارج‌گذاری به زحمات پربهای فکری وی، ما از کمیته‌ی مرکزی حزب می‌خواهیم منتخب آثار رفیق ضیاء را به نشر برساند. چاپ آثار او برای تقویت قطب انقلاب و مبارزه طبقاتی ضروری است.

در زمانی که قطب ارتجاع "مرگ کمونیزم" و "پایان تاریخ" را جار می‌زدند، رفیق ضیاء مبارزه را برای تشکیل حزب کمونیست افغانستان آغاز کرد. او تأکید داشت که تأخیر در تشکیل حزب کمونیست، نشانه‌دهنده‌ی عدم مسئولیت‌پذیری در قبال انقلاب افغانستان و جهان است. نخستین شماره‌ی دور دوم شعله‌ی جاوید

به عنوان ارگان حزب کمونیست افغانستان اعلام کرد: «در شرایطی که سوسیال‌امپریالیست‌ها، امپریالیست‌ها، رویونیست‌ها و مرتجعین رنگارنگ، حملات کین‌توزانه و گسترده‌ای را علیه کمونیزم و پرولتاریای جهانی در سطح وسیع بین‌المللی و منطقه (منجمله در افغانستان) سازمان داده و به پیش می‌برند، تدوین این مرامنامه و تأسیس حزب کمونیست افغانستان در کنگره‌ی موسس حزب کمونیست افغانستان، یک ضد حمله‌ی کمونیستی اصولی، شجاعانه و مناسب به‌شمار می‌رود». زیر رهبری وی بود که دور دوم شعله‌ی جاوید با سرلوحه قرارداد این نقل قول از مائو تسه‌دون راه اندازی شد، «برای انقلاب کردن به حزب انقلابی احتیاج است. بدون یک حزب انقلابی، بدون حزب انقلابی که بر اساس تئوری انقلابی مارکسیزم-لنینیزم-مائوئیسم] و به سبک انقلابی مارکسیستی-لنینیستی- [مائوئیستی] پایه‌گذاری شده باشد، نمی‌توان طبقه‌ی کارگر و توده‌های وسیع مردم را برای غلبه بر امپریالیزم و سگ‌های زنجیری‌اش رهبری کرد.»

در هفتم اکتوبر سال ۲۰۰۱، زمانی که ائتلاف امپریالیستی به رهبری امپریالیزم امریکا به افغانستان تجاوز و آن را اشغال کرد، حزب کمونیست افغانستان تحت رهبری رفیق ضیاء علیه این اشغال امپریالیستی و رژیم دست‌نشانده‌اش موضع گرفت. زمانی که اپورتونیست‌ها و رویونیست‌ها با عجله زیر چتر اشغال در آمدند، حزب کمونیست افغانستان خواهان اتحاد جنبش مارکسیستی-لنینیستی-مائوئیستی کشور در حزب واحد شد تا پاسخی مارکسیستی-لنینیستی-مائوئیستی به تجاوز و اشغال بدهد. در نتیجه‌ی این تلاش‌ها، حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان شکل گرفت. دور سوم شعله‌ی جاوید به عنوان ارگان حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان نشراتش را با این سرلوحه آغاز کرد:

«جریده‌ی شعله‌ی جاوید، ارگان مرکزی حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان است که عمدتاً در خدمت تدارک، برپایی و پیشبرد جنگ مقاومت ملی مردمی و انقلابی (شکل مشخص کنونی

جنگ خلق) قرار دارد.»

رفیق ضیاء توجه خاصی به تضاد عمده‌ی تئوری مائوئیستی داشت. او هرگز برای برجسته کردن اینکه تضاد عمده در جهان، تضاد بین امپریالیزم و خلق‌ها و ملل تحت ستم است، فرصتی را از دست نداد. او در رابطه به افغانستان تأکید می‌کرد که تضاد عمده، تضاد بین امپریالیزم اشغالگر و رژیم دست‌نشانده با خلق‌های کشور است.

در سال ۱۹۸۷ رفیق ضیاء هسته‌ی کمونیست‌های انقلابی افغانستان را بنیان نهاد، سازمانی که برای اولین بار درفش کمونیزم را زیر همین نام در کشور بلند کرد؛ با این کار، وی از سنت غیر اصولی در جنبش کمونیستی کشور گسست کرد، سنتی که درفش کمونیزم را در پشت شعارهای دموکراتیک، دموکراتیک نوین و حتی شعارهای اسلامی پنهان می‌کرد. وی سازمان کمونیست‌های انقلابی را در سال ۱۹۸۹ پایه‌گذاری کرد که منجر به تشکیل حزب کمونیست افغانستان در سال ۱۹۹۰ شد. سازمان کمونیست‌های انقلابی افغانستان زیر رهبری رفیق ضیاء، سومین سازمانی در جهان بود که مائوئیزم را به‌عنوان سومین و عالی‌ترین مرحله‌ی علمی و ایدئولوژیک انقلابی پذیرفت.

علاوه بر آن، تحت رهبری او بود که "هسته‌ی کمونیست‌های انقلابی افغانستان" و "سازمان کمونیست‌های انقلابی افغانستان" نشریه "ندای انقلاب" را راه‌اندازی کردند که گسست رادیکال دیگری را از سنت انحرافی سازمان‌های مدعی کمونیزم که نشریه‌هایی با شعارهای مذهبی نشر می‌کردند، رقم زدند. مدتی بعد از آن، با انتشار دور دوم شعله‌ی جاوید به عنوان ارگان مرکزی حزب کمونیست افغانستان و به عنوان یک جریده‌ی کمونیستی (مارکسیستی-لنینیستی-مائوئیستی)، وی قدم‌های مهمی دیگری روبه‌جلو برای جواب‌دهی به ضرورت‌های تئوریک و ایدئولوژیک مبارزات انقلابی و کمونیستی در کشور برداشت. رفیق ضیاء همواره برای اتحاد جنبش مارکسیستی-لنینیستی-مائوئیستی در کشور تلاش کرد. او همواره علیه سکتاریزم، انفرادمنشی و

خودخواهی خرده‌بورژوازی که سد راه اتحاد جنبش مارکسیستی-لنینیستی-مائوئیستی کشور بود، مبارزه کرد. رفیق ضیاء دائماً به نقد و افشاگری مواضع نیروهای تسلیم‌طلب، رویزیونیست و چپ-لیبرال و پوچ‌بودن پایه‌های تیوریک‌شان در افغانستان ادامه داد. در نتیجه‌ی پافشاری حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان بر این مبارزه، برخی از تسلیم‌طلبان مجبور شدند تا اندازه‌ای از موضع تسلیم‌طلبانه‌ی خود بگذرند و حداقل در ظاهر علیه اشغالگران موضع بگیرند. رفیق ما قاطعانه به تطبیق اصول کمونیستی «انتقاد و انتقاد از خود» و «وحدت-مبارزه-وحدت» باور داشت. اولین شماره‌ی دور دوم شعله‌ی جاوید بیان می‌کند، "شعله‌ی جاوید مبارزه علیه اپورتونیزم مسلط دسته‌ها و گروه‌های منحرف باقی‌مانده از جریان دموکراتیک نوین را پیش خواهد برد، اما سعی خواهد کرد که با درس‌آموزی از گذشته، به مشاجرات لفظی تند و پرخاشگری‌های زننده و بی‌ثمر وارد نشود". رفیق ضیاء و حزب تحت رهبری‌اش به این اصول پایبند ماندند. میراث وی، الگوی مثبتی برای مبارزات ایدئولوژیک و خطی برای آینده‌ی جنبش ما فراهم کرده است. وی یک سازماندهی انقلابی نمونه و یک رفیق عزیز برای کمونیست‌ها و انقلابیون واقعی بود.

رفیق ضیاء نمونه‌ای از یک انترناسیونالیست واقعی نیز بود. تحت رهبری تئوریک و ایدئولوژیک وی بود که حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان علیه خطوط انحرافی و رویزیونیستی که باعث فروپاشی جنبش انقلابی انترناسیونالیستی شده بود، موضع اصولی گرفت. وی به ساختن تشکیلات بین‌المللی مائوئیستی اهمیت ویژه‌ای می‌داد و آن را برای رشد جنبش کمونیستی جهان و افغانستان حیاتی می‌دانست. از این رو، رفیق ضیاء چندین مقاله در مورد مسایل مهم خطی مربوط به جنبش بین‌المللی مائوئیستی و مبارزه برای تشکیل یک سازمان بین‌المللی مائوئیستی نوشته است. جای خالی رفیق ضیاء در مبارزه‌ی حزب ما و جنبش بین‌المللی مارکسیستی-لنینیستی-مائوئیستی احساس خواهد شد. با این وجود،

پیام رزم و پیکار

شعری از رفیق ضیا

مپندار اینکه شیران بی نشان اند
چو بینی رویهان چیره به صحرا

شغالی گشته میدان گرچه اکنون
ولی این خر دوانی نیست پایا

فراز آید به زودی موج طوفان
اگر چه ظاهرا دریاست آرام

عیان گردد زنان را خشم سنگین
ز مردان رادمردی غیرت و نام

سراید این شب تاریک و بی نور
پیام صبح بنگر در ستاره

سیاهی رخت بریند ز جنگل
بیاید نور و عصیان و شراره

کند مستی کنون این بوم بد بانگ
ولیکن تیز می آید عقابی

به کل مرغان نماند شادی و شور
ز مرداری نماند فصل و بابی

کبوتر سر بریده، تن دریده است
ولی زود آید آن باز شکاری

درد بنیاد زاغ پیر یک سر
گشایند بال قمری و قناری

تواند کمی که بنده مرغ لعنت
مسیر شهر آزادی و شادی

چو آید آید سیمرخ خیزد
روند جغدان ازین بوستان و وادی

حدیث مرگ طوفان یاوه گوئیست
که بستن موج دریا را محال است

جهالت را حکومت بر سر آید
ره انسانیت سوی کمال است

فسونگر هست گرچه مال وحشی
ولی افسون او افسانه گردد

سرش کوبیده زهرش زهره جاننش
خراب از غربت مستانه گردد

ز نایبنا میرس احوال دنیا
که پیش چشم او شب برقرار است

شب و روزش بود تاریک و تیره
سیاه نزدیک او سخت استوار است

ما راه رفیق ضیاء را با تواضع انقلابی، درک مارکسیزم-لنینیزم-مائوئیزم و تطبیق شیوهی کار مارکسیستی-لنینیستی-مائوئیستی و خط مشی توده‌یی در تمام مبارزات مان ادامه خواهیم داد. برای رسیدن به این هدف، میراث رفیق ضیاء برای آموزش و پیشرفت ما، الگو خواهد بود؛ ما باید به اصول «انتقاد و انتقاد از خود» پایبند بوده، آن را تطبیق کنیم و از اشتباهات گذشته بیاموزیم. رفیق ضیاء مانند یک کمونیست واقعی انقلابی هرگز از آموختن دست بر نداشت. وی به ما آموخت تا با توده‌ها در ارتباط نزدیک باشیم، از توده‌ها بیاموزیم، در سنگر مبارزه‌ی طبقاتی پیشرفت کنیم و تئوری را به پراتیک تطبیق نماییم.

ما تسلیت عمیق خود را به کمیته‌ی مرکزی حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان، به همه‌ی اعضای و هواداران حزب، جنبش بین‌المللی مائوئیستی و به خصوص غم‌شریکی عمیق خود را به خانواده و عزیزان رفیق عرض می‌داریم.

رفقاء مطمئن باشید که درفش مبارزه که با خون ده‌ها هزار مائوئیست و مبارزان دموکراتیک نوین برافراشته مانده، به زمین نخواهد افتاد. شعله مبارزه برای مائوئیزم خاموش نخواهد شد، همان طوری که در پیش‌گفتار برنامه‌ی حزب ما آمده است، "این شعله فروزان‌تر از پیش بر افروخته و مشتعل است و می‌رود تا بر خرمن هستی دشمنان آتش افکند، آتشی بزرگ، آتشی عظیم."

زنده باد رفیق ضیاء!

زنده باد مارکسیزم-لنینیزم-مائوئیزم!

زنده باید حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان!

زنده باد انترناسیونالیزم پرولتری!

حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان،

واحد شماره ششم

۲۴ جون ۲۰۲۰

راه. جمل

اینجا درین دیار
 درین کهن حصار
 درین سرای غم
 ما دیده ایم مدام
 رنج و غم و الم
 ما ساختیم جهان
 با شیریه ی بدن
 با دست پرتوان
 لیکین درین میان
 ارباب برده دار
 دزدید رنج ما
 بر بود گنج ما
 حاصل ز بهر ما
 زان زحمت و تلاش
 شد رنج جان گداز
 آن سده های درد
 با جنگ بی امان
 با جنگ بردگان
 بر ضد مهتران
 بر ضد بهتران
 چون گشت ناپدید
 ما خواستیم جهان
 باشد به کام ما
 اما نشد تمام
 دنیای پر زرد
 دنیای پرز رنج
 ارباب برده دار
 گرچه برفت لیک
 آن خان زمین دار
 بگرفت راه او
 بنشست جای او
 باری دیگر ز سر
 رنجی که حد و حصر
 نشناخت شد قرین
 رنجی بیرون ز مرز
 بر خیل کشتگر
 بر اهل برزگر
 باری دیگر ز سر

جنگی دیگر شروع
 گردید بی امان
 برضد بیگلر
 بر ضد میر و خان
 بس سده ها گذشت
 بر جنگ دهقان
 لیک افتخار جنگ
 زان سوی بحر
 «اعمارگران» دوز
 آمد درین دیار
 بگرفت مرز و بوم
 لشکر اگر چه رفت

یک شام قیرگون
 شاهنشاه روس
 با ماسک پر ریا
 مکر و فریب نو
 باری دیگر به پاه
 کردند تیره گی
 باخیره گی بی چون
 ضحاک ماردوش
 «قرین دار» پشت
 یغماگران ریگ
 چنگیز چون بلا
 انگریز حیلہ گر

مستانه کاقبت
 سر باخت ماردوش
 کز مرزها بیرون
 افتاد سرانجام
 چون تاج سلطنت
 بر فرق فریدون
 ما ضد سکندر
 بر هر کوه و کمر
 جنگیده ایم و انجام
 سر دادن ما شد
 دار سپه دران
 تاج شهنشاهان
 از دشت های غرب
 تا کوهسار شرق

پای حصار شهر
 کباب شد به خون
 کباب شد به جان
 باجان و خون ما
 اعراب ولجه به سر
 بر بود مال ما
 بستود جان ما
 بود جنگ و خون زما
 دشمن زبون ما
 این جان و خون ما
 شد تحفه سرانجام
 در دست امیران
 تاهدیه نماید
 بر تخت خلیفه
 در یورش چنگیز
 کفتاد قتل عام
 ما بودیم و نبرد
 لیکین امیر و شیخ
 تسلیم یا فرار
 یا بر مزار ما
 ویرانه شهرها
 مخروبه قریه ها
 گشتند چون شریک

شعر از رفیق ضیا، سروده شده در
 اواخر دهه ی شصت خورشیدی

جنگی کنون ولی
 باید به پا بود
 برضد برده گی
 برضد بنده گی
 در هر لباس و شکل
 از هر قماش و رنگ
 آن کاوه نامدار
 بالا درفش رزم
 بنمود ضد خصم
 در زیر این درفش
 ضد ضحاک دوز
 جنگیدیم آن چنان

چون دید ضرب شصت
 در صحنه ی نبرد
 شاهنشاه ی بی پول
 همچون سپاه نبود
 تا بشکند به جنگ
 شد ماندگار گشت
 کوه دیگر گران
 بردوش مردمان
 بس سال ها گذشت
 بر جنگ و رزم ما
 کامد سپاه دوز
 یک روز پر زرد

جهان نو

سوی جهان نو	بر باد می‌رود	باید نبرد ما	بهر مهاجمان
این راه پر شکوه	ویرانی‌یی اتحاد	این جنگ پر دوام	انگریز بارها
این راه پر ز شور	نالان شده بلاد	بر ضد دشمنان	از ضرب شصت ما
این راه پر زیبج	آواره‌گی چه سود؟	دایم بود مدام	گردید سخت خوار
این راه پر ز خم	کز بعد سال‌ها	این بار بایدش	بیچاره و زبون
راه جهان نو	بار دیگر بود	فرجام بهرما	هر بار بعد جنگ
راه تمام ماست	ظلم و ستم به جا	روشان روند چون	لیکن ربوده شد
کارگران به پیش!	باید به پا شود	خوار و زبون زار	از دست ما دریغ
یک دست و متحد	یک راستین ستاد	از صحنه‌ی نبرد	خون‌های سرخ مان
گردد چه استوار	از بهر انقلاب	باید شویم آزاد	همچون نشان جنگ
این جبهه در نبرد	اندیشه‌های مارکس	از بنده جهان‌خواران	شد تاج امارت
در رزم مشترک	و ز لنین و مائو	از قید میر و خان	بر سایه‌های رب
باید با خلق‌های دیده‌بلا	اساس بایدش	آید و لی اگر	اما در این نبرد
و کشیده رنج	اساس این ستاد	یک دولت سازش	درین تلاش عام
داریم به پیش رو	با سمت و سو شود	از نوکران روس	درین نبرد سخت
جهانی برای فتح	تا رزم کارگر	با هم‌رهان دون	بر ضد روسیان
	تا رهبری شود	ارباب و میر و شاه	گشتیم قتل عام
شعری «جهان نو» را رفیق	قهر و خروش خلق	یا حضرت و ملا	آواره بی‌پناه
ضیا در دهه شصت	باید به پا کنیم	اخوان پر ریا	بر پهنه‌ی جهان
خورشیدی سروده است.	دموکراسی نوین	پامال می‌شود	
	زان هم رویم نیز	خون‌های ریخته	
	بی باک ما جلو	اجساد سوخته	



غرور سرخ

رفتت یک سوال مشکل بود، این سوال و جواب با ماند
 مستحی عشق با تو رفت، اما طعم تلخ شراب با ما ماند
 این رفیقانه نیست رفیق، راه دور و دراز در پیش است
 انتخاب تو جاودانه شدن، باقی انتخاب با ما ماند
 در تنور نبرد اندیشه، مثل فولاد آب دیده شدی
 این تنور نبرد پا بر جاست، جرئت‌ات ای شهاب با ماند
 تو نه مانند یک ستاره‌ی گنگ، بلکه مانند اشعه‌ای خورشید
 می‌درخشی و می‌درخشی باز، یعنی که آفتاب با ما ماند
 حرف و تحلیل صادقانه‌ی تو آبیاری باور عشق است
 یعنی از عشق و از غرور سرخ، شرح صدها کتاب با ماند
 کوله بار هزار اقبانوس، در غرور تو پیچ و خم دارد
 لذت استقامت دریا، با هزار التهاب با ماند
 قامت استوار عاشقانه‌ات، مکتب ضد ظلم را پر داد
 خاک میهن هنوز در اشغال وضع و حال خراب با ما ماند
 با صد افسوس با هزار افسوس رفتی، اما بدان رفیق عزیز
 بار سنگین این مسیر دراز، بیرون انقلاب با ما ماند

شعر از رفیق صمصام



کاری از حزب کمونیست (مائوئیست) اکوادور به مناسبت درگذشت رفیق ضیا

**FRENTE DE DEFENSA DE LUCHAS
DEL PUEBLO DEL ECUADOR**
¡Sirviendo al pueblo de todo corazón!



¡La Rebelión se Justifica!

**Honor y Gloria para el Camarada ZIA, vivirá
en el corazón y luchas del proletariado y
pueblos oprimidos del mundo!!**

شعله جاوید

ارگن مرکزی حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان
Communist (Maoist) Party of Afghanistan

**Viva el Partido Comunista (Maoísta)
de Afganistán**

آدرس ما

[/http://www.sholajawid.org](http://www.sholajawid.org)

<https://t.me/sholajawid>

[sholajawid ۲@Protonmail.com](mailto:sholajawid2@Protonmail.com)